

رجال زیر ذره بین

تلف «م» بهرام، منسلح

۱۷۸-۳

1000



در مملکت پیشرفته رسم چنین است که برای
بهرتر شناساندن افراد برجسته از طبقات مختلف
کشور سیاستمداران ، دانشمندان، صاحبان مشاغل
حرفه و غیره کتابهای مخصوص منتشر می سازند اما
در کشور ما این رسم متداول نیست و کتاب حاضر
که وسیله «نگارش» دبیرخانه گروه انتشارات
مستند تقدیم می گردد، گامی است که در این راه
برداشته شده و امید می رود که این خدمت مورد
قبول خوانندگان گرامی واقع گردد .

«م» منهاج

چاپ سوم « نگارش » دبیرخانه گروه انتشارات مستند

اسکن شد

رجال زیر ذره بین

مؤلف: (م) بهرام. منہاج

نگارش .

تقدیرم میکند :

— از دانشمند گرامی و نویسنده محترم سرکار خانم
« دکتر پوران دخت پور آرین » متخصص و جراح زنان
و سرطان که تمام تحصیلات دانشگاهی، در رشته پزشکی رادر
امریکا بیابان رسانیده، متخصصی است حاذق

تقریظ :

ب عنوان مقدمه

دوست من کتابی تهیه کرده که در آن خصوصیات اخلاقی و روحی گروهی از رجال مملکتی را گردآوری نموده، کتاب کامل نیست از آن جهت که با گروهی از کمیلین قوم آشنا میشویم و نام بسیاری از کسان دیگر را نمی یابیم.

بی شک این امر دلیلی آشکار دارد یعنی عدم دسترسی بشرح زندگی و معاشرت با آنان که بتوان در شرایط متفاوت خصوصیات آنان را مطالعه کرد و از این رهگذر ره آوردی شایسته هدیه دوستان نمود.

اما این مهم دلیل نقص کتاب حاضر نیست زیرا آنچه که تهیه شده در حد کمال و توجه است.

شکی نیست که بیوگراف نویس کاری بس دشوار را عهده دار میشود و بدبختانه هیچگاه در این راه کامیاب نمیکردد و بسیار دوستان و آشنایان را از دست میدهد این امر در آن هنگام اتفاق می افتد که تهیه مطالب بیغرضانه و بیطرفانه باشد و گرنه کار بیوگرافی نویسی نوعی دشمن یابی است زیرا افراد مختلف طرفداران و مخالفینی دارند که هر نوشته - اگرچه اغراق در حسنش باشد - از نظر طرفداران ناقص است و حق فرد مورد نظر ادا نشده و از نظر مخالفین نیز مساله آشکار است که صورت قضیه چگونه بوده و چه تعبیراتی باید بکار برود و در آن حال که نظر صاحب بیوگرافی جلوه دیگری دارد.

بهر حال، دوست من بیه کم لطفی دوستان را بر تن مالیده و بدین مهم دست زده.

مطالب کتاب با آنکه مختصر تهیه شده خوشبختانه رسا و کامل است و گوئی که باین موضوع که کلام باید قل و دل باشد توجه دقیقی مبذول گشته و از حشو و زوائد پرهیز کامل شده است.

کتاب از آن نظر شایان توجه است که وقتی خواننده مطالعه را رها میسازد میاندیشد که تلفیق چه خصوصیات شخصیت های بارز کننده و مسؤول اجتماع امروز ما را می سازد و این شخصیت ها چگونه تعیین سر نوشت ملت هستند و علت بسیاری از مسائل در ذهن خواننده روشن و متبیین می گردد.

برای آنکه بتوانیم با اهمیت رشته بیوگرافی همکاری در ادبیات واقف گردیم کافیه هائی که از «بتهوون» و سیله «امیل لودویگ» و «نسان و انکوک» توسط «ایرونیک استون» پرداخته شده بشکریم و

اجتماعی را که پتهوون و وانكوك در آن زندگی میکردند، با همه قوتهای وضعفها، زشتیها و زیباییها، عدالتها و پیدادگریهایش را بشناسیم و یاه بازیگران عصر طلایی که وسیله دانشمند گرامی «ابراهیم خواجه نوری» برشته تحریر در آمده صدار آن دوره از تاریخ ملت کهنسال ما را بهتر از تواریخ موجود و دیگر گنده نفسی هائیکه ذکر می گردد بیان میکند، در حال کیونی کتاب حاضر نیز چنین نقشی را ایفا میکند.

سخن را کوتاه می کنم و خواننده را بخواندن متن کتاب دعوت می کنم، امیدوارم که دوست من در راهی که پیش گرفته موفق باشد و آرزو میکنم که بتواند بیوگرافی بقیه رجال کشور را نیز تهیه و طبع نشر نماید.

« دکتر پوران دخت پور آرین »

یادداشتی در باره مندرجات کتاب

گرچه می بایست بیوگرافی افراد بترتیب حروف تهجی چاپ شود اما بهماست شتاب در فرم بندی و تنظیم مطالب این امر میسر نگشت و اجمالاً ذکر این نکته از آن روی ضروری بنظر آمد تا این عدم ترتیب در کتاب سبب سوءتعبیر نگردد و بدینوسیله از خوانندگان عزیز پوزش میطلبیم. همچنین یادآور میکنم که مطالب بصورتی تنظیم یافته است که بعضی از عقاید برجسته شخصیتها بصورت جمله ای کوتاه در اول بیوگرافیها درج شده که مسلماً خوانندگان عزیز بدان توجه خواهند فرمود.

در خاتمه بر خود لازم می دانم از محبت های همکاران ارجمندی که در راه تهیه و تنظیم این کتاب مرا یاری کرده اند، مخصوصاً خانمها سرکار خانم ثریا حجازی و سرکار خانم پروین ابراهیمی و آقایان مصطفی گارنگی کارمند ثبت احوال تهران و حسین گارنگی و مرتضی گارنگی نویسنده توانا و ایرج فرامرز و بدالله رستمی و خشمیت نیکخواه صمیمانه تشکر کنم.

« مؤلف »

امیرعباس هویدا

نخست وزیر



● عصاره حیات و مفهوم واقعی زندگانی ،
آزاد بودن، آزاد فکر کردن، آزاد سخن گفتن و آزاد زندگی کردن است

در سال ۱۲۹۷ در تهران تولد یافت ، پدرش از آزادیخواهان و روشنفکران عصر خود بود و بد تربیت فرزند خود علاقه فراوانی نشان میداد، تلاش میکرد تا او را برای زمان آینده آماده سازد و بهمین علت همه گونه وسیله تعلیم و تربیت را در اختیار امیرعباس قرار داد. او تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در شهر تهران بپایان رسانید. از دبیرستان دارالفنون فارغ التحصیل گشت و آنگاه برای ادامه تحصیلات رهسپار دیار غرب شد. در سال ۱۳۲۱ بایران بازگشت و اولین فعالیت اجتماعی خود را بارتبه ساده اداری در وزارت امور خارجه آغاز کرد. در اندک مدت کوتاهی بمعاونت اداره دوم سیاسی وزارت امور خارجه برگزیده شد و پس از چندی فعالیت در این پست بریاست اداره روابط کمیسیاری عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان انتخاب گردید و خدماتی که در این پست انجام داد بمقام مستشاری سفارت کبرای ایران در آنکارا را برایش بارمغان آورد .

از سال ۱۳۳۷ دومین دوره زندگی وی شروع میشود چون در این سال بود که وی به شرکت ملی نفت ایران انتقال یافت و بدو بعنوان سرپرست سازمان امور اداری

رجال زیر ذره بین

این شرکت مشغول بکارشد و پس از آن عضویت هیئت مدیره شرکت نفت انتخاب گردید، در این هنگام وی اقدام به انتشار مجله ماهنامه‌ای بنام «کاوش» نمود. وقتی در سال ۱۳۴۲ کنفرانس اکافه در تهران تشکیل یافت وی به اتفاق آرا به مدیر کلی این کنفرانس انتخاب گردید، در این کنفرانس نمایندگان سی و هشت کشور مختلف شرکت داشتند و او کوششهای فراوانی در اداره جلسات متعدد آن بعمل آورد که فوق العاده مورد توجه عموم و مسئولین امر قرار گرفت و از همان هنگام پیش بینی میشد که بزودی وی بوزارت خواهد رسید.

بالاخره در روز ۱۷ اسفند ماه ۱۳۴۲ برای اولین بار در کابینه مرحوم حسنعلی منصور بعنوان وزیر دارایی به پیشگاه شاهنشاه معرفی شد و از همان روز مسئولیت شاق و سنگینی بردوشش گذارده شد و بدین ترتیب او پای به سومین دوره زندگی خود گذاشت روز اول بهمن ۱۳۴۳ وقتی «حسنعلی منصور» بدست نوجوانی فریب خورده در جلوی درب مجلس شورای ملی ترور شد تنها کسی که مناسب آمد تا نظارت و سرپرستی بر امور نخست وزیری را بر عهده داشته باشد شخص امیر عباس خان بود. او نیز طی چند روز گذشت زمان توانست لیاقت و کاردانی خود را نشان دهد. در روز هفتم بهمن ماه پس از فوت نخست وزیر فقید وی مامور تشکیل کابینه گردید با همه نارسا احتی‌های روحی و مشکلات کشوری که بر سر راهش وجود داشت از انجام این مأموریت شانه خالی نکرد و دولت خود را تشکیل داد و در حال حاضر هشت ماه تمام از صدارت او گذشته است. با اینکه هنوز مدت بسیار کمی از دوران حکومت وی میگذرد مع الوصف در همین دوره کوتاه زمامداری بسیاری از امور انجام شده که در نظر مردم بادیده احترام نگریسته می شود و احتیاجی به یادآوری آنها نیست.

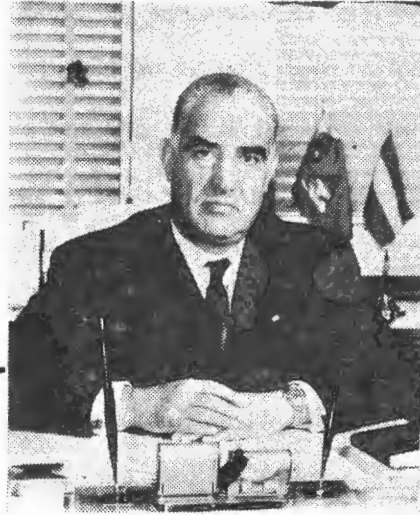
وی با اینکه از موسسین حزب ایران نوین میباشد برای آنکه در مقابل مردم

مسئولیت کمتری داشته باشد از قبول سمت دبیر کلی حزب استنکاف نموده و در جلسات حزبی کمتر شرکت میکند «امیرعباس» مردیست اهل شعر و شاعری و در این رشته تبحر فوق العاده‌ای دارد و در عین حال که رشته تحصیلاتش اقتصاد بوده و از چهره‌های بارز اقتصادی است از صاحب نظران ادیب کشور ما بشمار می آید. یکی از تکیه کلامهای او جمله ایست مشهور و شنیدنی بدین شرح «بیائید بشور بپردازیم» و این جمله بهترین نمودار خصوصیات اخلاقی او است وی در درجه اول مرد عمل است پافشاری و سرسپردگی او در مسائل مختلف گواه بر این مدعی است تشنه شنیدن انتقاد است و از همین روی علاقه فراوانی به آزادی مطبوعات دارد و در دوره حکومت وی مطبوعات از آزادی کامل بهره‌مند هستند. و تردیدی نیست آینده بهتری در انتظار نخست وزیر استخوان خرد کرده و با تجربه به ایران می‌باشد .

رجال زیر ذره بین

د کتر منوچهر اقبال

مدیر عامل شرکت نفت



● ترقی و عظمت يك کشور نه مربوط
بازدياد عوايد و استحكام رزها و ذلاع
آنست نه مربوط به قشنگی ابنیه و
عمارات آن ، بلکه مربوط به ازدیاد

مردم و روشنفکر آنست که قدرت و قوه حقیقی و واقعی را تشکیل میدهند

سالهاست که در صحنه سیاست ایران دکتر اقبال نقش مهمی را ایفا میکند و همه مردم از کوچک و بزرگ با نام و فعالیت‌های او آشنائی کامل دارند . وی فرزند اقبال السلطنه میباشد که پدرش از رجال با شخصیت خراسان است وی پس از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه در تیرماه ۱۳۰۵ برای فرا گرفتن دانش بیشتر رهسپار دیار غرب شد و تحصیلات پزشکی را در دانشکده پزشکی پاریس بپایان رسانید . پس از توفیق در امتحان سال پنجم پزشکی مدتی به امر مطالعه در رشته بیماریهای عفونی پرداخت و بدریافت گواهینامه طب مناطق گرمسیر از دانشکده پزشکی پاریس نایل شد آنگاه مدت یکسال برای تهیه پایان نامه خود نزد پروفسور لومیر استاد بیماریهای عفونی بکار پرداخت و در تیرماه ۱۳۱۲ پایان نامه خود را در باب - نقریت‌های ازتمیک زدورس در مخمלק - از تصویب هیئت قضاات گذرانیده باخذ درجه دکتری در طب و مداخله نقره

و عنوان «لور آی» دانشکده پزشکی پاریس نایل شد. وی پس از بازگشت بایران - مهر ماه ۱۳۱۲ - وارد ارتش شاهنشاهی شد و خدمت مقدس سربازی را انجام داد و پس از آن مشاغلی که بدست آورد بشرح زیر است .

- ۱ - ریاست بهداری شهرداری مشهد و بخش بیماریهای عفونی بیمارستان شاهرضا « سال ۱۳۱۴ » ۲ - ریاست بخش بیماریهای عفونی بیمارستان رازی « سال ۱۳۱۵ » ۳ - دانشیار دانشکده پزشکی « سال ۱۳۱۸ » ۴ - استاد کرسی بیماریهای عفونی و رئیس بخش بیماریهای عفونی در بیمارستان پهلوی (پانصدتخته خوابی سابق) ۵ - عضو شورایعالی بنگاه پاستور ایران ۶ - عضو هیئت مدیره جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران ۷ - عضو هیئت مدیره سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی ۸ - عضو شورایعالی فرهنگ ۹ - از دیماه ۱۳۲۱ تا تیرماه ۱۳۲۹ به ترتیب معاونت، کفالت و وزارت بهداری پست و تلگراف - فرهنگ - راه و کشور ۱۰ - استاندار آذربایجان در سال ۱۳۲۹ بمدت چهارده ماه ۱۱ - استاد و رئیس دانشگاه تبریز « در سال ۱۳۲۹ » ۱۲ - سناتور تهران در مجلس سنا ۱۳ - ریاست دانشکده پزشکی در تاریخ ۲۴ اردیبهشت هزار و سصد و سی و چهار ۱۴ - وزیر دربار شاهنشاهی در تاریخ ۱۲ خرداد هزار و سصد و سی و پنج ۱۵ - از تاریخ پانزدهم فروردین ۱۳۳۶ تا هفتم شهریور ماه ۱۳۳۹ بنا بر فرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاه به نخست وزیری منصوب گردیدند ۱۶ - سفیر کبیر و نماینده دائمی ایران در یونسکو ۱۷ - ریاست هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران .
- آقای دکتر اقبال عضو پیوسته مجمع پزشکان بیمارستانهای پاریس نیز میباشند و بدریافت نشانهای زیر مفتخر شده اند . ۱ - نشان درجه اول همایون با حمایل ۴ - نشان درجه اول تاج با حمایل ۳ - نشان درجه اول دانش (وزارت فرهنگ) ۴ - نشان آذربادگان (ارتش) ۵ - نشان درجه اول تربیت بدنی ۶ - نشان درجه اول راز

رجال زیر ذره بین

(پست و تلگراف) ضمناً از سایر کشورها بدریافت نشانهای زیر نایل گردیده اند .

۱- ازدولت فرانسه صلیب بزرگ لژیون ها نور Crand Croix de la Legion

d 'Honneur ۲- ازدولت لبنان Grand Gordon du Cedre Libanais

۳- ازدولت آلمان نشان درجه اول با حمایل ۴- ازدولت اسپانیا نشان درجه اول

۵- ازدولت ژاپن نشان درجه اول خورشید طالع ۶- ازدولت مراکش نشان درجه

اول الوسام العلوی ۷- ازدولت ایتالیا نشان Chevalier of grande Croix ۸- از

پاپ اعظم نشان درجه اول ۹- ازدولت چین ملی نشان درجه اول ۱۰- از پادشاه عراق

نشان درجه اول ۱۱- ازدولت جمهوری پاکستان نشان درجه اول امتیاز ۱۲- نشان

گران کورون دولور از طرف اعلیحضرت پادشاه بلژیک ۱۳- ازدولت پادشاهی سوئد

نشان ستاره قطبی ۱۴- نشان درجه اول ازدولت جمهوری اتریش ۱۵- نشان درجه

اول از طرف دولت شاهنشاهی اردن . ایشان در سال ۱۳۳۱ عضویت آکادمی طبی فرانسه

پذیرفته شده و نیز در سال ۱۳۳۵ درجه دکترای افتخاری حقوق از کالج لافایت آمریکا و

در مهرماه سال ۱۳۳۸ درجه دکترای افتخاری ازدانشگاه پاریس و بر دو بایشان اعطاء

گردیده است.

مهرداد پهلبد

وزیر فرهنگ و هنر



● دست طبیعت امیدهای انسان را
در هیچ حدود و ثغوری محصور نساخته

است و آرزوهای بشری هرگز حدی نمیشناسد .

روح و فکر ایرانی از نخستین زمانهائی که تمدن بشری تکوین یافته در راه اعتلاء هنرها کوشیده است . غیر از نیروی تفکر و تخیل که آثار ناشیه از آن بصورت زیبا ترین اشعار و لطیف ترین و رقیق ترین نمونه های ذوق و ادب جهان تجلی کرده است .

هنرمندان ایرانی با کمک دستان خلاق و آفریننده و روح پرشور خویش مبتکر و موجد بسیاری از هنرها و آثار ظریفه ای که امروز جزء بدایع و عجایب هنری محسوب است .

هنرهای ملی ایران همیشه تابع زمان و مکان بوده و مقتضیات این امور در آنها تأثیر کلی داشته است بوده اند .

مثلاً کثر هنرهای ظریفه ایرانیان تا هجوم اعراب رونق داشت ولی پس از آن موقتاً از میان رفت ، چنانچه هنر نقاشی و مینیاتور و مجسمه سازی تا آن اوقات یکی از هنرهای متداول بشمار میرفت ، ولی اعراب بسبب تعصبات قشری

رجال زیر ذره بین

مذهبی ریشه اینکارها را برانداختند. اما روح پرشور هنرمندان ایرانی غافل نشست و درعوض بکارکاشی کاری، تذهیب، قلم زنی، خطاطی، مینا کاری، گچ-بری و غیره پرداخت.

بعدگاه و بیگانه که فرصتی بدست هنرمندان ایرانی میافتاد هر کدام در رشته های مربوط بخویش فعالیت میکردند و آثاری باقی میگذارند. مهمترین دوران درخشان هنرهای ظریف عهد صفویه بود و پس از آن بتدریج دوران افول را گذرانید و بسیاری از رشته های هنرهای ملی از هم گسیخت و در دوران آخر قاجاریه دیگر اثری از هنرهای زیبا نبود تا اینکه در عهد «پهلوی» توجهی عمیق بآن مبذول گشت و سبکهای نظیر امپریسونیسم، کوبیسم، سورآلیسم و مدرن کم کم نقاشان و هنرمندان را تحت تأثیر قرار داد و نه تنها در شیوه نقاشی تحولی نو پدید آمد بلکه در سایر رشته های ملی نیز تغییرات و تبدیلات شگرفی پدیدار گشت هنرهای ملی و باستانی ما نظیر کاشی کاری، سفال سازی، خاتم سازی، منبت کاری، قالی-باقی. زری دوزی و غیره تحت تأثیر شیوه های نو واقع شد و در تکنیک ساختمان آنها تغییرات اساسی راه یافت...

... و حال میراثی گران بها از کوشش ها و تلاش های هنرمندان ایرانی باقی مانده است، آثاری که مظهری از تمدنی باستانی و کهن سال است، آثاری که نماینده کوشش ها و جدیت های مردمی برای بهتر زیستن است، و این آثار ایرانیان را به تمام مردم جهان می شناساند و نشان میدهد که این مردم چه تلاشی برای بهتر زیستن کرده اند. تا سالها پیش فقط سازمانی کوچک تحت نام «هنرهای زیبای کشور» حافظ این آثار و جمع آوری بدایع نو بود ولی اکنون مدتیست که بهمت راد مردی آزاده و وطن پرست تشکیلاتی کامل برای نگهداری این آثار بوجود آمده و

وزارتخانه‌ای «فرهنگ و هنر» نام براینکار سرپرستی دارد.

نام وی مهرداد پهلبد میباشد و اینست خصوصیات دربارہ وی .

اقداماتی که وی طی تصدی هنرهای زیبای کشور انجام داده هر يك خدمتی است فراموش نشدنی و نشانه ای از شخصیت برجسته و ذاتی وی . او نمونه يك انسان فعال و متحرك میباشد و بنظم و ترتیب بیش از هر چه - ز اهمیت داده ! به اجرای قانون خو گرفته و دیسیپلین مخصوصی را رعایت میکند . ازدواج کرده و بزندگی خانوادگی خود عشق میورزد معتقد است عشق بخانواده، عشق باجتماع و عشق بوطن را در آدمی زنده میکند .

از خصوصیات جالب اخلاقی و روحی او متانت و جهد بیش از اندازه است که در اینمورد او ضرب المثل دوست و دشمن میباشد . میگوید وقتی کسی کاری صحیح و اصولی انجام میدهد نباید انتظار داشته باشد که در همان لحظه پایان کار آراء و عقاید موافقی در اطرافش بوجود آید . بلکه باید صبر داشته باشد تا ثمرات کارش معلوم شده و این ثمرات آراء ثابت و موافقی را بسازد .

... و در حقیقت وجود بازیگرانی چون «پهلبد» باعث افتخار بوده و قدر خدمات و زحماتشان از یاد ملت نخواهد رفت و این میباشد که در آن جای انکاری وجود ندارد و زندگی چنین بازیگرانی میتواند الگوی خوبی برای نسل جوان ما که سودا زده براه سقوط میروند و تردیدی نیست که اگر آنها راه «پهلبد ها» را در پیش بگیرند خواهیم توانست اجتماع سالم و پیشروئی را پایه گذاری نمائیم بامید آرزو... .

رجال زیر ذره بین

اسدالله علم

رئیس دانشگاه پهلوی



● اخلاق يك قسم تمول و دارائی است

واز کلیه مایملک انسانی شریف تر و ارجمند تر است.

خانواده «امیر شوکت الملک» یکی از خاندان نجیب و اصیل خراسان است که افراد آن در چهار قرن گذشته باشاهت و رشادت مرزهای کشورها را از هجوم بیگانگان محفوظ داشته‌اند و صفحات درخشان و پرافتخاری را در تاریخ کهن و اصیل خود به ثبت رسانیده‌اند در سال ۱۲۹۸ بهامیر قائنات - امیر شوکت الملک - خداوند فرزندی عنایت فرمود که بیرجند تولدش را شادمانه جشن گرفت. امیر شوکت نو رسیده را - اسدالله - نام نهاد و تصمیم گرفت برایش همه نوع وسیله تعلیم و تربیت فراهم آورد و بهمین دلیل وقتی اسدالله تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را پایان رسانید رهسپار دانشکده کشاورزی تهران شد و پس از آن راه اروپا و امریکا را در پیش گرفت و در کشورهای غرب تحصیلات خود را دنبال نمود هنگامیکه بایران باز گشت با سیاست آلوده شده و باینکه ۲۶ بهار را پشت سر نگذاشته بود بفرمانداری کل بلوچستان انتخاب گردید و پس از آن اولین بار در کابینه ساعدمرآغه‌ای بوزارت کشور

انتخاب گردید و در این سمت آن چنان لیاقتی از خود نشان داد که در کابینه آقای علی منصور نیز بوزارت کشاورزی منصوب گردید و در کابینه مرحوم سپهبد رزم آرا پست وزارت کار را به عهده گرفت و بار دیگر در دولت آقای علا در سال ۱۳۳۴ در سمت وزیر کشور مشغول خدمت شد .

وی از سال ۱۳۳۰ سرپرستی املاک پهلوی را عهده دار شد و نقش بسیار مهمی در تقسیم املاک پهلوی میان کشاورزان ایفا نمود .

با تشکیل شرکت های تعاونی در روستاهای تقسیم شده گاههای مفید و موثرتری در جهت منافع زارعین برداشت سازمانهای آموزش سالمندان روستائی - بنگاه ترجمه و نشر کتاب - پرورشگاهها - شیرخوارگاهها - تشکیل مرتب کنگره پزشکی - بنگاه داروپخش واردوهای فرهنگی نیز از جمله اقدامات جالب توجه اومی باشد .

اسداله علم مردی است خوش بر خورد - قاطع - مصمم - با اراده و دوستی صادق... همین خصوصیات ممتاز است که برای او دوستان فراوانی فراهم کرده است و باز همین یاران بودند که او را در تشکیل حزب مردم - سال ۱۳۳۶ - یاری کردند و وی تا انحلال مجلس بیستم رهبری این حزب را به عهده داشت پس از آن بعزت گرفتاری زیاد از فعالیت های حزبی چشم پوشید . بعد از استعفای دولت دکتر امینی او مدت بیست ماه زمام امور مملکت را در اختیار داشت . طی این مدت تلاش عظیمی در جهت بهبود وضع فرهنگ - بهداشت اقتصاد کشور و انجام هدفهای انقلاب ششم بهمن که در آن برنامه شش ماده ای شاهنشاه با ۵/۵ میلیون رای سفید مورد تایید قرار گرفته بوده نمود .

بی شک انقلاب فرهنگی که با تشکیل سپاه دانش و نفوذ سپاهیان بسدورترین نقاط کشور برای گسترش فرهنگ انجام گرفت نمودار اینست که دولت وی بنحوی شایسته ای نیات شاهانه را جامه عمل پوشانده است .

رجال زیر ذره بین

وی بعد از استعفا از نخست وزیری در تاریخ ۴۲/۱۲/۱۷ - بریاست دانشگاه پهلوی شیراز منصوب شد و اکنون نیز در چنین پستی بخدمات خود ادامه می دهد .

وی در سال ۱۳۱۸ با دختر قوام الملک شیرازی ازدواج کرده و ثمره این پیوند رودابه و ناز شکوفه های فرح افزای درخت زندگی آنها است .

اسداله علم از جمله افراد معدودیست که دارای ترمشخص سیاسی و اقتصادی میباشد و در پست های متفاوت در جهت انجام و اجرای برنامه های خویش با همتی شگرف با اقدام می پردازد . سپردن کار مردم ب مردم ، تعاون اجتماعی و رهبری دسته جمعی در اجرای برنامه ها از مواد درخشان و ثمر بار تراواست که با همت و پشتکار خاص مردان عمل تعقیب کرده و میکند و تردیدی نیست اجرای این تز هر انسانی را بسر منزل مقصود میرساند .

دکتر علی امینی

نخست وزیر اسبق



● برای پیروزی در زندگی دل بدریا

می باید زد . اما آن که دل بدریا میزند میباید یقین داشته باشد
که لااقل در این قمار، چیزی چندان نمی بازد .

خاندان «امین الدوله» از خانواده های قدیمی ایران بوده و امین الدوله صدر اعظم مظفرالدین شاه از ایرانیان وطن پرست است . در سال ۱۲۸۴ در این خانواده طفلی متولد گردید که او را علی نام گذاردند: پدرش امین الدوله ثانی از روشنفکران و رجال بزرگ آن عصر کشور و مادرش خانم فخرالدوله دختر مظفرالدین شاه بود و اولین کسی است که در ایران تا کسی را بوجود آورده است. علی تحصیلات ابتدائی خود را در مدرسه رشديه که پدرش بانی آن بود شروع کرد و تحصیلات متوسطه خود را در علمیه و دارالفنون با تمام رسانیده در سال ۱۹۲۵ برای ادامه تحصیلات عالیه عازم کشور فرانسه گردید و در دانشگاه پاریس ثبت نام نمود و بسال ۱۹۳۰ موفق باخذ دیپلم دکتری اقتصاد گردید یکسال بعد بتهران مراجعت نمود و در سن ۲۹ سالگی وارد خدمت دولت شد نخستین شغلی که به عهده گرفت عضویت علی البدل در محاکم بدایت تهران (در دادگاه شهرستان) بود سپس به ترتیب در سمت عضویت شعبه دوم

رجال زیر ذره بین

دیوان جزائی عمال دولت - عضویت اداره اقتصاد وزارت دارائی - معاون وزارت دارائی - معاون نخست وزیر - ریاست کمیسیون ارز - وزارت اقتصاد ملی - وزارت دارائی - وزارت داد گستری - نمایندگی دوره پانزدهم مجلس شورای ملی - ریاست هیئت نمایندگی ایران در کنفرانسهای تریاک و کمیسیون مواد مخدره سازمان ملل متحد - ریاست هیئت نمایندگی ایران در مذاکرات بازرگانی با آلمان غربی - مشغول کار گردید .

آخرین سمت رسمی وی پیش از ارتقاء بمقام نخست وزیری پست سفارت کبرای ایران در امریکا بوده است .

دکتر علی امینی بن بانه ای فرانسه و انگلیسی آشنائی و تسلط کامل دارد و با اکثر کشورهای اروپائی مسافرت نموده است . وی در زمان تصدی وزارت دارائی قرارداد نفت با کنسرسیوم را امضاء نمود . او انعقاد این قرارداد را از جالب ترین وقایع دوره زندگی سیاسی خود میدانند میگوید با اینکه این قرارداد در سخت ترین و باریکترین ادوار کشور منعقد میشد کوچکترین احساس خستگی نمی کردم و می خواستم هر چه زودتر به هدف خود برسم که سرانجام نیز موفق شدم . وی با اقتصاد علاقه خاصی داشته و رساله ای در مورد اقتصاد ایران برشته تحریر در آورده و تا کنون چندین بار رئیس هیئت های اقتصادی ایران در کشورهای خارج بوده است .

وی پیش از تصدی بمقام نخست وزیری مبارزه شدیدی هنگام شرکت در مبارزات انتخاباتی تهران در دوره بیستم قانون گذاری نمود که در این مبارزات رهبری منفردین را بعده داشت و نتیجه این تلاشها سرانجام منجر بانحلال انتخابات تابستانی و تجدید انتخابات دوره بیستم شد وی روز شانزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ پس از استعفای آقای مهندس شریف امامی بنا بامر اعلیحضرت مامور تشکیل کابینه گردید و تا روز

بیست و هفتم تیر ماه ۱۳۴۱ زمامدار امور بود و در این روز پس از استعفا از سمت خود بطور کلی از سیاست دوری جست و تاحال حاضر نیز باین اجتناب ادامه می‌دهد. دکتر امینی در سال ۱۳۱۱ با خانم بتول و ثوق یکی ازدختران مرحوم میرزا حسن خان و ثوق (و ثوق الدوله) ازدواج کرده و تنها يك پسر دارد که وی نیز از خدمات دولتی کناره گیری جسته و بفعالیتهای آزاد گرویده است. او در زمان نخست‌وزیری طفلی را بنام خداداد بفرزندى پذیرفت و در حال حاضر به تربیت این طفل خرد سال مشغول است.

بدون تردید خصوصیات دکتر امینی بر همه روشن است و میتوان ادعا کرد که وی یکی از رجال برحسته کشور ما میباشد. قاطع بوده و همیشه آنچه را که میداند و بنظرش میرسد باصراحت تمام میگوید. دیگر از خصوصیات جالب وی صبر فوق العاده اش در مقابل انتقادات و حملات دشمنانش میباشد و این خونسردی او ضرب المثل است. بر این خصوصیات مردم‌داری - تسلط بر نطق و بیان - نکته سنجی - هوش - پشتکار و حرارت را بیافزائید آنگاه با این چهره بازیگر قدیمی صحنه سیاست کشور ایران بیشتر آشنا خواهید شد.

رجال زیر ذره بین

مهندس صفی اصفیا

قائم مقام نخست وزیر در سازمان برنامه



● رجدان اشخاص مثل ساعت خود

آنهاست. هیچکدام درست و دقیق کار نمی کنند ولی همه معتقدند که ساعتشان خوب کار میکند.

نقشی را که طی سالهای اخیر در صحنه آبادانی کشور وسیله بازیگر توانا و بزرگی چون مهندس «صفی اصفیا» ایفا شده کمتر کسی میتواند آنرا نادیده گرفته و از اثرات آن غافل باشد. شك نیست که مهندس اصفیا از کهنه کارترین سیاستمداران معاصر شمرده میشود و این اصلی است مسلم که کسی نمیتواند آنرا انکار کند. آنچه در سیاست سال مهندس اصفیا بیش از هر چیز دیگر بچشم می خورد اعتدال - آرامش و سکون است هدف وی جز این نبوده و همیشه سعی کرده است از این مقصود بدور نباشد. يك مرور کوتاه در زندگی گذشته وی بمانشان میدهد که او تا چه حد موفق شده از این اصل پیروی نماید و قدر مسلم آنکه جواب این سؤال بسیار روشن است، وی تا حد اعلی درجه ممکن باین مقصود نزدیکی پیدا کرده و از این مسیر بدور نبوده است. در کشور ما رسم است که هدفها و آمال سیاسی افراد همیشه مکتوم بماند. و جنبه اسرار بخود بگیرد اما با این حال بخوبی می بینیم که زندگی مهندس صفی اصفیا چنین نبوده است. وی فقط با اعتماد مطلق کار میکند و هر آسانی ندارد که در پرده اسرار

رجال زیر ذره بین

رهسپار دانشگاه شد و از دانشکده حقوق موفق باخذ دانشنامه دکتر را در حقوق قضائی گردید .

وی پس از پایان تحصیلات برای انجام خدمت سر بازی وارد ارتش شد و خدمت وظیفه خود را با درجه ستوان سومی در مشهد پایان رسانید .

پس از آن اولین فعالیت اجتماعی خود را آغاز کرد ، اولین سمتی که بدست آورد کارمندی ساده وزارت داد گستری بوده و پس از آن صاحب مشاغل بشرح زیر گردید .

دادیار دادسرای شیراز - رئیس دادگاه جنحه شیراز - دادستان کرمان - رئیس داد گستری شهرستان یزد - دادستان شهرستان شیراز - رئیس شعب دادگاه شهرستان تهران - رئیس شعبه سوم دادگاه استان مرکز - دادستان تهران - رئیس داد گستری استان پنجم - رئیس اداره دتتر کل وزارت داد گستری - دادستان دیوانکیفر - دادستان استان مرکز - رئیس دیوانکیفر - رئیس دادگاههای استان مرکز - مستشار دیوان عالی کشور - معاون کل و معاون پارلمانی وزارت داد گستری - رئیس شعبه دوازدهم دیوان عالی کشور - نماینده دوم مجلس شورای ملی از تهران در بیست و یکمین دوره قانونگزاری .

در این هنگام با دعوت مرحوم منصور پست وزارت داد گستری را پذیرفت و ارتاریخ هفده اسفند ماه ۱۳۴۲ اداره عدالتخانه ایران را تاحال بعهدہ گرفته است و تلاش دارد تا با اجرای قوانین رضایت مردم جلب شود .

خدمات د کتر عاملی در همین اندازه خلاصه نمیشود خدمات اجتماعی او در این مدت به ترتیب عضویت در انجمن حمایت زندانیان - که مدت سه سال هم عضویت آن را به عهده داشته است ، عضویت و عضو هیئت مدیره انجمن حقوقدانان ایران ،

دکتر باقر عاملی

وزیر دادگستری



● قطره آبی که از اقیانوس جدا شده

ممکن است راحت بسر برد ، اما قطره‌ای که در اقیانوس است
هیچگاه راحت نمی‌شیند

یکی از رجال با شخصیت و شاغل که بطور قطع در حال حاضر کمتر کسی در ردیف او قرار گرفته ، دکتر باقر عاملی وزیر دادگستری می‌باشد وی از کسانی است که در کار اداره وزارت دادگستری که امروز بزرگترین نقش را در زندگی مردم کشور ما دارد - لیاقت و بصیرت خود را بخوبی نشان داده و با اجرای صحیح قوانین در سامان بخشیدن وضع عدالتخانه کشور در مسیر انقلاب شاه و مردم گام‌های موثری برداشته است .

وی در سال ۱۲۹۱ در خانواده مرحوم محمد عاملی در شهرستان مشهد - تولد یافت . پدرش - شیخ الحرمین - قبل از وزارت مرحوم داور در دادگستری مشغول خدمت بود و از طرف مرحوم داور برای ریاست دادگستری تربت حیدریه انتخاب شده و پس از چندی به مستشاری دادگاه استان خراسان منصوب گردید و تا پایان خدمت اداری در این سمت باقی بود .

باقر تحصیلات ابتدائی خود را در دبستان احمدی پایان رسانید و از دبیرستان فردوسی مشهد موفق باخذ دیپلم گشت آنگاه برای ادامه تحصیلات به تهران آمد و

رجال زیر ذره بین

رود به عهده وی سپرده گشت. در سال ۱۳۳۶ که کار ساختمانی سد کرج آغاز گردید سرپرستی مستقیم عملیات مربوط باین سد را بر عهده گرفت و خدماتی که وی در پست های مختلف از خود نشان داده بود سبب گردید که در کابینه آقای دکتر علی امینی به سمت قائم مقام نخست وزیر در سازمان برنامه منصوب گردد و در تاریخ نوزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ بحضور ملوکانه معرفی شدند. در کابینه آقای اسداله علم در تاریخ ۲۸ تیر ماه ۱۳۴۱ مجدداً در پست خود باقی گردید و در حال حاضر نیز در دولت آقای هویدا عهددار همین سمت میباشد.

بد نیست بدانید در سال ۱۳۲۰ ازدواج کرده و اکنون دارای سه دختر باسامی صفیه- صفورا و صفا میباشد که هر سه نفر آنها مشغول تحصیل هستند.

مهندس اصفیا از شخصیت های برجسته ایست که شهرت بین المللی دارد. از نظر اخلاقی مردیست روشنفکر - زیرک - کاردان - مردم دار و گوشه گیر - از هو و جنجال بشدت پرهیز دارد و از همین روی است که بخلاف اسلاف خود بودجه عظیم تبلیغات سازمان برنامه را حذف کرده و دستور داد تا این بودجه در راه عمران کشور بکار رود و همین خصوصیات بارز است که او را موفق داشته تا در زندگی سیاسی و اداری همیشه مورد توجه باشد و نظرات اصلاحی اش در مشاغل سیاسی و اداری اش مثمر و ثمر واقع گردد. دیگر از خصوصیات وی جالبست بدانید که او آدمی جدی و با پشتکار بوده و در این مورد در میان رفقا و دوستان ضرب المثل است. او اوقات فراغت خود را بدیدار دوستان و مطالعه میگذراند و از شرکت در مجالس بزم بشدت پرهیز میکند، معقد است آرامش در زندگی بزرگترین موهبت الهی است و همیشه کوشش دارد تا از این نعمت بهره مند باشد.

هدفها و خط مشی سیاسی و اجتماعی خود را مستور بدارد. آنچه در زندگی مهندس اصفیا بنحو کاملی به چشم می خورد شجاعت و شهامت است. او هیچگاه هراسی بخود در دل راه نداده و میگوید با ترس نمی توان بآمال و آرزو رسید آنچه که مفهوم ندارد هراس و وحشت میباشد و وقتی کسی ثبات داشت دیگر از چه چیزی باید بترسد اما با همه اینها نمی توان انکار کرد که او هیچگاه «ریسک» بدان صورت و بدان مفهومی که ما با این لغت آشنائی داریم نکرده است بلکه در کارهای خود هیچگاه جانب حزم و احتیاط و دوراندیشی را از دست نداده و با صبر و متانت کامل همیشه به تجزیه و تحلیل حوادث و ماجراها پرداخته است و بی شک این اصل نیز از عقل سلیم او ناشی می گردد،

حال زندگی او را در زیر ذره بین قرار می دهیم تا با این شخصیت آشنائی بیشتری پیدا کنیم،

وی در سال ۱۲۹۵ در تهران تولد یافت. تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در همین شهر بپایان رسانید و از دبیرستان ثروت در سال ۱۳۱۱ موفق با خن دیپلم گردید و برای کسب تحصیلات عالیه عازم فرانسه شد. وی بدلیل علاقهای که با کتشافات و زمین شناسی داشت در دانشگاه پلی تکنیک فرانسه ثبت نام نمود و از همین دانشگاه در رشته معدن و زمین شناسی موفق با خن دیپلم مهندسی گردید و در سال ۱۳۱۷ بعد از شش سال اقامت در اروپا بوطن مراجعت نمود و برای انجام خدمت مقدس سربازی وارد ارتش گشت و در حال خدمت در ارتش، در دانشگاه تهران شروع بتدریس نمود پس از اینکه خدمت سربازی را انجام داد وارد کاریر اداری اداره معان شد و با کمی فعالیت توانست در بنگاه مستقل آبیاری کشور به سمت مشاور انتخاب گردد. در سال ۱۳۳۴ به سمت معاونت سازمان برنامه منصوب گردید و ضمناً ریاست مستقیم پروژه سد سفید

عضوانجمن ملی حقوق تطبیقی، تدریس حقوق جزا، حقوق مدنی و آئین دادرسی مدنی در آموزشگاههای عالی وزارت دارایی و ثبت کل است.

وی در سال ۱۳۳۷ به کشور فرانسه بمطور شرکت در سمینار مربوط به مواد مخدره، در سال ۱۳۳۸ به انگلستان برای بازدید، در سال ۱۳۳۹ به نیوزیلند جهت شرکت در سمینار حقوق بشر مسافرت کرده و ضمناً از کشورهای پاکستان - هندوستان - ویتنام جنوبی - فیلیپین - استرالیا - هنگ کنگ - ژاپن - آلمان غربی - ایتالیا - سوئیس - ترکیه - سوریه - لبنان - عراق و آلاسکا بازدید بعمل آورده است وی از ادبیات نیز بدور نبوده و تألیفاتش شامل مقالات، سخن رانیها و جزوه‌هایی است که تدریس مینموده است و بزبانهای انگلیسی و فرانسه آشنائی کامل دارد.

تا کنون بدریافت نشان همایون درجه سوم و درجه یک باحمایل نایل گردیده است وی اوقات فراغت را به مطالعه، تحقیق و تفریح و ورزش میگذراند.

در شهریورماه ۱۳۱۹ باخانم ملوک رضوی ازدواج نموده و فرزندانش به ترتیب مینو - همایون - خسرو - فرخ و فرهاد نامدارند.

درزندگی خانودگیش فوق‌العاده نرهش داشته و میگوید عشق در خانواده میتواند همه چیز باشد و اگر کسی بفرزندانش، به‌مسرش و سایر افراد خانوادهاش یادداد که محبت کنند و علاقه و صمیمیت واقعی را در خانه حکمفرما کرد میتواند آنانرا از تمام مواهب انسانی برخوردار کند میتواند احساس نماید که بزرگترین درس را به افراد خانواده خود داده و خاطر نشان سازد که سازنده آدمهای موفق در همه جا محبت است و عشق و بس! و جزاین هرچه باشد حرف است.

رجال زیر ذره بین

دکتر جهان‌شاه صالح

رئیس دانشگاه تهران



● جامعه‌شناسانی افراد است :
شایستگی هر فرد را از چگونگی انتقاداتی
که از او بعمل می‌آورند و ناشایستگی او را از

کیفیت مدارحی‌هائی که از او میشود میتوان سنجید.

بدون تردید شخصیت‌ها هر قدر ممتازتر ، ارجمندتر و مورد توجه تر باشند
تعلق خود را بیک جامعه از دست داده و بتمام جهان متعلق می‌گردند . عقایدشان در
تمام دنیا مورد احترام قرار می‌گیرد و مدارج علمی‌شان در خورستایش .. سفر
آنان بکشورهای خارجی برای مردم بیگانه مغتنم بوده و ملت‌ها از هر فرصتی
جست بهره برداری از معلومات آنان استفاده می‌نمایند و این اصل مسلمی است که
مورد قبول و ایمان مطلق همگان می‌باشد . در میان رجل بازیگر کشور ما ، که در
حال حاضر نقش مهمی را در فرهنگ کشور ما ایفا می‌نمایند می‌توان از دکتر جهان‌شاه
صالح رئیس دانشگاه تهران یاد کرد که شخصیت وی مورد احترام کلیه جهان‌نیان
است که بارها مقام علمی‌اش مورد ستایش شخصیت‌های ممتاز کشورهای خارجی
قرار گرفته است . وی از بزرگترین افراد فرهنگی و پزشکی کشور شما می‌آید و
بجرات می‌توان گفت که یکی از افتخارات قرن معاصر ایران است و آنچه در زیر

میخوانید شرحی از زندگی وی در زیر ذره بین میباشد .

در سال ۱۲۸۳ شمسی در کاشان متولد شده است . تحصیلات ابتدائی خود را در کاشان در دبستان علمیه و دوره متوسطه در تهران در کالج آمریکائی و تحصیلات عالیه خویش را در امریکا به پایان رسانید . در امریکا درجه لیسانس B.A. از دانشگاه سیراکیوس نیویورک و درجه M.D. دکتری طب با نشان از دانشکده پزشکی همان دانشگاه دریافت داشته پس از اخذ دکتری این مشاغل را عهده دار بوده است ،

انترن جراحی در بیمارستان سن ژوزف سیراکیوس نیویورک - انترن جراحی در بیمارستان ارنج مموریال در ایالت نیوجرسی - جراح مستقیم در بیمارستان ارنج مموریال - جراح پولی کلینیک بیمارستان پست گراوویت دانشگاه کلمبیا در نیویورک - جراح بیمارستان زنان در نیویورک Feollow در کلینیک Mago

دکتر جهانشاه نه تنها عضو رسمی انجمن پزشکان نیویورک و جامعه پزشکی آمریکا و عضو افتخاری جامعه جراحان ارتش امریکا میباشد بلکه از دانشگاه دولتی نیویورک و فرهنگ آن ایالت دیپلم و اجازه طبابت و جراحی را در ایالت نیویورک دارا میباشد . او فرمانه ملو کانه بنماینده رسمی ایران در کنگره جراحان ارتش امریکا که در شهر فیلادلفیا تشکیل شده بود منصوب شد و در هفدهمین کنفرانس بین المللی در استکهلم نمایندگی رسمی جمعیت شیر خورشید سرخ ایران را داشت که بریاست نمایندگی ایران در کنفرانس بهداشت جهانی (اسلامبول) انتخاب گردید در سال ۱۳۴۱ بنا بدعوت ریاست دانشگاه سیراکیوس با امریکا عزیمت و در این سفر از دانشگاه مزبور بدرجه دکتری افتخاری حقوق نایل آمد در سال ۱۳۳۵ بریاست دانشکده پزشکی و از آن تاریخ تا ۱۳۳۹ شش مرتبه بوزارت بهداشتی برگزیده و همچنین در سال ۱۳۳۳ بمدت سه سال بسمت نمایندگی رسمی دولت ایران در کلیه

رجال زیر ذره بین

مجامع بین‌المللی پزشکی و بهداشتی انتخاب شد و برای سومین بار در آبان همان سال بریاست دانشکده پزشکی برگزیده شد و در سال ۱۳۴۰ بمقام تصدی وزارت فرهنگ در سال ۱۳۴۳ بمقام ریاست دانشگاه تهران نایل آمد :

وی علاقه زیادی بمطالعه کتاب دارد و تالیفات فارسی زیادی از وی انتشار یافته که میتوان از جمله بیماریهای زنان ۱۳۲۰ - زایمان طبیعی و غیرطبیعی (پلی کپی ۱۳۳۲) و بیماریهای زنان و پیشرفتهای علمی نوین ۱۳۴۰ را نامبرد .
دکتر صالح تا کنون بدریافت نشانهای زیادی مفتخر گردید که از جمله نشان سپاس درجه ۲ وزارت فرهنگ - نشان اول تربیت بدنی وزارت فرهنگ - نشان درجه اول همایون رامیتوان نامبرد. همسروی آمریکائی بوده که از وی دارای یک فرزند است که در خارجه مشغول تحصیل میباشد. بدنست بدانید که او اولین کسی است که طرح مبارزه با دودرا در ایران عنوان نمود و گذراندن لایحه منع کشت خشخاش و تصویب نامه ریشه کنی مالاریا در کنگره بهداشت جهانی در زمان تصدی وی در وزارت بهداشت صورت گرفته است .

جهانشاه خان درزندگی سیاسی واجتماعی بذله گو و رفیق دوست است . او حتی در مراسم رسمی نیز با خنده روئی گزارشات را بعرض میرساند . او تنها طبیب سیاستمداریست که مطبش را از دست نداده و هر روز از ساعت ۲ تا ۵ در مطب می نشیند از مهمترین اقداماتش در کاردانشگاهی از بین بردن کرسی استادی است و او با این اقدام بهر دانشمند محقق واجد شرایط امکان داده تا بتوانند دردانشگاه بکار تدریس اشتغال ورزند .

مهندس منصور روحانی

وزیر آب و برق



● تمدن واقعی هر کشور به آمار و ارقام، یا به حجم شهرها، یا قیمت محصولات و رواج تجارت آن نیست. بلکه مربوط است به مردانی که دنیا

معرفی میشوند و ارزش واقعی دارند.

وزیر آب و برق در سال ۱۳۰۰ در تهران متولد شده است. مادرش خانم شکیبه راغبیان دختر مرحوم حاج محمد راغب افندی نماینده ایران در عثمانی بود و پدرش مرحوم محمد علی روحانی از روحانیون بزرگ عصر خود بود که در تهران به تجارت اشتغال داشت.

منصور خان تحصیلات ابتدائی خود را در دبستان انتصاریه بپایان رسانید و دوره دبیرستان را در دارالفنون سپری کرد. آنگاه رهسپار دانشگاه تهران شد و در رشته راه و ساختمان از دانشکده فنی فارغ التحصیل گشت و درجه فوق لیسانس گرفت اما اگر از خود او پرسید بشما میگوید من هر چه در ایران فرا گرفته‌ام تحصیلات مقدماتی بوده و معلومات عالیه خود را در دانشگاه یونیورسیتی لندن کسب کرده‌ام. بد نیست بدانید که مطالعات وی در این دانشگاه در رشته آب بوده و بوسیله این تحصیلات بد ریافت درجه ماستری نایل آمده است و بدین ترتیب میتوان گفت که

رجال زیر ذره بین

اداره آب و برق قبائی است که برارنده اوساخته شده است .

چون بمعنای واقع او ازتخصص خودش بهره برداری مینماید . او بیست و چهار بهاررا پشت سر گذارده بود که بایران بازگشت و در شرکت نفت ایران و انگلیس شروع بکار نمود و تا سال ۱۳۲۶ در سمت تصدی ساختمان تصفیه خانه شماره ۴ آب در آبادان خدمت نمود و در پایان سال مزبور بشهرداری انتقال یافت تا از وجودش در اداره جدیدالتاسیس لوله کشی شهر تهران استفاده شود و از همین هنگام بود که تغییرات زندگی «منصورخان» شروع شد و او برای قدم گذاشت که پله های ترقی را یکی یکی پیمود و بر بزرگترین جایگاه تکیه زد .

یکسال پس از این انتقال در هفدهم بهمن ماه ۱۳۲۶ وی با خانم پروین شکیب ازدواج نمود و اکنون دارای دو فرزند بنام داریوش و نسرین میباشد ،

در سال ۱۳۲۸ بود که وی بمعاونت دفتر فنی سازمان لوله کشی آب و پس از آن بریاست این اداره منصوب شد و بهمین منظور او چنان تلاشی از خود نشان داد که طی مدت کوتاهی بمقام معاونت سازمان آب ارتقاء پیدا کرد .

وی پنج سال تمام در این سمت خدمت کرد تا اینکه در سال ۱۳۳۷ بمدير کلی سازمان آب تهران برگزیده گشت و بدین ترتیب کار به کاردان سپرده شد و زمانی که مرحوم حسنعلی منصور مامور تشکیل کابینه ای موقتی گردید و او در نظر گرفت چند وزارتخانه جدید بوجود آورد برای اداره وزارت آب و برق کسی را صالح تر و لایق تر از مهندس روحانی نیافت و بدین ترتیب «مهندس منصور روحانی» بر صندلی وزارت تکیه نمود و در این پست آن چنان لیاقتی از خود نشان داد که در کابینه بعدی هم در پست خود ابقا شد و در حال حاضر با صمیمیت هر چه تمامتر مشغول فعالیت است تا بتواند رضایت مردم را جلب کند . وی بزبانهای انگلیسی و فرانسه آشنائی کاملی

داشته و تا کنون تالیفات مستندی از او انتشار یافته که مهمترین آنها عبارتند: ۱- از آب تهران ۲- توسعه منابع آب ایران و مشکلات و راه حل‌های آن.

General Aspect of Community water Supply in IRAN

وی تا کنون بکشورهای انگلستان - سوئیس - فرانسه و بلغارستان مسافرت نموده که از این سفرها تجربیات فراوانی اندوخته است. از نظر اخلاقی وی مردی است مهربان، متین، زیرک، کاردان، رفیق دوست و گوشه گیر... کم حرف میزند. و این سبب رنجیدگی دوستان مطبوعاتی او بوده است. و بیشتر عمل میکند. جدیت و پشتکارش میان همه زبان‌زداست. دوستانش میگویند او در روابط با اشخاص مردم‌دار بوده و صریح و جدیت. دیربکسی اعتماد پیدا نمیکند در دوستی ثابت قدم و استوار است. در جوانی او اوقات فراغت را بیشتر صرف تفریح و ورزش مینمود ولی فعلاً از مطالعه و تحقیق لذت می‌برد و بخواندن نشریات اقتصادی و تحقیق در راه حل‌های مسائل اقتصادی ایران می‌پردازد.

دوستان نزدیکش بیشتر همکاران اداری وی میباشند که او در کلیه امور با آنان مراوده دارد و بدین ترتیب با این خصوصیات روحی میتوان قضاوت کرد آیا وزیر آب و برق میتواند در انجام تقاضاهای گوناگون مردم موفق باشد یا نه؟

رجال زیر ذره بین

دکتر منوچهر شاهقلی

وزیر بهداشتی



● میباید هر آنچه را که افتخار دهنده
جامعه ما است دوست بداریم حتی اگر
سیاری از این افتخارات متعلق بدشمن ما باشد .

زیبائی يك موهبت بزرگ خدادادی است، انسان از بد و پیدایش نیز با اهمیت این
مساله بزرگ وقوف كامل داشت و دانشمندان جهان همیشه كوشش خود را بر این مصروف
داشته اند كه این موهبت الهی را بنحو احسن حفظ كنند .

همین دانشمندان توجه داشتند كه سانیکه دارای زخمهای ظاهری هستند بیشتر
از آنهاییكه دارای زخم دِرونی می باشند رنج می برند و این بی دلیل نیست زیرا كسیكه
صورتش نقعی دارد ناراحتی او بیشتر از فردی است كه دارای سرطان می باشد زیرا او
صاحب عقده های حقاری است .

بهین سبب این گروه فعالیت خود را بر معالجه افرادی استوار كردند كه
نقص ظاهری داشته اند و در معالجه این افراد نیز گامهای موثری برداشته اند و با
جراحی پلاستیک خدمات شایان توجهی بعموم نموده و با این اقدام خود محبوب قلبهای
شكسته گردیده اند. یکی از افراد برجسته این گروه دكتر «منوچهر شاهقلی» است كه
محبوبیت فراوانی در میان مردم دارد و در حال حاضر با اداره وزارت بهداشتی مسئولیت

سنگینی را برای آماده ساختن بهداشت رایگان جهت همه مردم بدوش می کشد.

وی در سال ۱۳۰۲ در تهران تولد یافته و تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در همین شهر بی پایان رسانیده است.

او پس از اینکه موفق باخذ دیپلم گشت یکسر به دانشگاه رفت و در رشته طبابت وارد دانشکده پزشکی تهران شد. پس از طی دوره آن با موفقیت باخذ دانشنامه دکتری در طب از دانشگاه تهران نایل آمد. چون در خود علاقه فراوانی بکسب علم و دانش بیشتری حس می کرد برای گذراندن دوره تحصیلات عالی رهسپار امریکا شد و پس از اینکه دوره عالی تحصیلات خود را سپری نمود از دانشگاه نیویورک موفق باخذ دیپلم جراحی گردید آنگاه رهسپار فرانسه شد و برای گذراندن دوره جراحی پلاستیک بدان دانشگاه پاریس رفت. در دانشگاه پاریس با «حسنعلی منصور» آشنائی یافت و آن دو پیوند دوستی ناگسستنی بایکدیگر برقرار کردند. پس از سپری شدن دوره تحصیلات بایران بازگشت و اولین فعالیت اجتماعی خود را آغاز کرد.

او چون توجه فراوانی به بهداشت عمومی مردم داشت با کمک دوستان خود اقدام بایجاد بیمارستان پارس کرد و کوشید تا این بیمارستان را بصورت نمونه ای بوجود آورد و در این مورد موفقیتی نیز بدست آورد. بسا اینکه دکتر شاهقلی میکوشید از سیاست بدور باشد اما هنگامی که دوست دوران تحصیلش مرحوم منصور برای ایجاد «کانون مترقی» از وی دعوت کرد او این پیشنهاد را با کمال میل پذیرفت و در این راه بامنصور همگام شد و او را در تاسیس حزب ایران نوین یاری نمود.

وی عقیده دارد تنها وجود احزاب است که می تواند ضامن آزادی و ایجاد حکومت دموکراسی باشد و از این روی برای ترقی حزب تلاش مجدانه ای را آغاز کرد. در زمانی که منصور ترور شد وی اولین جراحی را بر روی گردن او انجام داد

رجال زیر ذرہ بین

کہ کلیہ پزشکان خارجی کہ با ایران آمدہ بودند نوع عمل ویراستہ بودند... گرچہ باہمہ تلاشہائیکہ شد عمر مرحوم منصور باقی نبود ولی با این حال دکتر شاہقلی نشان داد تاچہ اندازہ درکار خود جدیت دارد و ثابت کرد پزشکی بمعنی وسیع کلمہ می باشد و ہمین اہر از لیاقت بود کہ پست وزارت بہداری را برایش بارمغان آورد. در حال حاضر اومی کوشد با آشنائی کہ بہ مشکلات دارو و دکنتر در ایران دارد بوضع ناہسامان بہداشت در ایران خاتمہ دعد. بسیاری منتظر ندا و بانیروی جوانی و تجربیات بیشمارش در راہی کہ پیش گرفته موفق باشد.

وی متاہل بودہ و دارای دوغرضند می باشد از عقاید جالبش این نکتہ خواندہ نیست کہ میگوید «مقصرترین اشخاص کسانی ہستند کہ با روحی مایوس و افسردہ دیگران را راہنمائی می کنند» و در این مورد اضافہ میکند «شوخی و خندہ و بازیگوشی برای شناختن اسرار و عجائب طبعیت و تکامل استعداد کودک ضرورت دارد زیر اطیب نیز از جوش ودانہا ہائی کہ برتن بیمار ظاہر میشود از احوال درونی مریض آگاہ می گردد.» و ہمین دلیل است کہ دوستان دکتر شاہقلی یاد ندارند کہ اورا گرفته خاطر دیدہ باشند.

پروفسور یحیی عدل

دبیر کل حزب مردم و سناتور



● هیچوقت از برداشتن قدمهای بلند

باك نداشته باشید چون با قدمهای

کوئاه نمی‌توان از موانع و رخنه‌های زندگی گذشت.

« ... ایران سرزمین شگفت‌آور است. تاریخ او از نظر رنگارنگی و گوناگونی کم نظیر است. بزرگترین مردان و پست‌ترین مردان در این آب و خاک پرورده شده‌اند؛ حوادثی که بر سر ایران آمده بدانگونه است... شکست‌های شرم‌آور، مصیبت‌های بسیار و کامروائیهای بسیار، گوئی روزگار همه بلاها و بازیهای خود را بر ایران آزموده است او را بارها لب پرتگاه برده و باز از افتادن بازش داشته، ایران شاید سخت‌جان‌ترین کشورهای دنیا باشد دوره‌هائی بوده است که با نیمه جانی زندگی کرده اما از نفس نیفتاده چون بیمارانی که می‌خواهند نزدیکان خود را بیازمایند درست در همان لحظه که همه از او امید بر گرفته بودند چشم گشوده و زندگی را از سر گرفته است ... »

اینها قسمتی از بیانات «پروفسور یحیی عدل» دبیر کل حزب مردم در باره ایران شناسی و تاریخ این کشور دوهزار و پانصدساله بود و من هنگامیکه قلم در دست گرفته

رجال زیر ذره بین

بودم تازندگی این سیاستمدار محافظه کار را برشته تحریر کشم بی مناسبت ندیدم تا این قسمت از نطق او را نقل کنم . باهیچ بیانی قاطع تر و رساتر از همین جملات نمی توان عشق و علاقه کسی را بوطن پرستی ذکر کرد .

وی در سال ۱۲۸۷ در تهران تولد یافت پس از اینکه تحصیلات ابتدائی خود را در زادگاه خویش به پایان رسانید برای آشنا شدن با علوم جدید و تمدن غرب به سپار فرانسه شد . در سال ۱۹۲۷ موفق بگذراندن دوره دوم متوسطه در رشته فلسفه و ریاضی گردید، آنگاه برای ادامه تحصیلات در دانشگاه پاریس ثبت نام نمود و در دانشکده پزشکی مشغول تحصیل شد .

بسال ۱۹۳۱ دره سابقه اکسترنهای بیمارستانها توفیق یافت و مدت دو سال در قسمت طبی و یکسال در جراحی با سمت اکسترنی کار کرد و در سال ۱۹۳۴ بمقام کارورزی بیمارستانهای پاریس نایل شد . مدت چهار سال با این سمت در بخشهای جراحی عمومی و بیماریهای زنان و مامائی و جراحی کودکان در بیمارستانهای پاریس بکار ادامه داد پس از پایان دوره کارورزی مدت دو سال بسمت رئیس درمانگاه و دستیار در سرویس پروفیسور « گر گوار » بکار پرداخت و در سال ۱۹۳۸ پایان نامه خود را در باب « درمان ادنوپاتی سلی » از تصویب گذراند و بدریافت دانشنامه دکتری « با درجه لو آ » و مدال نازده از دانشکده پزشکی پاریس نایل آمد . سال بعد دره سابقه دانشیاری شرکت جست بابت « دیپلم » « اگر گاسیون » در جراحی عمومی توفیق یافت و بعضویت مجمع کالبد نمایی پاریس پذیرفته شد .

در سال ۱۳۱۸ بایران مراجعت نمود و برای انجام خدمت مقدس سربازی وارد ارتش گشت و تا آغاز جنگ دوم جهانی در ایران مدت دو سال تمام در بیمارستان پهلوی بخدمت مشغول شد و بمداوی افسران و سربازان پرداخت . وی پس از خاتمه خدمت

درسازمان نوین دانشکده پزشکی استادی کرسی جراحی بیمارستان سینا را بعهدہ گرفت و از آن پس مشاغل متعددی را احراز کرد و در حال حاضر علاوه بر ریاست چندین بیمارستان و استادی دانشگاه در مجلس شیوخ بکار سیاست اشتغال داشته و دبیر کلمی حزب مردم را نیز بعهدہ دارد. وی دارای تالیفاتی در علم پزشکی است که از جمله مقاله‌ای در باب فیبروم جدار رحم مثانه - مقاله‌ای در باب فیستول کیسه صفرا در بولتن مجمع کالبد شناسی - مقاله‌ای در باب انفارکتوس معاء دقاق و چندین مقاله دیگر می باشد هم چنین وی مجله «مکتب عدل» را در باب مسایل پزشکی منتشر میسازد و در این مجله مطالبی جامع و آموزنده برشته تحریر می‌کشد.

در مورد خصوصیات او بدنیت بدانید که ایمان بمقدسات دروی بسیار قوی بوده پای بند باصول اخلاق و قانون می باشد و در راه دوستان خود از بذل جان نیز دریغ ندارد و در انجام هر تقاضای آنان از مصمم قلب نالاش خواهد کرد مگر در آن صورت که این تقاضا خلاف قانون نباشد. می گوید «من مومن و معتقد بدوستی بوده و احترام خاصی برای پیوندها قائل هستم ولی آنرا از چهارچوب اخلاق جدا ندانسته و حدود مرزی برای آن متصور هستم که حاضر نمی باشم از آن مرز خارج شوم.» از تعارف پرهیز داشته و با حقایق آشنائی فراوانی دارد.

رجال زیر ذره بین

د کتر هوشنگ نهاوندی

وزیر آبادانی و مسکن



● آنانکه سرافرازی خویش را در زیر پا گذاشتن « قانون » میدانند سزاوار توبیخ و تحقیرند، زیرا که هرگز نتوانند آرزوی خویش را آرامش بخشند و لذت آسایش چشند .

بهمراه وزیران ناشناخته‌ای که در کابینه مرحوم منصور معرفی شدند نام کتر هوشنگ نهاوندی که بعنوان « وزیر آبادانی و مسکن » بمردم معرفی گشت نیز بچشم میخورد که تا آن هنگام برای مردم ناشناس بود و تا وزارت آبادانی و مسکن اداره اسفالت شهر تهران را به عهده نگرفته بود باز هم یادی از او نمیشد اما هنگامیکه در آغاز سال ۱۳۴۴ وزارت آبادانی و مسکن متعهد اجرای برنامه اسفالت شهر تهران گشت مردم با نام د کتر نهاوندی نیز آشنائی یافتند و چشم های دومیلیون و نیم ساکنین تهران بسوی اقدامات وی دوخته شد . او از جمله وزرای جوانیست که با سرمایه و نیروی جوانی در راه برنامه انقلاب « شاه و مردم » گام برمیدارد .

در تهران متولد شده ، تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در همین شهر پایان رسانیده است . پس از آنکه وی موفق باخذ دیپلم شد رهسپار دانشگاه گردید و در رشته حقوق و علوم اقتصادی موفق باخذ درجه فوق لیسانس شد ، آنگاه برای ادامه تحصیلات بفرانسه عزیمت نمود و در دانشگاه پاریس ثبت نام کرد . وی در این دانشگاه تحصیلات خود را دنبال کرد و در رشته حقوق باخذ درجه د کتری نایل

گردید. بعداً رهسپار ایران شد و اولین فعالیت اجتماعی خود را آغاز کرد. از همان لحظه اول این هدف در تمام وجودش نضج گرفته بود که میبایست برای مردم کشور خود کار کند و از این نظر فعالیت‌های شبانه‌روزی عشق بکار را بیشتر در او می‌آفرید. پس از کمی فعالیت نمایندگی ایران در بازار مشترك اروپا بوی سپرده شد و او با جدیت تمام با انجام وظیفه پرداخت.

پس از آن بریاست شرکت معاملات خارجی کشور منصوب گردید. وی بدلیل دوستی نزدیکی که با مرحوم حسنعلی منصور داشت عضویت کانون مترقی را پذیرفت و از جمله کسانیست که حزب ایران نوین بوسیله آنان پایه‌ریزی شده است. پس از اینکه مرحوم منصور مامور اداره دولت گشت وزارت جدیدالتاسیس آبادانی و مسکن را نیز دکنرنهاوندی بعهده گرفت و بعلت خدمت بیشائبه‌ای که از خود نشان داده بود در کابینه هویدانیز در پست خود ابقا شد. او ازدواج کرده و بزرندگی خود نیز فوق العاده عشق می‌ورزد و معتقد است عشق به خانواده بالاتر و ارجه‌تر از هر موهبت و محبتی است دکنرنهاوندی را خصوصیات جالبی است که مجموعه این خصوصیات شخصیت ممتاز او را می‌سازد. اولین خصیصه جالبش صراحت بیش از اندازه‌اش میباشد اگرچه این صراحت لهجه اغلب بزیان او تمام شده با این حال او هیچگاه نخواسته از رک گفتن چشم بپوشد. صفت ممتاز دیگرش مهربانی و نوع دوستی بیش از حد میباشد که نشانه‌ای از ایمان راسخ او به معتقدات مذهبی است.

رجال زیر ذره بین

دکتر احمد متین دفتری

سنا تور



● موقعی که جوان بودم مشاهده کردم
که از ده کار، نه عدد اشتباه است و
چون نمی خواستم در کارم با شکست

مواجه شوم هر کاری را ده بار انجام دادم.

نخست وزیر اسبق ایران در روز چهارم بهمن ماه ۱۲۷۷ شمسی در تهران تولد یافت. تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در تهران سپری کرد، آنگاه برای فرا-گرفتن دانش بیشتر رهسپار سوئیس گردید و در دانشگاه لوزان ثبت نام نمود و با بهترین نمرات از این دانشگاه موفق باخذ دیپلم دکتری گردید. وی مطالعات علمی و عملی بسیار زیادی در رشته قضائی داشته و در محاکم فرانسه - سوئیس و آلمان در میان سالهای ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۰ سابقه وکالت دادگستری دارد. بزبانهای فرانسه - آلمانی و انگلیسی آشنائی کامل داشته و از سال ۱۳۱۶ بعد تا بحال قاضی دیوان داوری بین - المللی لاهه و عضو پیوسته فرهنگستان ایران می باشد. وی خدمات خود را از وزارت امور خارجه شروع نمود و تنها نیروی جوانی سرمایه و پشتیبانش بود. آنقدر از خود لیاقت نشان داد که پست ریاست اداره عموم و جامعه ملل آن وزارتخانه را احراز کرد. پس از آن بنماینده گی دولت ایران در جامعه ملل سابق انتخاب گردید و به ژنو

عزیمت نمود. در اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ هنگام افتتاح تشکیلات جدید عدلیه بخد مت قضائی وارد شده و بتدریج تا سال ۱۳۱۸ مدیریت کل، معاونت و کفالت وزارت داد گستری را عهده دار گردید. در سال ۱۳۱۸ بود که وی به نخست وزیری ایران برگزیده شد و یکسال تمام زمامدار بود و طی این مدت توانست مصدر خدمات شایان توجیهی گردد و در امر فرهنگ و بهداشت تحول بی سابقه ای بوجود آورده همچنین در امور داد گستری تغییرات شایانی پدید آورد. در سالهای ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷ وی بنماین دگی مجلس شورای ملی برگزیده شد، سپس بنماین دگی دوره اول مجلس سنا از تهران انتخاب گردید و در مدت سناتوری عضویت کمیسیون های مختلط مجلسین برای ملی کردن صنعت نفت و ریاست هیئت خلع ید در خوزستان را عهده دار بود. جالب آنکه وی در دوره خدمت در وزارت داد گستری خود قانون تشکیلات داد گستری - قانون استخدام قضا ت - جلد دوم و سوم قانون مدنی - قانون آئین دادرسی مدنی - قانون امور حبسی - لایحه قانون کیفر و آئین دادرسی کیفری - قانون اجراء احکام - قانون تعدیل مال الاجاره ها و بسیاری از قوانین دیگر را تنظیم و تدوین نموده و بمورد اجرا گذارده است. هم چنین وی امر تدریس را در مدرسه نظام و صنعتی آغاز نموده و تا مدرسه علوم سیاسی ادامه داد. از سال ۱۳۱۳ در دانشکده حقوق با سمت استادی در آنجا مشغول تدریس شد. وی در اکثر مجامع حقوقی بین المللی شرکت و عضویت داشته در حال حاضر علاوه بر استادی دانشکده حقوق و داشتن عنوان قاضی ایران در دواوری بین المللی لاهه، ریاست جمعیت ایرانی طرفدار ملل متحد و چند انجمن فرهنگی ایران و خارجه را نیز دارا میباشد و علاوه بر این در مجلس سنا عضویت داشته و کمر بخد مت خلق بسته است.

دکتر متین دفتری را باید يك شخصیت بین المللی دانست. او بیشتر عمرش

رجال زیر ذره بین

رادر سفر گذرانیده است و این سفرها بیشتر جنبه سیاسی یا مطالعاتی داشته و او در ماموریت‌های سیاسی خود همیشه موفق بوده است. شخصیت او تا حدی مورد توجه محافل بین‌المللی میباشد که بارها پیشنهادات گوناگونی برای اداره سازمانهای مختلف جهانی رسیده که باتمام اهمیت‌های آن‌اوپیشنهادهات رسیده رارد کرده و خدمت در ایران را به شغل راحت در خارج از کشور ترجیح داده است. وی تاکنون تالیفات گوناگونی بوجود آورده و سالها با مطبوعات همکاری نزدیک داشته و هم‌چنین بمناسبت خدمات بیشائبه‌ای که انجام داده بدریافت نشانهای بین‌المللی بسیاری نایل آمده است. آنچه باعث موفقیت اودر زندگی فردی و اجتماعی گشته جسدیت و پشتکار در کلیه امور بوده و معتقد است که ایمان ودرستی و اعتماد به نفس یکی از علل پیشرفت هر فردی است بهمین علت خود او با اعتماد بنفس در کلیه امور پیشرفت حاصل نموده است. وی اوقات فراغت خود را به مطالعه، تحقیق و تتبع در امور حقوقی میگذراند... در خاتمه بدنیست بدانید که او در انجام کارها وسواس خاصی داشته و تا کارها را نیکو انجام ندهد دست از تلاش برنمیدارد. بهمین دلیل است که وقتی ما کارنامه زندگی گذشته‌اش را مرور می‌کنیم در آن از «کار اشتباه» چیزی نمی‌بینیم و تردیدی نیست در آینده باز هم اقدامات وی بدون عیب و نقص خواهد بود.

پروفسور جمشید اعلم

سناتور



● جز با زندگی کردن، نمیتوانید یاد بگیرید چگونه زندگی کنید. ●

پروفسور جمشید اعلم سال ۱۲۸۴ در شهر «وان» ترکیه متولد شده است. تحصیلات ابتدائی و قسمتی از متوسطه اش را در تهران انجام داده و بقیه تحصیلات متوسطه خود را در - ولیه آمپر - فرانسه پایان رسانیده است. پس از اخذ دیپلم در دانشکده ادبیات به تکمیل زبان فرانسه پرداخت و سپس شروع به تحصیل در دوره «پ - ث - ان» در لیون فرانسه نمود. بعد از طی دوره مذکور در سال ۱۹۲۹ بدانشکده پزشکی لیون وارد شد. از سال چهارم تحصیل در این دانشکده بعنوان دستیار در سرویس - پروفسور کله - در لیون در رشته تخصصی گوش و حلق و بینی بکار پرداخت. در سال ۱۹۳۴ از دانشکده پزشکی لیون فارغ التحصیل گردید و سال بعد به پاریس رفت. اینبار در سرویس - پروفسور لمتروبالان وک - مشغول تکمیل رشته تخصصی خود گردید و پایان نامه تحصیلات خود را در باب «ماستوتیدیت نزد بیماران به دیابت» با درجه ممتاز از تصویب گذراند، پس از آن سال ۱۹۳۶ پس از اخذ دیپلم تخصصی در بیماریهای گوش، حلق و بینی بایران مراجعت کرد و برای آماده گشتن جهت خدمت بخلق به ارتش رفت، دوره خدمت سربازی را سپری نمود و سپس در شهر داری تهران سمت پزشک مخصوص مشغول بکار گردید.

رجال زیر ذره بین

دراثر تجربیاتی که در پاریس هنگام اشتغال بکار بدست آورده بود بهتر توانست مدارج ترقی را طی کرده و بسر منزل مقصود زودتر گام نهد. از این جهت بزودی درسازمان نو بنیاد دانشکده پزشکی درمانگاه با حق آموزش منصوب گردید و در بیمارستان وزیری فعالیت خود را آغاز نمود. یکسال بعد بریاست بخش گوش، حلق و بینی بیمارستان فارابی انتخاب گردید، کوشش‌هایی که اودراین سمت از خود نشان داد سبب شد که برای مسابقه «اگر گسیون» فرانسه انتخاب شود و در ماه دسامبر ۱۹۴۷ این مسابقه را با موفقیت تمام بپایان رسانید در همان سال پس از بازگشت بایران بسمت پزشک مخصوص اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مفتخر گردید. سال ۱۳۲۶ به سمت تصدی کرسی گوش، حلق و بینی برگزیده شد و یکسال بعد استادی این کرسی بوی تفویض گردید. وی در رشته کار خود دارای تالیفات ممتازی بوده که از جمله میتوان آثار زیر را ذکر کرد که در فرانسه انتشار یافته است.

۱ - طرز برداشتن لوزه بطریقه مخصوص ۲ - زالو در حنجره ۳ - آتوره نور بن وعواقب آن در ایران ۴ - رادیوتراپی برای درمان کری کودکان ۵ - میاز گوش هم چنین وی یک جلد کتاب «گوش، حلق و بینی» تالیف نموده که در سال ۱۳۲۹ از طرف دانشگاه تهران چاپ و منتشر شده است و دانشجویان پزشکی از آن استفاده می‌کنند. وی در دوره نوزدهم از قزوین نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید که در این دوره مصدر خدمات شایان توجهی شد. پس از آغاز انتخابات دوره چهارم سنا که بنا بر امر اعلیحضرت رعایت آزادی کامل انتخابات وظیفه دولت بود او نیز به مجلس شیوخ راه پیدا کرد و در حال حاضر از نمایندگان است که نطق‌های آتشین و پرشورش رونق بخش جلسات مجلس سنا بسوده و توانسته است گام‌های موثری در راه نشان دادن احتیاجات مردم بردارد. با اینکه در ردیف نمایندگان مخالف دولت

قرار دارد اما هر گاه لوایح مفیدی مطرح میشود دل مدافع بزرگی را بازی میکند. و از این روی نشان داده است که سناتور بیطرف مجلس میباشد. بدنیت بدانید ریاست انجمن گوش، حلق و بینی ایران بعهدہ او است و در کنفرانسهای بین المللی فرانسه-ژاپون برزیل و آمریکا نیز شرکت نموده است.

پروفسور جمشید اعلم از جمله رجال برجسته ایست که تا کنون در خدمات پزشکی و سیاسی خود اقدامات ارزنده ای انجام داده که هرگز از نظر مردم قدردانش محرو نخواهد شد. او فردی است فعال - زیرک - صادق، مردم دوست و مردم دار. در دوستی ثابت قدم بوده و در خصومت بی اعتناء است. نطق و بیانش مورد ستایش عموم است. در تجزیه و تحلیل مسایل روزیدی طولاً دارد. جدیت و پشتکارش در میان رفقا با نزد بوده و رمز موفقیت خود را در زنده گی بواسطه همین سماجت و پشتکار میداند.

رجال زیر ذره بین

اشرف احمدی

نویسنده و سناتور



● آزادخواه واقعی کسی است که با وسایل
صلحجویانه و مسالمت‌آمیز، از آزادی خودش و
بالتجربه از آزادی میهنش و بالاخره از آزادی
بشریت دفاع کند.

تاکنون از افراد خودساخته اجتماع صحبت زیادی شده اما از آنان که استعداد خود را در راه خدمت بمیهن بکار انداخته‌اند کمتر سخن به میان آمده است و این حقیقت دارد که صرف استعداد در راه انجام يك کار بنوبه خود خدمتی است پر ارزش و مخصوصاً اگر کار انجام شده تصویر خدمات کشوری باشد، بهر وسیله که ممکن است. بعنوان نمونه از اقدام سناتور «اشرف احمدی» می‌توان یاد کرد. وی باتلاش و کوشش در پایان سالی که گذشت کتاب زیبایی انتشار داد بنام «ده سال کار و کوشش». کتاب ارقام گویائی بود درباره خدمات ملی و دولتی پس از انقلاب بزرگ بیست و هشتم امر دهمه ۱۳۳۲. آنهایی که این کتاب را دیده‌اند و دستی از دور بر آتش دارند بخوبی می‌دانند برای تهیه مطالب و نشر آن چه تلاشی بعمل آمده و چه کوششی صورت گرفته تا چنین خدمتی گرانبها انجام گشته است!

وی در سال ۱۲۸۸ در شیراز تولد یافت. پدرش از روشنفکران و آزادخواهان بود و بخدمات فرهنگی علاقه وافری داشت... از این روی در تربیت فرزند خود سعی فراوان نمود. او تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در تحت توجّهات پدر در شهرستان شیراز انجام داد، آنگاه بتهران آمد و بقیه تحصیلات خود را دنبال نمود تا اینکه از دانشکده

حقوق موفق با خدایسانس قضائی گردید و بدلیل علاقه‌ای که داشت خدمات فرهنگی را در پیش گرفت. تا سال ۱۳۲۰ در جامه شریف معلمی خدمتگذار مردم بود. تا اینکه در این سال بعد از يك دوره خدمات فرهنگی وارد خدمت قضائی شد و در داد گستری بکار پرداخت. او دوازده سال تمام مشاغل مختلفی را در داد گستری به عهده داشت و همیشه می‌کوشید تا جانب حق را مراعات نموده باشد. عقیده داشت بالاتر از هر چیز وجدان آسوده انسان است از این روی ستاندن حق مظلوم برای او وظیفه‌ای مقدس بود.

پس از اینکه انقلاب بزرگ امرداد ماه ۱۳۳۲ پیش آمد و حکومت مرحوم سپهد زاهدی عهده دار زمام امور گشت وی بوزارت کشور انتقال یافت و استانداری اصفهان را پذیرفت و دو سال تمام در شهر « نصف جهان » بر تق و وفق امور پرداخت. در این پست آن چنان لیاقتی از خود نشان داد که در سال ۱۳۳۴ بمعاونت نخست وزیر و سرپرست بازرسی کل نخست‌وزیری منصوب و بکار مشغول شد مدت چهار سال تمام در این مقام مشغول خدمت بود. آنقدر در این راه غرق جدیت شده بود که شب و روز معنی و مفهوم خودش را برای اواز دست داده بود.

وی در کابینه دوم آقای مهندس شریف امامی که در اسفند ماه ۱۳۳۹ تشکیل یافت بسمت وزیر مشاور و معاون نخست وزیر انتخاب گردید و در جلسات هیئت دولت سمت دبیر هیئت وزیران را بر عهده داشت پس از آن تامدتی از فعالیت‌های سیاسی کناره گیری نمود تا اینکه در چهارمین دوره قانونگزاری سنا توانست به مجلس شیوخ راه پیدا کرده، در حال حاضر در جلسات مجلس بوضع قوانین جدید رسیدگی میکند. بدنیست بدانید که وی تا کنون چندین مسافرت بکشورهای خارج نموده و هم‌چنین بدریافت نشانهای مختلفی نائل آمده است و همان‌طور که در بالا اشاره رفت در سال گذشته با تهیه کتاب «ده سال کار و کوشش» توانست نشان دهد که تا چقدر بمسائل موجود

رجال زیر ذره بین

کشوری اهمیت می گذارد و به پیشرفت مملکت چقدر علاقمند است . در حقیقت میتوان گفت که او انسان واقع بینی می باشد در یکی از عقایدش که بسیار شنیدنی است میگوید « همیشه و در همه جای جهان - در تمامی جماعات بشری يك قانون و حشمت ازلی و ابدی حاکم بوده است : - اسب بینوا گاری را کشیده - و سورچی گردن کلفت انعامش را گرفته است ! » و او با همین نکته سنجی و دقت و هوش کلیه مسائل را در زیر ذره بین قرار داده و آنرا تجزیه و تحلیل می کند. دیگر از عقایدش سرسختی و پشتکار میباشد در این مورد می گوید : نه برای « اقدام به کار » به امید قاطع نیازی هست و نه برای « توفیق در کار » به ثبات و پایداری احتیاجی - مرد برای پیروزی ، تنها و تنها باید که بخواهد .

دوستانش عقیده دارند که او آدمی صریح و ثابت قدم است و دستی را نمی فشارد مگر اینکه پس از فشردن هر گز از یاد نبرد. در راه دوستان از بذل جان هم دریغ ندارد معتقد است زندگی برای دوست داشتن و محبت ورزیدن بوجود آمده است . بر این خصوصیات روحی رازداری ، بذله گوئی ، بزرگواری را اضافه کنید آنگاه باین چهره بازیگر مجلس شیوخ آشنائی بیشتری خواهید یافت

دکتر عباس نفیسی

سناتور و مدیر عامل جمعیت
شیر و خورشید سرخ



● بیچاره آینده با وجودیکه همه انتظارش را
میکشند وقتی به حال تبدیل میشود زیندگی و

لطفات خود را از دست میدهد...

وی در سال ۱۲۸۵ شمسی در شهرستان رشت در خانواده «مؤبد الدوله نفیسی»
تولد یافت. پدرش دکتر علی اصغر نفیسی پزشک اعلی حضرت رضا شاه کبیر- پزشک و
پیشکار اعلی حضرت همایون محمد رضا شاه و اولین وزیر بهداشتی ایران در کابینه سید
ضیاء الدین طباطبائی بود. جدش مرحوم ناظم الاطباء پزشک دربار ناصرالدین شاه
و مؤلف کتاب پزشکی نامه و فرهنگ نفیسی است. نسبت خانوادگی وی از طرف
پدر به حکیم برهان الدین نفیسی کرمانی مؤلف کتاب شرح الاسباب و از جانب مادر
به آقاخان نوری صدر اعظم ناصرالدین شاه میرسد. وی تحصیلات ابتدائی خود را در
شهرستان رشت پایان رسانید و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان «سن لوئی» تهران
گذراند. آنگاه برای ادامه تحصیلات رهسپار فرانسه شد و دوره دوم دبیرستان را در
مدرسه لا کانال پاریس تمام نمود. سپس وارد دانشگاه پاریس گردید و در رشته پزشکی
تحصیلات خود را دنبال کرد. پایان نامه تحصیلات خود را در باب تاریخ طب ایران
از تصویب گذراند و با بهترین نمره موفق بدیافت دیپلم رسمی پزشکی گردید
بطوریکه دولت فرانسه بوی اجازه طبابت در آن کشور را اعطا نمود... وی در

رجال زیر ذره بین

سال ۱۳۱۵ با دنیائی از امید و آرزو بوطن بازگشت و مراجعت او متقارن با آغاز تحولات دامنه داری بود که بهمت سازنده ایران نوین اعلیحضرت رضا شاه کبیر بوجود آمده و از استعدادهای جوان بنحو احسن بهره برداری میشده و نیز بمناسبت اندوخته علمی که بدست آورده بود، بعنوان دانشیار بیماریهای درونی در دانشکده پزشکی ا-لین فعالیت اجتماعی خود را آغاز کرد. پس از مدت کوتاهی وی به استادی کرسی روانشناسی برگزیده شد و او که بر فعالیت های خودافزوده بود از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۱ مرتباً عضویت انجمن شهر تهران را به عهده داشت. مشاغل را که به ترتیب عهده دار بوده است بشرح زیر می باشد.

نماینده مجلس شورای ملی در دوره های سیزدهم، نوزدهم و بیستم - معاونت وزارت بهداری - معاونت نخست وزیری و وزیر بهداری - دبیر کل جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران - عضو هیات مدیره سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی - عضو هیئت مدیره بنگاه حمایت مادران - دبیر کل انجمن حمایت کودکان - کار - شناس فنی سازمان بهداشت جهانی - پزشک خاندان جلیل سلطنت - رئیس کمیسیون بهداشت اتحادیه جمعیت های صلیب سرخ جهانی. در حال حاضر علاوه بر تصدی مدیریت عامل شیر و خورشید سرخ ایران درجمله نمایندگی مجلس سنا در جلسات مجلس شرکت دارد. بد نیست بدانید که وی از فن نویسندگی نیز اطلاعاتی داشته و تاکنون تالیفات بسیار ارزنده ای از وی نشر یافته که مهمترین آنها عبارتند از - تاریخ نقوذ طب اروپائی در ایران - تاریخ طب ایران - شرح چند نکته پزشکی در شاهنامه فردوسی - کتاب بهداشت دوره اول دبیرستانها ... در اردیبهشت ماه ۱۳۳۹ باخانم پریوش خواجه نوری ازدواج نموده و فرزندان فرناک و سیامک نامدارند. دکتر نفیسی تاکنون بکشورهای فرانسه - سوئیس - انگلستان - ایتالیا -

چکسلواکی - هندوستان - ترکیه - آمریکا - مصر - اسپانیا - نروژ - دانمارک و یونان مسافرت کرده است . وی ازدوستان صمیمی دکتر اقبال می باشد و از موسسین حزب ملیون بشمار می آید . تا کنون بدریافت چندین نشان بین المللی نایل آمده است . وی از سال ۱۳۳۱ بریاست هیئت مدیره شیرو خورشید سرخ ایران برگزیده شد و اکنون سیزده سال است که اداره این سازمان خیریه را به عهده دارد و در کمال پاکی و صداقت کوشیده است تا این سازمان خدمات خود را بنحو احسن و شایسته ئی انجام دهد . از خصوصیات جالبه ای تنها نکته ای را که بیش از همه میتوان به آن توجه کرد اینست که وی معتقد است تنها در لوای خدمت بمردم میتوان انتظار ترقی داشت و عیب ما مردم اینست که خود را از زندگی طلبکار میدانیم در حالیکه همه نعمت هائی را که از آن استفاده می کنیم بزندگی مدیون می باشیم و در حقیقت با دینی که به اجتماع داریم باید در راه آبادانی آن گام برداریم و این میسر نیست مگر بمردم اجتماع خدمت کنیم . تا شما چه عقیده داشته باشید ؟

رجال زیر ذره بین

دکتر جواد آشتیانی

سناتور و مدیر عامل سازمان شاهنشاهی



● هیچگاه با ترس مشورت نکنید

زیرا ترس مشاور نیست که راه پیروزی را بشما نشان دهد.

بیشک در این مسأله تردیدی نیست که اداره يك سازمان تعاون و خیریه کار چندان سهل و آسانی نیست و کسیکه بر جایگاه مدیریت چنین سازمانی تکیه میکند هر لحظه بیم دارد که شایعه پردازان موقعیت به چنگ آورده و بسا انتشار شایعات گوناگون سبب گردند که نظر عظوفت مردم از مسئولین چنین سازمانی سلب گردد قدر مسلم آن کسی که بتواند هفده سال تمام صادقانه يك سازمان تعاون اجتماعی را اداره کند تا جائیکه دوست و دشمن اذعان کنند خدمت انجام شده ناسچیز نیست باید از مهره‌های مهم شطرنج سیاست کشور باشد که قدرت مبارزه با عوامل فساد را داشته و در این راه پیروز گشته است. این شخص سناتور «جواد آشتیانی» میباشد که اکنون مدت هفده سال است مدیریت عامل سازمان شاهنشاهی و خدمات اجتماعی را به عهده داشته و در این راه اقدامات شایان توجهی بعمل آورده است و در همه محافل با تمجید از او تحسین آن یاد میشود. آنچه سبب گشته تا وی بتواند در کار خود موفق شود عقاید فردی و خصوصیات روحی و باطنی او بوده است که یاری اش نموده اند

تاموفقیت بدست آورد مثلاً یکی از همین عقایدش که کارا کتروی را برای ما تشریح میسازد . میگوید :

« حق با قوی است . مبارزه قانون زندگی و فرمان حیات است ... بدین یاوه‌ها باور میکنید ؟ اینها شعارهای « بشری » نیست ؟ اگر جامعه «جامعه انسانها» است ؛ باید آزاد و مطمئن بود که «همه حق دارند» نه فقط آنکه قوی است ... اگر جامعه ، « جامعه انسانها » است میباید آسوده خاطر بکار «زندگی» پرداخت نه نگران ودلوایس به صیقل دادن شمشیر ...!

« حق با قوی است . مبارزه قانون زندگی و فرمان حیات است . نه ! اگر در جنگل وحوش زندگی نمی کنیم . این سخنان یاوه‌ئی بیش نیست ، چرا که تنها در جنگل وحوش « حق با قوی است » - چرا که تنها در میان درندگان مبارزه قانون حیات است . »

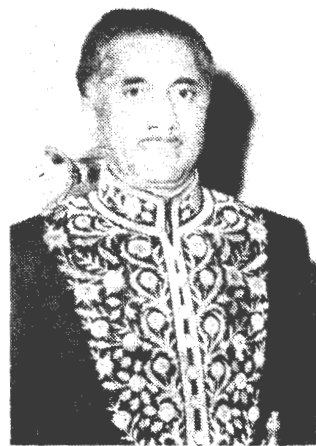
حال که با خصوصیات روحی او آشنا شدید بدنیت با شرح مختصر زندگی نیز آشنا گردید . وی در روز بیست و پنجم مهرماه ۱۲۷۵ در خانواده آشتیانی تولد یافت . پدر بزرگش از مراجع تقلید بود و پدرش از رجال صدر مشروطیت و درادوار اولیه تا ششم نماینده تهران بود. او تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در تهران سپری کرد و همراه اولین گروه دانشجویان ایرانی بفرانسه رفت، تحصیلات عالیه خود را در رشته پزشکی در دانشگاه پاریس بپایان رسانید، علاوه بر زبان فرانسه ، انگلیسی را نیز بخوبی آموخت . وی اولین سمتی که بدست آورد نماینده صحی دولت شاهنشاهی در اروپا بود و ضمناً عهده دار بازرس کل محصلین اعزامی بود . او در سال ۱۳۱۳ بایران مراجعت نمود و در بازگشت ریاست عالیه وزارت فرهنگ و استادی دانشکده پزشکی را بر عهده گرفت . یکسال بعد ریاست

رجال زیر ذره بین

بهداری بانك ملی و ریاست بخش پزشکی بیمارستان گوهرشاد بوی تفویض شد و در این سمت بخدمت پرداخت. از سال ۱۳۱۶ بعد متدجاً بسمت استاد کرسی بهداشت و معاونت دانشکده پزشکی، بازرسی کل بیمارستانهای تابعه دانشگاه و بعد از طرف شورای عالی دانشگاه دوبار ببریاست دانشکده پزشکی تهران انتخاب گردید. ضمناً در دوره پانزدهم به مجلس شورای ملی راه پیدا کرد و در جامه « نماینده مردم » بخدمت خلق کمر بست. در سال ۱۳۲۷ پست مدیریت عامل سازمان شاهنشاهی و خدمات اجتماعی بوی سپرده شد و با حفظ سمت استادی کرسی بهداشت دانشکده پزشکی و عضویت شورای علمی انستیتو پاستور ایران بوی تفویض گردید. او در اسفند ماه سال ۱۳۳۹ در کابینه مهندس شریف امامی بسمت وزیر بهداشت انتخاب گردید و در حال حاضر در چهارمین دوره قانونگزاری سنا با حفظ سمت سناتور حوزه فارس در مجلس شیوخ میباشد. او تا کنون بدریافت چندین نشان علمی و فرهنگی نایل آمده و بکشورهای فرانسه - سویس - انگلستان - هندوستان و تایلند سفر کرده است. از نویسندگی سر رشته داشته و تالیفات علمی سودمندی دارد که مورد استفاده دانشجویان پزشکی میباشد. در سال ۱۳۱۶ با خانم قمر و ثوق ازدواج کرده و دو فرزند بنامهای مینا و محسن دارد و با اینکه هفده سال است همسرش دارفانی را وداع گفته است تا کنون تاهل اختیار نکرده و وفاداری خود را بهمسر مهربان و متوفایش باثبات رسانیده است. در مورد خصوصیات روحی و اخلاقی وی بد نیست بدانید که او آدمی آزادیخواه بوده و در وطن پرستی نیز ضرب المثل دوست و آشنا میباشد. راستگو، شجاع و صریح الهجه است و معتقد میباشد اگر در زندگی موفقیتی نصیبش گشته در پرتو کار و کوشش بوده و رمز پیروزی را در استقامت در کارها میداند.

امیر حسین خزیمه علم

سنانور



● برای يك جامعه فضیلت و اخلاق
از نان شب هم واجب تر است. اگر
جامعه شکست اخلاقی بخورد با هیچ

نیروئی نمیتوان جبران شکست را نمود.

وی در سال ۱۲۹۱ شمسی در بیرجند در خانواده «علم» تولد یافت. پدرش از رجال آزادیخواه بود و در میان اهالی محبو بیت فوق العاده ای داشت و برای تربیت فرزند خود اهمیت فراوانی قائل بود. امیر حسین از کودکی در نزد معلم به آموختن علم و دانش همت گمارد و تحصیلات متوسطه خود را در تهران به پایان رسانید، برای ادامه تحصیلات به انگلستان عزیمت نمود و در رشته کشاورزی و اقتصاد کشاورزی از دانشگاه بریستول انگلستان موفق باخذ لیسانس گردید. در بازگشت بایران اولین سمت اداری که بدست آورد معاون عمران و وزارت کشور بود، که با کوشش خستگی ناپذیری در این سمت فعالیت نمود. پس از آن بسمت فرمانداری کل بلوچستان و سیستان منصوب گردید که از سال ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۳ در این پست مشغول خدمت بود. اوطی این مدت با فعالیت کوشید بوضع نابسامان این نواحی سر و صورتی دهد و مصدر خدمات شایان توجهی گردیده که هنوز هم در خاطر مردم این خطه هست و از آن

رجال زیر ذره بین

به نیکی یاد کرده و از صمیم قلب آنرا می ستایند . مشاغل کثیف و بی ترتیب پس از فرمانداری کل بلوچستان بدست آورده بشرح زیر است :

مدیر کل اقتصادوزارت کشاورزی - معاونت وزارت کشاورزی - نماینده مجلس شورای ملی در دوره های شانزده ، هیجده و نوزده - نماینده دولت شاهنشاهی ایران در مذاکرات با افغانستان و عضو هیئت مرکزی جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران . بد نیست بدانید که وی پسر عموی آقای اسداله علم نخست وزیر اسبق ایران میباشد و علاوه بر نسبت فامیلی ، دوستی بسیار نزدیکی با امیر اسداله خان دارد و در بسیاری کارها او را مشفق و همگام بوده است و از شخصیت های بارز سیاسی ایران است ، چنانچه در زمان فترت عضو هیئت مدیره مجلس شورای ملی بود و در این سمت اقدامات شایان توجهی بعمل آورد . وی از ادبیات نیز بدور نبوده و کتابی در تحت عنوان کشاورزی در هندوستان و ممالک اسکاندیناوی تألیف کرده که این کتاب در نوع خود بسیار جالب توجه میباشد . وی با اینکه دارای فعالیت های سیاسی شدیدی در زندگی بوده تا کنون در احزاب سیاسی عضویت نداشته و در این مورد هیچگونه آلودگی نیافته است ، وی در سال ۱۳۱۷ ازدواج کرده و از زندگی خانوادگی خود بسیار راضی است . او صاحب دو فرزند میباشد که برای تربیت آنان اهمیت فراوانی قائل است . جالب آنکه وی ادیب ، فاضل ، نویسنده و ناطق زبردست است . زبان آوری و شیوه قدرت نطق و بیانش مورد ستایش دوستان و آشنایان و مردم است .

وی در حال حاضر سناتور انتصابی در چهارمین دوره اجلاس مجلس سنا میباشد . او در زندگی انسانی اصولی - کارکن و فعال است . در میان رفقا محبوبیت فراوانی دارد در کار خود لجوج و یک دنده میباشد . نظریاتش روی اصلاح اساسی کار بوده و معتقد است هر نوع اصلاحی را باید از خود شروع کرد . و به همین دلیل او در

زندگی اداری و سیاسی اش همیشه مورد توجه بوده و با نظریات اصلاحی که داشته ، توانسته است در مشاغل سیاسی و اداریش مثمر ثمر واقع شود. بهمین دلیل در کارهای خود همیشه توانسته با انجام خدمات بیشماری نایل گردد. از خصوصیات جالب روحی و اخلاقی وی اینست که وی علاقه فراوانی به انجام کارهای کشاورزی دارد و در مورد اصلاحات کشاورزی در بیرجند اقدامات شایان توجهی بعمل آورده است و مدرنیزه شدن سیستم کشاورزی در شهرستان بیرجند مدیون فعالیت های ایشان میباشد .

در چهارمین دوره مجلس شیوخ وی در ردیف نمایندگان است که بیطرفی کامل را حفظ کرده و بر لوایح دولتی تنها از جهت اثرات نیکوی آن می نگرد تا صریحا در موردی تصمیم نگیرد اقدام نمی کند و بدون تردید با این خصوصیات روحی و اخلاقی آینده درخشانتری در انتظار این سناتور مجرب و سیاستمدار ورزیده میباشد . مقامات والائتری را برای امیر حسین خزیمه علم آرزو داریم .

رجال زیر ذره بین

دکتر محمد سجادی

سناتور



● آزادی الهه ایست که غلبه بر او دشوار
است و مانند خدایان باستانی از ستایش

گران و پرستندگانیش «قربانی انسان» توقع دارد.

وی در سال ۱۲۷۸ در تهران متولد یافت. پدرش مرحوم آیت الله حاج میرزا یحیی سجادی تهرانی بود و مادرش نوه حضرت آیت الله حاج میرزا حسن مجتهد آشتیانی که سالها مرجع تقلید شیعیان بوده و در قضیه انحصار تنباکو حکم بنحرم آن آن داده است. او در دامان چنین والدین متدین و متعصب و وطن پرستی پرورش یافت. و تحصیلات ابتدائی را در مدرسه اقدسیه گذرانده از دبیرستان دارالفنون موفق باخذ دیپلم گردید. پس از آن وارد دانشگاه تهران شد و در رشته حقوق و علوم سیاسی موفق باخذ لیسانس گردید. بعد بفرانسه رفت و در دانشگاه پاریس، تحصیلات عالیه خود را در رشته علوم اقتصادی و سیاسی بپایان رسانیده پس از شش سال بایران بازگشت. ابتدا بسمت دادستان استان خراسان تعیین گردید و پس از آن بدادستانی تهران منصوب شد، در سال ۱۳۱۳ پست مدیر کلی گمرک و پس از آن مدیر کلی انحصار تریاک بوی داده

شد. یکسال بعد معاونت وزارت راه را به او سپاردند و در سال ۱۳۱۷ اداره وزارت راه بوی محول گردید و تا آغاز جنگ دوم جهانی در ایران مدت سه سال تمام در این سمت باقی مانده بود. در این سال در کابینه مرحوم فروغی شهر دار تهران گشت. بعد بمعاونت نخست وزیری برگزیده شد و پس از آن ریاست هیئت مدیره بانک رهنی بوی تقویض گردید. تا سال ۱۳۲۸ وی سه بار بوزارت اقتصاد، یکبار وزارت فرهنگ، یکبار وزارت راه و هم چنین وزیر مشاور - استانداری اصفهان و استانداری خراسان و استانداری آذربایجان منصوب گردیده هم چنین ریاست دادگاه عالی انتظامی ارتش و ریاست کمیسیون ارز و مدیریت عامل سازمان برنامه از جمله مشاغلی است که وی عهده دار بوده است.

وی در کابینه آقای علاء بوزارت دارائی رسید و عمل تصفیه کارمندان دولت در زمان کابینه مرحوم سپهبد رزم آرا بوسیله او انجام گرفت. در سال ۱۳۳۹ وی بسمت نایب نخست وزیر و سرپرست سازمانهای اقتصادی منصوب گردید و این پست را تا آخر کابینه آقای مهندس شریف امامی عهده دار بودند. در حال حاضر نیز سناتور انتخابی تهرانست. پرشورترین خاطره زندگی دکتر سجادی مطالبی است مربوط بدوران بازداشت او در سال ۱۳۲۲ بدست متفقین که وی بمناسبت فعالیت های میهنی که انجام داده بود بزندان افتاد و از این دوران خاطرات جالبی دارد. وی هم چنین از بنیان گذاران راه آهن در ایران میباشد و خدماتی را که در این راه انجام داده هیچگاه از یاد مردم نمی رود.

وی در سال ۱۳۰۲ ازدواج کرده و ثمره این ازدواج دو فرزند است که یکی دختر بوده، ازدواج کرده و شوهرش استاد دانشکده پزشکی است و دومی پسر است که لیسانس روانشناسی و زمین شناسی از دانشگاه هوستن امریکا است و در حال حاضر

رجال زیر ذره بین

تحصیلات خود را در رشته دکتری مهندسی نفت ادامه میدهد. وی میگوید: «ملت های جهان می خواهند آزاد و مستقل زندگی کنند، می خواهند در ایشانشان درس نوشتنشان موثر باشد. می خواهند هر روز بخاطر منافع يك کشور بزرگ آتش جنگ در يك گوشه از این دنیا برافروخته نشود. اما آزمندی و توسعه طلبی کشورهای باصطلاح مترقی و بزرگ چنین اجازه ای را به ملت ها نمی دهد و نمی گذارد آنان بخواسته های مشروع و انسانی خود برسند، وقتی چنین امری میسر خواهد بود که اساس تشکیلات سازمان ملل دگرگون شود و خواه و ناخواه دیر یا زود در تشکیلات این سازمان تجدید نظر کلی بعمل خواهد آمد و با ایجاد يك حکومت جهانی، مشکلاتی از این قبیل حل خواهد شد و دولت ها خواهند توانست آزادانه درباره سر نوشت کشور خود تصمیم بگیرند و دیگر تبعیضی میان دولتهای کوچک و بزرگ وجود نخواهد داشت». در مورد خصوصیات اخلاقی وی بد نیست بدانید که او رمز موفقیت را در داشتن برنامه صحیح دانسته و اضافه میکند برای انجام يك برنامه همکار خوب لازمست و تردیدی نیست که هر برنامه اصولی از روی فکر متین طرح ریزی شده و هیچ طرحی انجام نمی گیرد. مگر اینکه همکاران صالح کمک بفرجامش نمایند.

وی در داشتن پشتکار میان دوستان و همکاران خود ضرب المثل بوده، در این مورد بگذشته او اشاره می نمود. او به بسیاری از کشورهای اروپائی مسافرت کرده و از این سفرها تجربیات فراوانی اندوخته است. وی مردیست اهل منطق و تابع حرف اصولی در این راه هر کاری را که بخواهد شروع کند با مشورت دیگران اقدام می نماید و میگوید «تهور در کارها همیشه صلاح آدمی را در برداشته و با انسان کمک مینماید تا زوتر بمقصد برسد».

دکتر سلیمان آزما پزشک و جراح



● ادراکات بشر بمنزله شیشه های رنگا
رنگ است هر کس از پشت شیشه یی، درهان
و موجودات ه حلق و مخیل را برنگ و گونه یی
می بیند و دیدار دیگران را ناصواب می انگارد .

«فساد و اخلاق در اصل و مبدأ نتیجه دو کیفیت روحی است .
اول ترس و خوف که عدم اطمینان و فقدان توکل و اتکاء بنفس و تزلزل
خاطر و ارتعاش میانی و ارکان شخصیت ناشی از آن است .
دوم طمع و حرص که نیاز استغناء طمع را که موجب شرافتمندی است سست
نموده و از قدر و منزلت قناعت و صفای درون که سرمنشاء هر گونه سربلندی و آبرو-
مندی است می کاهد و انسان شریف را مانند سگان گرسنه مدام نگران لقمه نان و عید
و عید دیگران می نامید ، »

این طریقه اندیشه مردیست آزاده و خدمت گذار اجتماع، ساده دل و بلند
پرواز . در زندگی همیشه تلاش می کند و حاصل آنرا نیکی ب مردم یافته است . ما
با او در حال حاضر در جامعه ریاست بخش جراحی و سرپرستی بیمارستان وزارت
اقتصاد سازمان برنامه آشنا می گردیم و خصوصیات وی هراسانی را به احترام و تکریم
و ا می دارد .

رجال زیر ذره بین

مردیست با خدا و صاحب روحیه‌ای قوی و قابل احترام، سریع الانتقال و حاضر جواب و با این حال انسانی آزاد بخواه و آنچه در زیر می‌خوانید شرحی است از زندگیش که نمونه‌ای است از تلاش و کوشش.

وی در سال ۱۲۹۳ در تهران متولد شد. پدرش مردی آزادی‌خواه و پزشکی حاذق بود او در چنین خانواده‌ای روشنفکر پرورش یافت «دکتر احمد» به تربیت فرزند خود توجه فراوانی نشان میداد سلیمان تحصیلات ابتدائی خود را در دبستان فردوسی و متوسطه را در دبستان شرف تهران سپری کرد اما چون تشنگی فراوانی از خود نسبت به فرا گرفتن علم و دانش احساس می‌کرد بلافاصله در دانشگاه تهران، ثبت نام نمود سپس در سال ۱۳۱۹ فارغ التحصیل در رشته جراحی شد اولین شغلی که بوی محول گردید. رئیس بخش جراحی زنجان. سپس بسمت رئیس بخش جراحی بیمارستان کارخانجات شمال و برای گذراندن تخصصی مدت ۲ سال عازم پاریس گردید در بیمارستان Breussaus و پس از بازگشت در سال ۱۳۰۳ در بیمارستان بانک صنعتی سابق و بعد از یکسال دیگر رئیس بخش جراحی همان بیمارستان ضمناً رئیس و سرپرست بخش هدایت کارگران و مدت ۸ سال جهت مطالعات علمی عازم امریکا گردید. و در شهر های نیویورک - واشنگتن و بستون به تحقیق پرداخت.

و پس از بازگشت مجدداً به ریاست بخش جراحی بیمارستان سازمان برنامه و علاوه بر آن سرپرست بیمارستان «وزارت اقتصاد و سازمان برنامه» و عضو هیئت مدیره باشگاه لاینز گردید.

در سال ۱۳۱۹ با دختر عموی خود (بدرمنز نیا کمال) ازدواج نمود ثمره آن سه فرزند می باشد در مورد خصوصیات او بدنیست بداندوی در میان همکاران خود به منظم ترین فرد معروف بوده و در همه نکات وضع و موقعیت خود را در نظر داشته و شخصیت فردی خود را کاملاً نشان داده است «دکتر سلیمان آزما» رمز موفقیت خود

را در این میدانند - اتکاء بنفس و استعداد و پشت کار فراوان - ایشان، معتقد بر آن هستند انسان تا بموفقیت کاری اعتماد نداشته باشد بانجامش دست نخواهد زد هر کاری را بامطالعه فراوان شروع باید کرد و جوانب آنرا کاملاً بسنجد.

از عقاید جالبش این نکته خواندنیست که می گوید «آدم بدو وجود ندارد و این ماهستیم که ذره بین بدبینی بچشم می زنیم و برای آدمها مقیاس قائل میگردیم. باید آدمهای بد را اصلاح کرد و باین طریق اجتماع سالمی بوجود آورد و از نعمت های ملکوتی واللهی بهره مند شد» .

بهمین دلیل او کوشش دارد تا این عقیده انسان پسندانه خود را بهمگان

تحمیل کرده و به اطرافیان خود بیاموزد که «دوست بدار تا دوستت بدارند»

رجال زیر ذره بین

دکتر رضا مدرس

پزشک و دندان پزشک

● دندان سالم چنین حسرت میخورد:

از صبح تا شام کار میکنم و هیچ آشکر

و تقدیری نمی بینم ولی دندانهای پوسیده

فرمانید: همه طلابوش هستند. باید پرسید برای

چه؟ در مقابل کدام خدمات.

در سال ۱۳۱۴ شمسی در شهر اصفهان طفلی دیده بجهان گشود که او را رضا نام نهادند. رضا در همان اوان کودکی زیر کی و هوش سرشار از وجنانتش پیدا بود، و همواره علاقه داشت تا بتواند بخواند و بنویسد.

در شش سالگی بدبستان رفت و در همان ماههای اولیه از خیلی از همکلاسان خود جلو افتاده بطوریکه اولیاء تعلیمی او از این همه هوش و ذکاوت که در رضا وجود داشت غرق تعجب بودند، و همیشه پدر وی متذکرمی شدند که رضا فرد برجسته‌ئی در اجتماع خواهد شد.

خوشبختانه حساب آنها درست از آب بیرون آمد زیرا وی دوران دبستان را با سرعت تمام کرد و همه ساله جزو شاگردان ممتاز و برجسته دبستان بشمار میرفت. عجب تر آنکه دوران متوسطه اش دست کمی از لحاظ احراز رتبه ممتاز از دوران دبستانش نداشت.

بالاخره باشوق و ذوق و علاقه بی حد و حصر تحصیلات مقدماتی را پایان

رسانید آنگاه جهت تحصیلات عالیہ عازم کشور آلمان گردید. و در رشته دندان پزشکی در دانشگاه (گوتینگن) مشغول تحصیل شد. «دکتر رضا مدرس» فرد باذوق بوده جزوہ ای تحت عنوان بیماری های دهان و دندان با قلم شیوا و رسائی می نوشت که در مجله پزشکی دانشگاه چاپ و مورد استفاده قرار میگرفت.

خالی از لطف نیست کہ بدانید (دکتر رضا مدرس) جزو پزشکان نادر ایرانی است کہ دارای دودپلم یکی در رشته پزشکی کہ در دوم اوت ۱۹۶۱ و دیگری در رشته دندان پزشکی در جولای ۱۹۶۰ می باشد کہ بہ اخذ آن نائل آمد.

«دکتر رضا مدرس» در امریکا ازدواج نمود و ثمرہ این پیوند میمون و مبارک یک فرزند کلاکل زری بنام علی می باشد.

دکتر (رضا مدرس) مدتی مخصوص در معالجه بیماری های لثہ دهان و دندان دارد کہ در مدت کوتاهی بیمارانش را بدون کوچکترین ناراحتی درمان و معالجه میکند ناگفته نماند کہ تا کسی بیمار این پزشک حاذق نباشد بگفته های ما پی نخواهد برد او بزبانهای انگلیسی و آلمان آشنائی و تسلط کامل دارد، و برای مطالعات علمی خود از اکثر شهرهای اروپا و امریکا دیدن نموده و مدتی در شهرهای سوئیس و آلمان مشغول طبابت بوده بخاطر همین توانائی و استادی کہ در کار خود دارد بیشتر بیمارانش خارجی وی کہ از ایران دیدن می کنند یا ماندگار میشوند. بہ مطب ایشان کہ در شاهرضا اول خیابان ایران شهر می باشد مراجعہ نموده تحت درمان قرار می گیرند.

از خصوصیات جالب وی، نکته ای را کہ بیش از همه می توان بہ آن توجہ کرد اینست کہ او معتقد است کہ تنها در لوای خدمت بمردم می توان انتظار نرئی داشت. عیب ما مردم اینست کہ خود را از زندگی طلبکار می دانیم در حالیکہ همه نعمت هایی را کہ از آن استفاده می کنیم، مدیون زندگی بوده و در حقیقت این دین

رجال زیر ذره بین

را با اجتماع خود داریم و باید در راه ساختن اجتماع خوب گام برداریم و این میسر نیست مگر به مردم اجتماع خدمت کنیم و در حقیقت اصل تساوی قانون حقوق بشر نیز بر همین محور دور می‌زند .

دیگر از خصوصیات روحی و اخلاقی وی می‌توان - اراده محکم و ثبات عقیده اش را ذکر کرد، که در این مورد دوست و دشمن به آن ایمان دارند و همین خصیصه ممتاز است که او را در کارش موفق گردانیده راجع به رمز موفقیت از ایشان سؤال شد. بنظر من موفقیت نسبی است و بطور کلی تصور نمی‌کنم هیچوقت شخصی بتواند خود را موفق کامل بداند . هر توفیقی موفقیت دیگر را در بر دارد.

در صورتیکه منظور از موفقیت رسیدن به يك هدف خاص باشد من توفیق در رسیدن باین هدف را در پشتکار - صداقت - ایمان - وظیفه‌شناسی - اعتماد بنفس - یکرنگی و صمیمیت - دوستی و نیکی بهمنوع می‌دانم - و همین نکاتی است که در دوران خدمت خود پیوسته به آن توجه داشته‌ام .

شاید توفیق‌هایی را که تا بحال حاصل شده در نتیجه توجه بهمین نکات بوده تا عقیده شما چه باشد ؟

یوسف خوش کیش

مدیر عامل بانک ملی ایران



● تمدن حقیقی عبارتست از سعادت‌مند ساختن افراد، از طریق فراهم ساختن اسباب رفاه و رفع حوائج آنها، با رعایت توازن و تناسب معقول و متین بین مادیات و معنویات ...

نخستین بانکی که در ایران مطابق اصول بانکداری جدید تشکیل شد، بانک جدید شرق نام داشت که در سال ۱۲۶۶ توسط دولت انگلیس شعبات خود را در تهران، تبریز، مشهد، اصفهان، شیراز و بوشهر تأسیس کرد. قبل از تأسیس بانک مزبور در ایران مؤسسات صرافی کوچک و بزرگی وجود داشت که ضمن انجام عملیات تجارتي و معاملات غیر منقول امور پولی هم انجام میدادند. تأسیسات اولین بانک در ایران پس از دو سال توسط بانک شاهی خریداری شد و سیاست پولی ایران در دست کشورهای بیگانه قرار گرفت. تا اینکه در سال ۱۳۰۶ بهمت سازنده ایران نوین در کابینه مرحوم حسن مستوفی لایحه اجازه تأسیس بانک ملی ایران تقدیم مجلس شد و در ۱۴ اردیبهشت همان سال توشیح گردید. بدینصورت سرنوشت بانکها در دست خود مردم قرار گرفت. اما بتصدیق کسانی که با تاریخ بانکداری ایران آشنا هستند در میان کسانی که سرپرستی اداره این سازمان مهم اقتصادی را، از بدو تأسیس تا کنون بعده داشته‌اند، تنها دو سه تن بنحو احسن انجام وظیفه کرده و توانسته‌اند بطور باید و شاید کارهای اساسی انجام دهند که از میان آنان میتوان از «یوسف خوش کیش» مدیر عامل کنونی بانک مرکزی ایران یاد کرد.

رجال زیر ذره بین

وی در سال ۱۲۸۵ در تهران تولد یافت. تحصیلات ابتدائی و قسمتی از متوسطه خود را در همین شهر پایان رسانید و در اولین مسابقه ورودی اداره کل گمرک سابق شرکت نمود و در سال ۱۳۰۵ بخدمت پذیرفته شد. سپس در بوشهر بسمت رئیس دفتر کارگزینی گمرک کی ایالتی این شهرستان منصوب گردید، پس از چندی بدرخواست شخصی مستعفی شد و توانست دوره دبیرستان را پایان رسانید. و بدلیل علاقه‌ای که برشته پزشکی داشت بدنبال تحصیل این علم رفت، مدت دو سال نیز مقدمات آنرا دید، اما در سال ۱۳۱۲ جزو نخستین دسته سه نفری جهت تحصیل علوم مالی و بانکی از طرف بانک ملی ایران به اروپا فرستاده شد. در آنجا علاوه بر طی دوره علمی بانک های بزرگ، باخذ دیپلم مدرسه عالی علوم سیاسی نایل آمد و پس از مراجعت بایران در بانک ملی ایران مشغول بخدمت شد. و طی مدت کوتاهی بعضویت هیئت مدیره بانک انتخاب گردید و در راه بهبود وضع اقتصادی کشور گامهای مؤثری برداشت. پس از انتصاب مرحوم امیر خسروی بوزارت دارائی بمنظور رسیدگی بامور مالی دولت بوزارت دارائی منتقل و به اروپا اعزام شد و وظایف مختلفی را در کشورهای اروپائی انجام داده، در سال ۱۳۱۹ بایران مراجعت نمود، یکسال بعد بسمت نماینده مالی ایران در هندوستان منصوب گردید و مدت چهار سال در هندوستان اقامت نمود، آنگاه بایران بازگشت و به بانک سپه انتقال یافت و در سمت معاونت سرپرستی این سازمان بکار پرداخت. هفده سال تمام در این سمت خدمت کرد و طی این مدت چندین بار نیز برای شرکت در مجمع عمومی بانک مزبور دعوت شد و در مردادماه ۱۳۴۰ طبق تصویب نامه هیئت وزیران بسمت مدیر کل بانک ملی ایران منصوب شد و تا حال حاضر نیز در همین پست مشغول خدمت میباشد و کمر همت بحل مشکلات پولی کشور بسته و تلاش دارد تا در این راه موفق گردد.

مثلی است مشهور که میگویند: «با نکدار کسی است که پول را بشما وام میدهد درموقعی که هواروشن است و خورشیدمیدرخشد و آنرا از شما پس میگیرد!». از همان لحظه‌ای که باران شروع به باریدن میکند، «اما با فعالیتهای ثابت و روشن، «خوش کیش» خلاف این نظریه عوام پسند را ثابت کرده است. او با کمکهای شایانی که بوسیله بانک باقتصاد ملی و رونق آن کرده نشان داده تا چه اندازه علاقمند به پیشرفت کشور میباشد. وی دارای خصوصیات ممتازی است و همین خصیصه های اخلاقیست که او را کمک نموده تا در کار خود موفق باشد و بسا ذکر عقیده‌ای از وی شرح زندگیش را خاتمه میدهیم، او میگوید «موازن اخلاقی تابع رژیم اقتصادی و اجتماعی بشر است. چه بسا عناصری که دیروز برای آنها کف میزدیم ولی امروز اظهار نفرت می‌کنیم!».»

رجال زیر ذره بین

نصیر عصار

معاون نخست وزیر
وسرپرست اوقاف



● اگر کسی توفیق یا بد که بقلب مذهب خویش
واصل شود، بقلب مذهب دیگران نیز واصل
خواهد شد... آن رهبران مذهبی که تنها به حقانیت ایمان خویش
معتقدند، از درك مذهب خود نیز غافل مانده اند.

« من ایمان دارم که يك دولت ، يك مجلس و یا يك حزب وقتی میتواند به
پیروزی برسد، آمال و آرزو های خود را جامه عمل بپوشاند که، از نیروی پشتیبانی
کامل مردم برخوردار بوده، آنان هیچگاه کمک خود را درمورد آنها دریغ ندارند.»
این طریقه اندیشه مردیست که در حال حاضر در سمت معاونت نخست وزیر و سرپرستی
سازمان اوقاف مشغول انجام وظیفه میباشد و در تحت لوای چنین اندیشه ای هدف
خود را برای این اصل استوار کرده تا اعتماد مردم نسبت بکارها جلب گردد. وی در قبای
يك کارمند ساده اداری فعالیت اجتماعی خود را آغاز کرد و با پیش گرفتن يك راه
صحیح و اصولی توانست بترقیات قابل توحهی نایل آید و با برخوردار بسودن از
اعتماد مردم در قامت سرپرست سازمان اوقاف حافظ قانون ، سعادت و سلامت جامعه
باشد. وی از جمله افراد خود ساخته است. راه ترقی و پیشرفت خود را شخصاً ساخته و
بدون تشبث بدیگران و مقامات عالیرتبه، در مسیر زندگی پیش رفته و توانسته است
ثابت کند انسان با کار و کوشش و نشان دادن لیاقت میتواند به همه چیز و همه جا برسد.
او بسال ۱۳۰۵ تولد یافته است. پدرش سید کاظم عصار از روحانیون و دانشمندان

عصر خود بوده و افتخارش آنکه در دانشگاه تهران سمت استادی داشته و بارشاد دانشجویان اشتغال ورزیده بود.

نصیر با دلسوزیها و رهبریهای چنین پدر خردمندی پرورش یافت و در دامان پرمهر او با علم و دانش خو گرفت و بدنبال تحصیل رفت. او پس از اینکه توانست موفق باخذ دیپلم گردد بدانشگاه تهران رفت و در دانشکده حقوق ثبت نام نموده و در رشته قضائی موفق باخذ لیسانس گردید، پس از آن با اجتماع گام نهاد تا فعالیتهای اجتماعی را آغاز کند. در سال ۱۳۲۵ به استخدام وزارت امور خارجه در آمد و کار خود را با کارمندی ساده بایگانی وزارت امور خارجه شروع کرد و در همین پست ساده چنان لیاقتی از خود نشان داد که پس از مدت کوتاهی دبیری دوم سر کنسولگری شاهنشاهی ایران در اشتوتگارت بوی سپرده شد و او بار و بنه خود را جمع کرده و رهسپار آلمان گشت. پس از آن به ترتیب سمت دبیر سوم نمایندگی شاهنشاهی در شورای عالی متفقین در آلمان - کنسولیاری سر کنسولگری شاهنشاهی در هامبورگ، دبیر سومی سفارت شاهنشاهی در کلن، دبیر اول سفارت شاهنشاهی در آنکارا، معاون سر کنسولگری شاهنشاهی در نیویورک و بالاخره راین سفارت شاهنشاهی در هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد را احراز نمود و این آخرین سمت اداری او در وزارت امور خارجه بود و با انجام وظیفه کامل نشان داد تا چقدر میتواند مسئولیت بدوش کشد و از این روی در بازگشت بایران در دولت آقای امیر عباس هویدا به معاونت نخست وزیر تعیین و مشغول بکار شد و چون در نظر بود که تغییری در کار اوقاف داده شود و این سازمان در تحت نظر نخست وزیری کار خود را دنبال کند لذا آقای امیر عباس هویدا در روز دوازدهم خرداد ماه سال جاری ویرا با حفظ سمت به سرپرستی این سازمان تعیین و به مجلسین معرفی نمودند.

رجال زیر ذره بین

وی با اینکه مدت کوتاهی است سرپرستی سازمان اوقاف را برعهده گرفته است با اینحال توانسته در کار این سازمان دگرگونی محسوسی بوجود آورد و با اجرای يك برنامه صحیح و اصولی اداره امور مختلف سازمان اوقاف را بدست افراد کارداران سپرده و سرعت عمل را در وجود کارکنان این سازمان بوجود آورده است. وی در مورد سازمان اوقاف مطالعات زیادی داشته و از اشخاص ذیصلاح در کار اداره آن میباید. او میگوید: «معتقدات بشر فراوان و گوناگونست؛ نه شما میتوانید دیگران را هم کیش خود سازید و نه خود بکیش دیگران میگرائید ولی اگر هم شما و هم دیگران در کیش و آئین خود تا سرحد کمال پیش بروید قطعاً يك نقطه خواهد رسید.» دیگر از عقاید جالب وی آنست که میگوید «به مجرد اینکه گذشته بصورت تاریخ در آمد باز زمان حال دیگر آن را نمیشناسد.»

بد نیست بدانید که او از علاقمندان واقعی مطالعه میباشد و اوقات فراغت خود را در کنار کتابهای متعدد خود میگذراند و در مجامع مختلف دارای قُرب و منزلتی است، در بین دوستان به شخصیتی صمیمی، فداکار و انسانی با ایده های نو برای بالا بردن اشل اجتماعی کشور مشهور است و تردیدی نیست که زندگی وی که نمونه ای از کار و کوشش و فعالیت مداوم است میتواند سرمشق خوبی برای جوانان کشور ما باشد و نمایان کننده این حقیقت است که از این پس کسانی میتوانند مصدر کارها شوند که از لیاقت برخوردار باشند و بس.

شجاع الدین شفا

سخنگوی دربار و سفیر کبیر ایران



● بدبختی این است که ندانیم چه آرزو-

هائی داریم و برآی رسیدن بآن هزار جور مشقت را تحمل کنیم!...

در سال ۱۲۹۷ در خانواده مرحوم دکتر علیرضا شفا طفلی تولد یافت که شجاع نام گرفت. «علیرضا خان» از پزشکان حاذق عصر خود بود و در شعر و ادبیات نیز دست داشت و آثار زیادی از خود باقی گذاشته که هنوز انتشار نیافته است. دکتر علیرضا شفا از مشروطه طلبان پرشور بود، با سردار اسعد بختیاری روابطی نزدیک داشت. وی از همان اول به تربیت فرزند کوچک خود توجه فراوانی نشان میداد. شجاع با برخورداری از توجهات پدر بدنبال کسب دانش رفت و تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در تهران بپایان رسانیده و از دبیرستان علمیه فارغ التحصیل گشت. در سال ۱۳۱۷ برای گذراندن تحصیلات عالیه رهسپار اروپا گشت و در دانشگاه پاریس در رشته ادبیات ثبت نام نمود. سال ۱۳۲۰ با آغاز جنگ دوم جهانی «شفا» بایران بازگشت و در اداره جدیدالتاسیس تبلیغات و انتشارات در قسمت خبرگزاری پارس اولین فعالیت اجتماعی خود را آغاز کرد. وی تا سال ۱۳۳۰ در این

رجال زیر ذره بین

اداره و انتشارات وزارت کار فعالیت داشت و در این سال بود که بریاست « تبلیغات و رادیو » برگزیده شد. اما در سال ۱۳۳۱ از آن سمت استعفا کرد و به کوشش های مطبوعاتی پرداخت و مدت پنج سال تمام همت در راه انتشار آثاری گران بها گمارد بیشتر آثاری که در چند ساله اخیر از وی نشر گشته محصول تلاش های همین سالهاست. مجموعه آثار تصنیف - تالیف و ترجمه او پنجاه جلد است که این مجموعه تا کنون از مراکز ذیل مورد تقدیر قرار گرفته است . « ریاست جمهوری ایتالیا - آکادمی فرانسه - آکادمی ایتالیا - آکادمی هنرها و ادبیات امریکا - آکادمی علوم اتحاد شوروی - آکادمی های سلطنتی سوئد و بلژیک و هلند - آکادمی های علوم لهستان ، چکوسلواکی مجارستان و یوگوسلاوی - دانشگاه های پاریس ، رم ، هاروارد ، پرینستون ، شیکاگو ، کپنهاگ ، بروکسل ، بوداپست ، بیروت ، کراچی - اتحادیه نویسندگان یوگوسلاوی ، هلند ، لهستان - انجمن آسیائی فرانسه - انستیتوی روابط فرهنگی ایتالیا ، وزارت فرهنگ و علوم هلند و وزارت امور فرهنگی فرانسه . »

در سال ۱۳۳۶ وی با احراز سمت سخنگوی دربار شاهنشاهی باردیگر فعالیت های اداری خود را از سر گرفت و در حال حاضر در همین سمت خدمت میکند و مشاغل دیگری را هم بعهده دارد که عبارتند از سفیر کبیری ایران - رئیس روابط فرهنگی و مطبوعاتی وزارت دربار - دبیر کل کمیته ملی پیکار جهانی با بیسوادی - دبیر کل انجمن ایرانی برادری جهانی - عضو شورای فرهنگی سلطنتی .

وی ازدواج کرده و حاصل این پیوند که بمتار که کشیده شده است دو فرزند بنام های داریوش و علیرضا میباشد و در حال حاضر آنها مشغول تحصیل هستند و پدر تلاش دارد تا آنها را افرادی لایق و خدمتگزار برای اجتماع تربیت کند. شجاع الدین شفا تا کنون پدید یافت نشانهای زیر نایل آمده است . نشان تاج و همایون (ایران) -

نشان لژیون دونور و هنر و ادب (فرانسه) - نشان ویکتوریا (انگلستان) - نشان شایستگی جمهوری وطلای فرهنگ (ایتالیا) - نشان اورانترتاسائو (هلند) - نشان لئوپولد (بلژیک) - نشان دانه سروک (دانمارک) - نشان ستاره شمال (سوئد) - نشان شایستگی (اطریش) - نشان سن گر گوار (هلند) - نشان عالی برزیل - نشان سن مارتین (آرژانتین) جایزه سلطنتی بهترین کتاب سال و جایزه ادبی سخن. وی دکتر افتخاری دانشگاه رم، عضو افتخاری انجمن ادبای فرانسه، عضو افتخاری انیستیتو فرهنگی ایتالیا - عضو افتخاری انجمن خاورشناسی دانمارک است.

در سال گذشته بمناسبت بیست و پنجمین سال سالگرد فعالیت‌های مطبوعاتی وی جشن‌هایی برگزار گردید و بسیاری از محافل و مراکز ادبی جهان این تجدید سال را بوی تبریک گفتند، چنانچه «ژول رومن» توانا ترین نویسنده معاصر اروپا بدین مناسبت در نامه‌ای برای او نوشت «من از صمیم قلب در تجلیل از حیات ادبی شما شریک هستم. زیرا آثار پر ارزش شما چه از نظر خدمت بادب و مقام و اهمیت چند هزار ساله آن و چه از لحاظ تقویت پیوندهای تفاهم و نزدیکی معنوی ایران و مراکز مختلف فرهنگی بین‌المللی بسیار موثر بوده است و مخصوصاً فرانسه از این لحاظ بشما مدیون میباشد.» «شفا تا کنون به بسیاری از کشورهای اروپائی و آسیائی مسافرت کرده و در بسیاری از شهرهای بزرگ دنیا مانند: پاریس - رم - مسکو - وین - بخارست - کپنهاک - لاهه - استکهلم - ریودوژانیرو - یوئوس آیرس - اوتاوا و غیره کنفرانسهای متعددی پیرامون ادبیات ایران داده است که اغلب این کنفرانسهای از رادیو تلویزیونهای مهم جهان پخش شد و بدینوسیله گام بزرگی و موثری بدست او در راه ایران شناسی برداشته شده است.

بتصدیق اهل فن «کمدی الهی» اثر «دانته» که بوسیله او ترجمه شده از

رجال زیر ذره بین

بهترین آثارش میباشد، انتشار این کتاب سیل تقدیر و سپاس را بسوی « مترجم آن » روانه ساخت چنانچه « جوونی گرونکی » ریاست جمهوری ایتالیا در نامه‌ای خطاب بوی نوشت « ترجمه استادانه شما از کم‌دی الهی دانه و خدمتی که از این راه به نزدیکی معنوی دو فرهنگ کهنسال ایران و ایتالیا کرده اید در ما حس احترام عمیقی نسبت باین کار بارزش شما پدید آورده است. » در میان آثار تصنیف وی مجموعه « جهان ایران شناسی » نیز کتاب برگزیده‌ای میباشد و این قسمتی از نظریه يك انجمن جهانیست درباره این کتاب: « تألیف مجموعه عظیم «جهان ایران شناسی» از بزرگترین کارهایست که تا کنون در رشته مطالعات خاورشناسی در تمام جهان انجام گرفته است. انجمن آسیائی فرانسه. »

وی درباره انقلاب بزرگ شاه و ملت میگوید « این يك الزام تاریخی بود که ایران میبایست بخاطر حفظ موجودیت خود در آینده، سازمان اجتماعی خویش را بامکانات عصر جدید مطابقت دهد و این عمل که لازم بود سالها قبل بتدریج انجام شود بیکباره با ابتکار و با حیثیت و قدرت معنوی شاهنشاه درششم بهمن انجام پذیرفت. » در مورد خصوصیات شفا بدن نیست بدانید او آدمی فطرتاً خوش قلب و صمیمی است و آنچه را که از دستش بر آید چه در مورد دوستان واقعی و چه در مورد دشمنانش بدون داشتن کوچکترین توقعی انجام میدهد. در عورده کارها خونسردی بیش از اندازه از خود نشان میدهد و سماجت و پشتکار دیگر از خصوصیات « شفا » میباشد. وی از رجال صدیق و خوشنام کشور ما بوده، که دارای يك شخصیت بین‌المللی است و تردیدی نیست که وجودش برای مردم کشور ما سبب فخر و مباهات است و زندگیش میتواند الگوی بسیار خوبی برای جوانان کشور ما که با حال سرخورده چهار نعل بسوی سقوط پیش میروند باشد تا با سرمشق از این زندگی در راه سعادت گام بردارند و مسلم آنکه آینده بهتر و درخشانتری در انتظار این شخصیت علمی و فرهنگی کشور ما میباشد.

تیمسار علی اکبر ضرغام

مدیر عامل بانک اصناف



● غنی همیشه از صدقه سرفقرا زندگی کرده ، فقرا همیشه از صدقه سراشتیا...

وقانون استحکام اجتماع همیشه همین بوده است .

مردان فعال و مثبت ، شخصیت‌هایی که وجودشان منشاء، خدمات واقعی و اقداماتشان منفید و موثر و ارزنده و مایه تحسین و تقدیر عامه است، همواره از طرف دو طبقه معین مورد عناد و خصومت قرار می‌گیرند. طبقه اول افراد حسود و مغرض که بهر گونه کار و فعالیت ثمر بخش و عاملین آنها طبعاً حسد می‌ورزند و طبقه دوم خود خواهان و سود پرستانند که راه منافع غیر مشروعشان بنحوی از انحاء وسیله خدمتگزاران دلسوز و صدیق دولت سد شده باشد ، آنوقت است که سیل شایعات بی‌اساس و اتهامات ناروا بسوی وزیر یا مدیر یا رئیس مورد نظرشان سرازیر می‌شود .

در سالهای اخیر همین افراد با خصومت شخصی و غرض ورزی، سبب دلسردی بسیاری از خدمتگزاران کشور شدند و چنانچه سر لشکر ضرغام مردی که در تمام دوران خدمات هشت ساله خود در گمرکات همه جا و در هر کاری اقدامات سریع و مثبت انجام داده و با اصلاحات بدیع و غیر منتظره و منفید و موثر دست زده و نتایج عالی از کار و تدبیر و کوشش خود عاید این ملت و مملکت ساخته بود بازداشت گشت و مدتی در

رجال زیر ذره بین

زندان ماند تا توانست بیگناهی خود را ثابت کند .

بدون تردید وی یکی از افراد خود ساخته کشور ما می باشد و از هیچ ، همه چیز بوجود آورده است و زندگیش میتواند سرمشق خوبی برای جوانان عصیان زده کشور ما باشد . وی در سال ۱۲۹۰ در تهران تولد یافت . پدرش نصراله ضرغام ، شغلش کسب در بازار بود و تا پایان عمر وارد فعالیت های دولتی نشد . او تحصیلات ابتدائی خود را در دبستان تربیت پیاپیان رسانیده دوره اول متوسطه را نیز در دبیرستان ثروت سپری کرد و آنگاه بدلیل علاقه ای که بخدمت در ارتش داشت دبیرستان نظام رفت و دوره این دبیرستان را با موفقیت با تمام رسانیده سپس برای ادامه تحصیلات در دانشکده افسری بخدمت پرداخت . آنگاه دوره دانشگاه جنگ را پیاپیان رسانید . پس از آن وی خدمات دولتی خود را در ارتش آغاز کرده کوشید تا با فعالیت بتواند دروازه های موفقیت را بروی خود باز نماید . در همین هنگام - ۱۳۱۹ - وی ازدواج کرد که در حال حاضر چهار فرزند بنام یزدان - علی - محمد و الهه دارد . خدماتی که در ارتش انجام داد او را تا مقام فرماندهی تیپ ، ارتقاء داد و از این زمان - سال ۱۳۳۱ - بود که وی بریاست اداره کل قند و شکر در وزارت دارائی منصوب شد و زندگیش دستخوش تغییر گردید در این مورد او میگوید « در آن تاریخ من عهده دار معاونت فرمانداری نظامی تهران بودم و چون نخست وزیر وقت غالباً با تلفن با من تماس داشت از اینکه دو موضوع یکی در شبانه روز هر موقع مخصوصاً ساعات غیر خدمت که مراجعاتی داشت مرا در پشت میز اداره حاضر میدید و دیگری حضور ذهن کامل در مورد پرونده ها بود ، که در مورد هر کسی سئوالی داشت بدون مراجعه بسوابق متصدیان فوراً جواب گفته میشد در من دید موضوع تغییر شغل مرا پیش آورد که همین انتصاب با اداره کل قند و شکر بود . » ضرغام بمناسبت صداقتی که از خود در اداره کل قند و شکر نشان داد در شهریور ماه

۱۳۳۴ بمديریت کل گمرک منصوب گردید و در فروردین ۱۳۳۶ برای اولین بار پست وزارت گمرکات و انحصارات بسوی سپرده شد و دو سال پس از آن بوزارت دارایی منصوب گردید. در سال ۱۳۴۱ بنا بابتقاضی اصناف وی مدیریت عامل بانک اصناف را پذیرفت و در حال حاضر نیز در این پست مشغول فعالیت می باشد. وی هم چنین از آغاز فعالیت در بانک اصناف وارد فعالیت های حزبی و سیاسی گشته و جمعیت نیروی ملی ایران را بنیاد نهاده که رهبری آنرا اکنون به عهده دارد وی مطالعات بسیار زیادی در رشته اقتصاد داشته و یکی از صاحب نظران اقتصادی کشور می باشد. وی بدریافت چندین نشان مختلف نایل گردیده و بمنظور مطالعه و بازدید بکشورهای امریکا - اروپا ژاپن و چین ملی مسافرت کرده است. وی از شخصیت های قابل احترام کشور مامی - باشد و داری خصوصیات اخلاقی و روحی ممتازی است که قابل توجه می باشد. از عقاید جالبش یکی اینست که میگوید: « هر کس هر چه را از اجتماع می خواهد خودش باید عمل کند، مطمئناً جامعه بزودی زود و پیش از انتظار درست میشود. »

درو وجود ضرغام صرف نظر از جنبه های وطن پرستی و شاهدوستی و علاقه بخدمت و کار - يك نوع تعصب ملی شدید هم وجود دارد که اغلب اوقات همت خود را در اقدامات خویش بر پایه این تعصب بکار برده است و بدون تردید باز هم مردم ما انتظار خدمت از ضرغام را بجامعه دارند و او نیز این انتظار را بر آورده خواهد ساخت.

در خاتمه بدنیست این عقیده او را هم بخوانید که میگوید: من از صمیم قلب به نبوغ خلاقه ملت ایران و مخصوصاً عظمت فرهنگ درخشانی که کشور ما در طول قرون پدید آورده است ایمان دارم، و معتقدم که هیچ وظیفه ای برای نسل امروز کشور بالاتر از این نیست که ادامه دهنده و کامل کننده این میراث بزرگ ملی ما باشند.

رجال زیر ذره بین

هلا کو رامبد

نماینده مجلس شورای ملی



● انسان نباید بوسیله ترس ها و تردید های خود هدایت شود، بلکه عقل و منطق است که او را به آرزوها و مقاصد عالی خود میرساند.

«... همه آنهایی که قصد فرار از این مملکت را ندارند یا امکان فرار برایشان نیست و بزبان دیگر دلشان می خواهد و یا مجبورند همانطور که در این آب حاك دنیا آمده اند در همین آب و خاک هم بمیرند، وظیفه دارند و مجبورند و باید هر وقت بدیها را می بینند بگویند، انتقاد کنند، بنویسند، تشریح کنند و هر مشکلی که در این راه برایشان پیش بیاید با جان و دل بخرند برای اینکه در واقع مملکت فقط مال آنهاست نه مال کسانی که همیشه گذرنامه و اجازه خروج در جیب دارند و همیشه برایشان رفتن از مملکت، از «شابدو العظیم»! رفتن اغلب مردم دیگر آسانتر است.. چون مملکت مال آنهاست، با اینکه از امتیازات و امکاناتش، همیشه دسته دیگر استفاده می کنند باید برای خوب شدن کار مملکت بکوشند. تلاش کنند، حتی فدیة و قربانی بدهند و مخصوصاً در کار سیاست که از حقیقت گوئی و انتقاد تند هیچکس خوشش نمی آید، فدیة زیادتری بدهند تا از بدیها جلوگیری شود و بجائی برسد که مملکت واقعاً فقط مال آنهائی باشد که همیشه می خواهند در آن بمانند...» این نظریك نویسنده مطبوعات و یایك منتقد نیست. بل آنکه يك نماینده مجلس آن را بیان

میکند ، نماینده‌ای که واقعیت رامی‌شناسد و چشم امید، بسیاری بسوی او دوخته شده و او بارهبری گروه اقلیت در مجلس بیست و یکم مشغول ایفای بزرگترین نقش سیاسی میباشد . نامش « هلاکو رامبد » است و چهل و شش بهار را پشت سر گذارده است . وی در درجه اول مرد عمل است و پشتکار و جدیتش در مسائل مختلف گواه بر این مدعی است . او در میان زورمندان وضعفا گشته ، با آنها در کاخ‌ها و دهات خود سخن گفته است . همه آنچه را که دارد - نیرویش ، شهامتش و درایتش را - نظیر بسیاری دیگر از وطن پرستان در راه خدمت و اعتلای کشورش بکار انداخته و تلاش دارد تا در راهی که پیش گرفته موفق شود و بدون تردید آغاز فعالیت نوین حزب مردم مرهون کوشش های شبانه روزی این بازیگر استخوان خرد کرده می باشد . وی در سال ۱۲۹۸ شمسی در خانواده « عمیدالسلطنه سردار اسعد طالش » تولد یافت پدرش « عمیدالسلطنه » از روشنفکران و آزادیخواهان بنام عصر خود بود و در میان مردم طوالتش محبوبیت فراوانی داشت. از این روی تولد هلاکو با شادمانی اهالی روبرو شد و آنان تولد وی را با سرور باطنی جشن گرفتند. وی در پرتو توجهات پدر با آموختن علم و دانش مشغول گردید و تحصیلات متوسطه خود را در تهران دنبال نمود. پس از اینکه تحصیلات عالیه خود را در خارج از کشور بپایان رسانید اولین فعالیتهای اجتماعی خود را آغاز کرد . او بخلاف راهی که دیگر جوانان تحصیلکرده در پیش گرفته و به شغل اداری پناه می بردند تصمیم گرفت از نیروی خود در راه انجام کارهای آزاد استفاده نماید، از این روی به فعالیت، کشاورزی پرداخت و با تجربیاتی بدست آورده بود کوشید تا گامهای موثری در راه ساختن يك زندگی بهتر برای دهقانان ناحیه طوالتش و هشتمین بردارد . بهمین منظور برای رسیدن به هدف عالی خود اقدام بتاسیس دبستان - دبیرستان - بیمارستان و درمانگاه در طوالتش نمود و آنگاه در آغاز سال ۱۳۳۰ شروع به تقسیم املاک خود بطور

رجال زیر ذره بین

رایگان درمیان کشاورزان نمود. وی اولین مالکی است که شخصاً اقدام به چنین کار اصولی و انسانی نموده و بدون شك مردم ایران هیچگاه این عمل پسندیده او را از یاد نخواهند برد. وی بزبانهای ترکی - فرانسه - آلمانی و انگلیسی تسلط کامل داشته و در رشته اقتصاد نیز مطالعات عمیقی دارد. او با همکاری ادارات دولتی گلزاری شهر طوالش را انجام داده ایجاد بسیاری از مراکز عمومی این شهر مدیون زحمات شبانه روزی وی میباشد. از دیگر فعالیت‌های اجتماعی او اداره شرکت هواپیمائی آلتینلیا را می‌توان نام برد که او در اداره این شرکت آن چنان کوششی از خود نشان داد که در سال گذشته پس از تأسیس سندیکای هواپیمائی در ایران وی به اتفاق آراء بدین کلی این سندیکا انتخاب گردید و در حال حاضر نیز سمت فوق را به عهده دارد. در هیچدمین دوره قانونگذاری مجلس شورای ملی او از طرف اهالی هشت پر طوالش به نمایندگی برگزیده شد و طی دو سال خدمت در مجلس آن چنان صادقانه در راه انجام تقاضاهای موکلین خود گام برداشت که هنوز هم مردم از آن به نیکی یاد می‌کنند. در شهریور ماه ۱۳۴۲ مجدداً وی از طرف کنگره آزاد زنان و آزاد مردان کاندیدای نمایندگی گشت که با اکثریت آرا به مجلس راه پیدا کرد و در حال حاضر در بیست و یکمین دوره قانونگذاری مجلس شورای ملی لیدر اقلیت می‌باشد و نطق‌های پرشورش رونق بخش جلسات درویشت و یکم است. هنگامی که او در پشت تریبون مشغول طرح مسالهای می‌باشد سکوت بر سراسر جلسه حاکم شده و همه سراپا گوش میشوند. بدون تردید میتوان ادعا کرد که «هلا کو رامبد» از جمله رجال برجسته سیاسی مملکتی می‌باشد که تا کنون امتیازات ارزنده‌ای در راه خدمات خود بدست آورده است. خودش می‌گوید افتخار من آنست که همه این امتیازات را مردم - آن مردمی که بنان شب محتاج هستند و از مزایای زندگی فقط از زنده بودن آن بهره‌مندند -

بمن داده‌اند و مشوق ادامه خدماتم بوده‌اند .

مهربانی و صداقت از جمله خصوصیات باطنی وی می‌باشد و از علاقمندان واقعی آقائی و والائی ایران و ایرانیست . طی سالهای گذشته کوشیده که با استفاده از تجارب و تحصیلات خود در جهت برآوردن آرزوهای خود اقدامات مثبتی انجام دهد . از عقاید جالبش نکته زیر بسیار شنیدنی است که می‌گوید : « روزگار دریائی است که کشتی زندگانی ما بر روی آن بطرف ساحل مقصود می‌رود و این دریای بزرگ همیشه در جزر و مد است . اگر امروز آرام باشد مسلماً فردا طوفانی خواهد شد . بنا بر این وقتی آرام است باید فرصت را غنیمت شمرد و بسا اشخاصی که در نتیجه غفلت از فرصت استفاده نکردند و در اعماق این دریا فرو رفتند . »

رجال زیر ذره بین

دکتر علی شیخ الاسلامی
رئیس دانشگاه ملی ایران



● زندگی چون صعود از يك قله مرتفع
است، چشم انداز ما در نیمه راه از پایه
قله زیبا تر است و هر قدر این افق وسعت یابد زیبا تر خواهد شد ...

بانی فرهنگ جدید ایران را میتوان میرزاتقی خان امیر کبیر دانست که با تأسیس دارالفنون و استخدام استادان خارجی در حقیقت شالوده نوینی برای فرهنگ ایران ریخت و از یکصد و چند سال پیش، پس از تأسیس این مدرسه وزارت علوم در ایران بوجود آمد که قلمرو آن در حدود مدرسه دارالفنون آغاز و انجام می گرفت ولی با این حال آنچه بود چیزی قانع کننده نبود و علم و دانش در انحصار گروهی بیش قرار نداشت و بعد از نهضت مشروطیت اوضاع علم و ادب نیز تکانی خورد و در این راه جنبشی پدید آمد که سرانجام در دوران سلطنت شاهنشاه فقید با تأسیس اولین دانشگاه در ایران این جنبش به ثمر رسید و راه برای رسیدن بمطلوب هموار گشت، سد بزرگ انحصار علم درهم شکست و نتیجه ای مطلوب عاید گشت. از آن پس توجه بتأسیس مراکز علمی بیشتر بوجود آمد و همین حسن ظن که در سالهای اخیر سبب تأسیس دانشگاههای مختلف در سراسر کشور شد.

اما تنها دولت نبود که دست بدین مهم میزد بلکه مردم هم شخصاً در این راه

پیشقدم شدند و ایجاد « دانشگاه ملی ایران » اولین گامی است در این راه که بدون تردید در آینده بازهم دنبال خواهد شد و مراکز علمی بزرگتری در کشور بوجود خواهد آمد .

يك نظر اجمالی بوضع فرهنگ کشور اهمیت کاری را که شده است بمانشان میدهد و تصویر مینماید که بانیان این اقدام فرهنگی چه خدمت بزرگی بمردم این آب و خاک کرده اند. تردیدی نیست که تاریخ فرهنگ کشورمان این عمل قابل ستایش را ضبط خواهد کرد و از آنان تجلیل خواهد نمود و از همین روی است که ما نیز زندگی دکتر شیخ الاسلامی رئیس دانشگاه ملی را زیر ذره بین قرار داده ایم. وی در سال ۱۳۰۰ در شهر نصف جهان تولد یافت و تحصیلات خود را در همین شهر پایان رسانید و برای ادامه آن به بغداد رفت و درجه اجتهاد را از نجف اشرف بدست آورد. آنگاه در رشته معقول و منقول بدریافت لیسانس نایل گردید. اما او بهمین اندازه آموزش علم قانع نبود و برای کسب بیشتر معلومات رهسپار نیویورک شد و درجه فوق لیسانس و دکتری خود را از دانشگاه نیویورک بدست آورد. وی پس از فارغ التحصیل شدن تدریس علوم را به عهده گرفت و در دانشگاههای مختلف بکار تدریس پرداخت چنانچه یکسال در دانشگاه تهران و سه سال در دانشگاه نیویورک بکار تدریس اشتغال داشت و در این راه بارها مورد تقدیر واقع شد .

وی پس از تاسیس دانشگاه ملی در ایران مدت یکسال در اینجا تدریس می نمود در حالیکه ریاست این دانشگاه را نیز به عهده داشت و در حال حاضر نیز در همین سمت فعالیت دارد . دکتر شیخ الاسلامی دارای ده مدال افتخار از موسسات مختلف ایران و امریکا است . از ذوق ادبی نیز بهره مند بوده و تالیفاتی بشرح زیر دارد :

مقایسه بین شاهنامه و گرشاسب نامه - حقوق ارتقا فی در اسلام - قاعده لاضرر

رجال زیر ذره بین

ولا ضرار فی الاسلام - زندگی سعدی - ایران در جنگ بین الملل دوم و بعد از آن -
معنی رژیم مشروطه ایران در نظر پدر من - قانون جنگ در اسلام - ثبوت و انتشار عهود
و قراردادهای بین المللی .

هر يك از این آثار نتیجه سالها كوشش و تلاش نویسنده آن بوده و بارها مورد
تقدیر واقع شده است .

در مورد خصوصیات وی بدنیت بدانید او قبل از هر چیز منبع يك انرژی
فوق العاده است، بیش از آنچه جثه اش نشان می دهد کار می کند و بقولی معروف او
مشتی از اعصاب است ، اعصابی اشباع شده از نیروی الکتریسته ... باروری و روشنی
فکر خستگی ناپذیر او درخور توجه است و کتابهایی که تاحال نوشته همه سراپا
مشحون از حقایق و لبریز از افکار نغز و پرمغز است . آثارش چون دائرة المعارف
نامنظمی است که عارف و عامی می توانند از آن بهره ها برند . در مورد طرز تدریس
او می گویند او همیشه بدان شاجویان خود می گوید: « شما از من درس نمی آموزید بلکه
طرز فکر کردن را می آموزید . شما باید درباره درستی یا نادرستی هر عقیده ای که
اظهار می کنید فکر کنید » میتوان گفت که او یکی از پربارترین و فعالترین رجال فرهنگی
کشور ما است و بقول دوستانش که می گویند ما هر گز او را بیکار ندیده ایم . گاهی
مطالعه میکند ، گاهی می نویسد ، گاهی درس می دهد و گاهی امور اداری را منظم
می کند ، بنابراین دیگر در شبانه روز وقتی وجود ندارد که او به بطالت بگذراند و این
یکی از گفته های اوست . « کار بالاتر از سرمایه است و ربطی به آن ندارد . سرمایه
تنها ثمره کار است و اگر در آغاز کاری وجود نمی داشت هرگز سرمایه بوجود نمی آمد . »

دکتر آذر ابتهاج

استاد دانشگاه



● آب تاوقتی جاری و در حرکت است
نازه و پاک میماند و اگر آنرا متوقف
سازیم کم کم فاسد و گندیده میگردد ،

زندگی انسان و زندگی يك ملت نیز چنین است .

بدون اغراق زندگی - دکتر آذر ابتهاج - میتواند سر مشق خوبی برای بانوان ایرانی- که زندگیشان در آستانه تحول قرار گرفته و ترقیات روزافزونی در انتظارشان هست- باشد و این موضوع، حقیقت محض و مسلمی است که در آن جای انکار دیده نمیشود . با بررسی مسائل گوناگون اجتماعی که در اطراف ما وجود دارد به حقیقت روشن و معلومی برخورد میکنیم که طرح آن چندان خوش آیند نیست و این واقعیت معلوم، پیشرفت ناچیز بانوان در رشته ها و حرف گوناگون اجتماعی می باشد که می بینیم با همه توجهاتی که طی سالهای اخیر وسیله شخص اول مملکت ما نسبت بفراهم ساختن زمینه مساعد، جهت نمود بانوان بعمل آمده رنان ایران بطور باید و شاید نتوانسته اند موفقیتی شایان توجه بدست آورند. امروز وقتی در طرح بسیاری از مسائل اجتماعی به پیشرفت و موفقیت نسبی بانوئی برخورد میکنیم مسالما آنرا موضوع جالبی دانسته و لازم میبینیم تا آنرا در زیر آگرندیسمان قرار دهیم-

رجال زیر ذره بین

در حالیکه این حقیقت مسلم است که زنان ایران میبایست پیشرفت بیشتری کرده باشند و یاد آور شویم که این ترقی باچه زحمتی بدست آمده است. از این نظر است که بسادگی ادعای مامورد قبول واقع میشود که میگوئیم باید زندگی «دکتر آذر ابتهاج» بعنوان سمبل زنان پیشرو مورد توجه عموم واقع شود. در لابلای حوادث زندگی وی بسیاری از مسائل - از قبیل طریقه مبارزه با زندگی، حل کردن مشکلات، نحوه اداره امور و چیزهای دیگری در این ردیف که اصولاً کمتر مورد توجه گروه بانوان میباشد - وجود دارد که توجه باین مسائل برای عموم لازم است. وی در سال ۱۳۰۶ شمسی در شهر بابل در خانواده ای متمکن تولد یافت. پدرش دندانپزشک مجربی بود و با روشنفکران عصر خود پیوند داشت و به تربیت فرزند خود علاقه فراوانی نشان میداد و میکوشید تا او را همپای زمان تعلیم دهد و بهمین علت بود که وی وقتی کلاس ششم ابتدائی را بپایان رسانید و توانست رتبه اول را در میان کلیه نوآموزان بدست آورد، سبب خرسندی فراوان پدرش شد. بدلیل همین هوش و استعداد سرشار پدر رضایت داد فرزند دلبندش تحصیلات خود را دنبال کند، او را بتهران آورد و وسایل تحصیلات دبیرستانی اش را فراهم ساخت.

آذر سالهای دبیرستان را نیز با جدیت تمام پشت سر گذارد و برای ادامه تحصیلات رهسپار دانشگاه شد و توانست با بهترین نمرات از دانشکده دندانپزشکی فارغ التحصیل گردد و در جامه پزشکی دندان کمر بخدمت خلق بندد. در سال ۱۳۲۹ بخدمت دانشگاه تهران در آمد تا در آنجا بتدریس علم و دانش بپردازد. وی جزء اولین گروه از بانوانی است که افتخار تدریس در دانشگاه را بدست آورده اند و آنان در اولین روز تدریس بحضور ملوکانه باریافته و شاهنشاه این گروه زنان پیشرو را تقدیر نمودند و آذر نیز از عنایات شاهانه بدون بهره نماند.

در سال ۱۳۳۵ وی با ابوالحسن ابتهاج مدیر عامل اسبق سازمان برنامه آشنائی یافت و این آشنائی باز دواج منتهی گشت. در حال حضوری دارای چهار فرزند میباشد که شخصا تربیت آنانرا بهعهده دارد.

وی از اعضاء برجسته جمعیت شورای عالی زنان میباشد و تا کنون در راه انجام امور خیریه اقدامات فراوانی انجام داده است. بد نیست بدانید که وی نیز از نویسندگی بدون بهره نبوده و زمانی نیز مجله دندانپزشکی را منتشر میساخت که بعد ها بدلیل گرفتاریهای خانوادگی از انجام این کار چشم پوشید، از آثار وی تا کنون چند جلد کتاب درسی برای استفاده دانشجویان دندانپزشکی از انتشارات دانشگاه نشر یافته است.

در زمانی که ابوالحسن ابتهاج در زندان بود اداره امور بانك ایران برعهده آذر ابتهاج بود و او در انجام امور بانکی آنچنان قدرتی از خود نشان داد که سبب اعجاب همگان گشت. در حال حاضر آذر علاوه بر تدریس در دانشگاه قسمتی از امور بانك ایران برعهده داد و بدون تردید وی با ابراز لیاقت بیشتر میتواند صاحب آینده درخشانتری باشد.

رجال زیر ذره بین

مهندس عبدالحسین دیلمقانی

مدیر کل آب تهران



● هولناکترین دیوارها آنهایی هستند که در ذهن و فکر ما بوجود می آیند و سبب میشوند که حتی يك سنت خطر ناك و بیهوده باستانی فقط بخاطر آنكه قدیمی و باستان نیست حفظ شود و هر چیز تازه فقط بخاطر آنكه تازه و جدید است مردود گردد.

اگر از «مهندس دیلمقانی» که در حال حاضر با حفظ سمت مدیر کلی سازمان آب تهران مسئولیت عظیمی را بدوش میکشد رمز موفقیتش را پرسید میگوید «نمیدانم درزندگی توفیقی پیدا کرده ام یا خیر و اگر توفیقی نصیبم شده باشد در نتیجه پشتکار و استمرار میدانم و عقیده دارم هر کس درزندگی با مشکلات مبارزه کند و از موانع نهراسد و روحیه قوی داشته باشد و دستخوش وسوسه منفی بافان نشود بالاخره به هدف خود میرسد بشرط آنکه قبلا هدف و مقصود معینی داشته باشد.» وی در سال ۱۳۰۲ در زادگاه ستارخان متولد شده تحصیلات خود را در دبستان ادب و دبیرستان فردوسی تبریز و هنرسرای عالی تهران در رشته مهندسی شیمی پایان رسانیده و بزبانهای فرانسه آلمانی و انگلیسی آشنائی کامل دارد.

وی اولین فعالیت اجتماعی خود را در سال ۱۳۲۳ با کارمندی ساده در شرکت نفت ایران و انگلیس در آبادان آغاز نمود و دو سال تمام در این اداره صمیمانه تلاش مینمود ولی در آغاز سال ۱۳۲۵ از کار خود استعفا داد و در تهران بعنوان مهندس شیمیست جهت تحقیق و تدوین مشخصات تصفیه آب تهران در سازمان آب تهران

استخدام گشت و باشور و علاقه فراوانی کار خود را آغاز نمود، در سال ۱۳۳۵ ریاست اداره تهیه و تصفیه آب منصوب گردید و در سال ۱۳۳۷ ریاست فنی سازمان بوی سپرده شد. در سال ۱۳۴۰ بمعاونت فنی سازمان وقائم مقامی مدیر کل سازمان آب تهران منصوب گردید. و در بیست و دوم دیماه ۱۳۴۱ بود که باخانم شهناز انیسی ازدواج نمود و شکوفه درخت زندگیش پسری است علیرضا نام که باوفوق العاده عشق میورزد. در اسفندماه ۱۳۴۲ که سازمان آب بوزارتخانه تبدیل گشت وی نیز بمدير کلی سازمان آب تهران منصوب شد و تا حال نیز در سمت خود با جدیت فعالیت میکند. وی تا کنون به کشورهای پاکستان- سویس- آمریکا و فرانسه مسافرت کرده و این سفرها اکثر جنبه بازدید و کارآموزی و شرکت در سمینارهای مختلف داشته است. همچنین وی بدریافت نشان ۴ همایون نایل آمده و بمناسبت گشایش تصفیه خانه آب تهران بدست مبارک شاهنشاه مورد تقدیر و عنایات خاص ملوکانه قرار گرفته است.

مهندس دیلمقانی مردی است خوش برخورد- قاطع- مصمم و با اراده- در دوستی صادق است و همین خصیصه ممتاز است که برای او دوستان فراوانی فراهم کرده است- دوستانی که در تمام لحظات زندگی یار و یاور او هستند و این مهم جز بر پایه اعتماد متقابل ایجاد نمی شود.

وی خود را وقف خدمت بمردم کرده- دمی از فعالیت نمیاستد و قدمی از هدف خود که تعالی ملت و ترقی کشور است دور نمیشود و تلاش مینماید تا در این راه سربلند و سرافراز گام بردارد.

دیگر از خصوصیات جالب وی نرمش و آرامی بیش از حد او را میتوان ذکر کرد و بدلیل همین نرمش است که او توانسته دوستان فراوانی برای خود جمع کند و با صمیمیتی که به آنان نشان میدهد از موفقیت برخوردار شده است و بقول رفقاییش

رجال زیر ذره بین

او یا با کسی دست دوستی نمیدهد و یا اگر دستی را فشرده هیچگاه فراموش نخواهد کرد از نکات جالب دیگر اینکه وی دارای حافظه بسیار خوبی است، کافیت یک نفر را فقط یکبار ببیند و چهره او برای همیشه در خاطرش بماند و در این مورد او بحافظه خود بسیار متکی بوده و اغلب نیز کمتر اشتباه میکند و برای همین است که با همه چهره‌های فراوانی که در اطراف او هستند او بشناسائی اغلب این چهره‌ها ایمان کامل دارد. در خاتمه بدنیت این عقیده او را هم بخوانید که میگوید: « ترقی و تنزل و رکود قوای جسمی و فکری یارشد آن تناسب مستقیم با میزان احساس ما از لذت زنده‌گی دارد. بنابراین باید بینش و اندیشه را چنان پرورش داد تا کاری که متضمن خدمت بخلق و جامعه باشد برای مالدت بخش باشد.»

دکتر سید ضیاءالدین شادمان

استاندار تهران



● يك روح بزرگ ، مسلمان سرچشمه بسياری
از غم‌ها و رنج‌ها ، تلخی‌ها و ناامیدی‌هاست .
و شاید بهمين دليل است که اکثر مردم دنیا

بداشتن روحی کوچک قناعت میکنند ،

روز پانزدهم آذرماه سال ۱۳۰۲ در خانواده متدین سیدابوتراب شادمان عالم و روحانی بزرگ طفلی پا بر صه وجود گذاشت که نام او را سید ضیاءالدین گذاردند. پدرش با همه معتقدات مذهبی مایل بود که او با اصول علم روز تعلیم گرفته و مدارج عالی تحصیلاتی را طی کند. وی دوران ابتدائی را در مدرسه رود کی گذراند و تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان دارالفنون سپری کرد، آنگاه رهسپار دانشگاه تهران گشت و در دانشکده حقوق به تحصیل پرداخت و در آن حال خاطر پدرش را ارضاء ساخت تا برای ادامه تحصیلات عالی به رهسپار دیار غرب شود برای حصول این مقصود بار سفر بست و رهسپار پاریس - عروس شهر های اروپا - شد و در دانشگاه پاریس در رشته اقتصاد کارگری و بیمه‌های اجتماعی موفق باخذ دکتري اقتصاد گردید. در بازگشت بایران بارتبه ساده‌اداری و روزارت‌دارایی با سمت حسابدار بخدمت پرداخت و با کمی جدیت و ابراز لیاقت توانست بمعاونت جیره بندی تهران ارتقاء یابد و در این پست آن چنان صداقتی از خود نشان داد که طی مدت کوتاهی به سمت بازرس وزارت

رجال زیر ذره بین

دروازت دارایی ارتقاء یافت. آنگاه مامور خدمت در وزارت کار شد و بسمت بازارس هیئت مدیره بیمه‌های اجتماعی منصوب گردید. کمی پس از آن عضویت هیئت مدیره شرکت سهامی بیمه ایران در آمد و با گذشت زمانی کوتاه با حفظ سمت بمعاونت مدیر عامل شرکت مزبور منصوب گردید. در سال ۱۳۳۸ با همین سمت برای مطالعه در امور مربوط به بیمه بخارج کشور عزیمت نمود و مدت دو سال در کشورهای اروپائی بمطالعه در این رشته پرداخت و پس از مراجعت بایران بمدير کلی وزارت دارایی منصوب گردید چندی نیز مدیریت عامل فروشگاه فردوسی بعده اوسپرده شد چون در این هنگام انتخابات بیست و یکمین دوره قانونگزاری شروع شده بود او از ناحیه جبرفت خود را کاندید نمود و با تصویب کنگره آزاد زنان و آزاد مردان با اکثریت آرای مردم توانست بمجلس راه پیدا کند. در این دوره عضویت هیئت رئیسه مجلس شورای ملی و بسمت کارپردازان انتخاب شد سپس باتغییر دولت بسمت شهردار تهران منصوب و مشغول کار گردید. وی در پست شهرداری تلاش فراوانی برای سامان گرفتن وضع شهر تهران بعمل آورد و کوشش نمود تا مشکلات این اداره را برطرف ساخته و سروسامانی بوضع مغشوش آن بدهد و تا حدی نیز موفق گردید. تا اینکه با تغییر دولت منصور بعلت ابراز لیاقت باستانداری تهران منصوب شد و در حال حاضر نیز در همین سمت کمر همت خدمت بخلق بسته است. وی در سال ۱۳۳۵ ازدواج نموده و دارای ده پسر بنامهای شهاب الدین و حسام الدین میباشد او بزبان فرانسه تسلط کامل داشته و دارای ذوق ادبی فراوانی میباشد و تا بحال دو کتاب از آثارش انتشار یافته اند ۱- يك جلد کتاب درباره مقررات بین المللی والیبال ۲- کتاب دیگری درباره همین موضوع برای درزش بسکتبال. وی از ورزشکاران بسوده و در مسابقات ورزشی بدریافت مدالهای فراوان و هم چنین باخذ نشان درجه ۳ همایون

بعلمت اداره و ریاست فدراسیون والیبال و بسکتبال در سال ۱۳۳۷ نائل شده است. در حال حاضر اوقات فراغت وی به مطالعه، تحقیق و نویسندگی میگذرد و بد نیست بدانید که وی چندی نیز در اداره رادیو مبتکر و مجری برنامه های متعدد رادیویی بوده است و برنامه موفق «شهری دردل شهر ما» که شنوندگان بیشماری داشت از جمله کارهای رادیویی وی میباشد او با همه مسئولیت هائیکه بارش را بدوش میکشد روزها ساعتی را در انستیتوی علوم بانکی با سمت استادی مشغول تدریس بوده و بارشاد خلق اشتغال دارد و با اینهمه میتواند تصدیق کرد که دکتر شادمان بازیگر یست ماهر و با استعدادی که دارد و نشان داده چقدر در انجام وظایف محوله خود کوشاست بدون تردید آینده درخشانیتری را صاحب خواهد بود و با این هدف که رسیدی در کار مهم است و از کودکی او با همین طرز فکر و اندیشه که در هر کاری باید رضایت همگان جلب شود بزرگ شده و با آن خو گرفته در ادعای فوق کوچکترین تردیدی وجود نخواهد داشت. تا شما چه عقیده داشته باشید؟

رجال زیر ذره بین

مهدی لاله

مدیر عامل بانک تهران



● آینده زمان حال را پاره پاره میکند
و گذشته آنها را می بلعد... بیچاره زمان
حال، بدبخت حتی يك دقیقه فرصت ندارد که بخودش بپردازد.

در صحنه اقتصاد ایران «مهدی لاله» از برجسته ترین بازیگران بشمار می آید او چنان نفوذ عمیقی در میان بازرگانان و رجال این کشور دارد که کمتر چهره ای مثل او میتوان یافت که از چنین نفوذی برخوردار باشد.

وی که سالها پیش از این بتنهائی اقدام بتاسیس بانک تهران نمود تنها فقط با تلاش و کوشش توانست این بانک را بصورت يك سازمان بین المللی در آورد تا بتواند هنگام بحران اقتصادی کشور نقش موثری را در برطرف نمودن تورم اقتصادی ایفا کند. او در توده شناسی تبحر بیش از حدی داشته و در شناخت مردم، رسوم، عادات و اخلاق عموم مطالعات فراوانی دارد، آدمی است هشیار و مسائل اجتماعی را بادقت و وسواس زیاد بررسی میکند و از تجزیه و تحلیل حوادث اجتماعی نظرات جالبی را گردآوری مینماید بهمین دلیل است که وقتی يك بررسی کوتاه در زندگی وی بعمل آید میتوان گفت که او از برجسته ترین رجال بازیگر صحنه اقتصاد کشور میباشد. وی در سال ۱۲۸۹ در تهران در خانواده محمد ابراهیم لاله تولد یافت. پدرش از تجار بنام بازار بود و از روشنفکران عصر خود بشمار می آمد و در ردیف آزادی-

خواهان مشروطه طلب قرار داشت و با همه صدماتی که در راه ابراز عقیده کشید دست از تلاش برنداشت و با دوستان آزادیخواه خود مبارزات پرشوری را علیه استبداد بعمل آورد تا جائیکه مدتی در باغشاه زندانی بود.

او تحصیلات ابتدائی خود را در دبستان ثریا و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان شرف سپری کرد و با عالی ترین نمرات موفق باخذ دیپلم گردید و آنگاه چون در خود احساس تشنگی فراوانی نسبت به آموختن دانش بیشتری مینمود برای کسب معلومات رهسپار کشور فرانسه شد و در دانشگاه «استرازبورک» ثبت نام کرد و توانست در رشته علوم ریاضی و فیزیک موفق باخذ دانشنامه گردد و پس از پایان تحصیلات به ایران مراجعت کند.

اولین سمتی که بدست آورد معلمی در دبیرستان های ایرانشهر - دارالفنون و پهلوی بود پس از آن در مدرسه هواپیمائی بتدریس الکتریسته و مکانیک اشتغال ورزید. در این هنگام بود که او تصمیم گرفت فعالیت های آزاد را در پیش گیرد و از این روی وارد کارهای تجارتي گردید و اقدام بتاسیس چندین شرکت، تجارتي نمود. در ۱۶ آذرماه ۱۳۲۱ باخانم قدسیه آقاجانی ازدواج کرد که حاصل این پیوند پنج فرزند میباشد. ادامه فعالیت های آزاد او را بفکرتاسیس يك بانک خصوصی انداخت و در سال ۱۳۳۱ این فکر را با کمک برادر خود ابوالحسن لاله جامه عمل پوشانید و بدین طریق بانک تهران بوجود آمد. از آن بعد وی کوشید تا این بانک را بصورت سازمانی بین المللی در آورد و در این راه تلاش عظیمی را آغاز کرد و پس از چندی بانک تهران بصورت نمونه ای در آمد تا آنجا که در حال حاضر نقش عمده ای را در اقتصاد کشور ایفا مینماید، بمناسبت همین تلاش ها و کوششها بود که در ابتدای سال ۱۳۴۰ از طرف بانکهای خصوصی وی بعضویت شورای پول و اعتبار انتخاب گردید و در حال حاضر

رجال زیر ذره بین

عضویت این شوری را نیز بعهده دارد. وی برای مطالعه در رشته بانکداری تاکنون به کشورهای ایتالیا - ژاپن - فرانسه و انگلستان سفر کرده و از این مسافرتها تجربیات بیشماری اندوخته است، بدنیت بدانید که از بزبانهای روسی - انگلیسی - فرانسه و آلمانی آشنائی داشته و هیچگاه از وجود مترجم استفاده نمی نماید. علاوه بر این وی از طرف دولت فرانسه بدریافت نشان افسیر لژیون فرانسه نایل آمده که این نشان وسیله ژنرال دوگل بایشان داده شده است. از عقاید جالب وی آنستکه میگوید «آنانکه علاقه باصلاح مملکت دارند، نخستین قدم اصلاحی را باید در حدود و ثغور خویش از خود شروع کنند» و از همین روی وی پیوسته نظریات اصلاحی خود را از خانواده و محیط کار خویش آغاز نموده و همیشه با موفقیت تمام کارها را انجام داده است. لاله مردیست در کار خود جدی - خوش اخلاق و خوش برخورد، او به خدمتگزاران نهایت محبت را مینماید و از دغلبازان دوری دارد. در تمام زندگیش نقطه سیاه و گوشه تاریکی وجود نداشته و بجرأت میتوان اذعان نمود که او مدیری مدبر - دوستی مهربان - استادی دانشمند و رفیقی با گذشت است و ما امیدواریم که او بانجام خدمات بیشتری نایل شود.

علی اکبر صفی پور

نماینده مجلس شورای ملی



● هر کس میدانند که دیگران در

قضاوتشان در باره او اشتباه میکنند

غافل از آنکه خودش در باره نظر آنها نیز اشتباه می نماید.

« سالها پیش از میان تپش های قلب سوزان این سرزمین سرود زرینی به طنین افتاد که انعکاس پر شور وادی آن هنوز مثل شعله يك شهاب فضای زمان را می شکافد و حماسه باشکوه يك ملت شوریده را زنده و تابناک نگه میدارد. آ نروز که این سرود آتشین در سکوت سرد و غمناک يك زمانه سیاه به خروش افتاد اینجايك گورستان سوت و کور بیشتر شباهت داشت. در حالی که « غرب » بریالهای رعد و برق به پیش میرفت، در اینجا هنوز اندیشه يك آدم مستبد از چهار دیواری حرم سرا و ورد و خرافات رهایی نداشت و هر روشنائی بجرم روشنائی بودنش محکوم به غروب بود... »

آنچه خواندید قسمتی از عقاید « علی اکبر صفی پور » مدیر مجله امید ایران در باره تاریخ گذشته ایران بود. وی از جمله شخصیت هایی است که دید و نظرش در باره وقایع روزمره مورد قبول محافل سیاسی می باشد. بدون اغراق او از جمله شخصیت های بارز و خود ساخته کشور ماست بطوری که در این مورد خود او اظهار می دارد « من از هفت سالگی از آنهاوند بتهران آمده ، از شاگردی دارو خانه و نقاشی تا بلوها کار را

رجال زیر ذره بین

شروع کرده و درس را دنبال کرده‌ام تا توانستم در مقابل رقبایم که همه ثروتمند و متنفذ بودند موفق شدم و به پارلمان راه یافتم، راز موفقیت‌م را اول پشتکار و امید و دوم درستی و فداکاری میدانم و بطنقه بی بضاعت خاطر نشان می‌کنم که برای رسیدن به مقصود کار کنند و امیدوار باشند حتماً موفق میشوند و از شکست نترسند و همیشه این جمله مشهور ناپلئون بناپارت را بیاد داشته باشند که گفته است پیروزی یک قدم آن طرف شکست است . »

وی در حوت ۱۲۹۹ در نهاوند تولد یافت . پدرش ابوالفتح صفی خانی رئیس بلدیة نهاوند از افراد نیکنام شهر خود بود و وقتی در سال ۱۳۰۸ در گذشت علی اکبر بهترین آمد و تحصیلات خود را شبانه دنبال کرد و پس از اینکه موفق باخذ دیپلم گشت بدان شکده افسری رفت و تحصیلات عالیہ را دنبال نمود ، وی هم چنین دوره دانشکده روزنامه نویسی را بپایان رسانیده و دارای گواهینامه روزنامه نگاری از دانشگاه تهران است و بزبان انگلیسی نیز آشنائی دارد .

او بدلیل علاقه‌ای که بحرفه مطبوعات داشت کار مطبوعات را با نویسنده گی آغاز کرد و از سال ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۱ نویسنده روزنامه اطلاعات بود و در سر ویس خبری این روزنامه فعالیت بیسابقه‌ای از خود نشان داد و پس از آن در روزنامه نبرد، ایران‌ما و اقدام فعالیت مطبوعاتی را دنبال کرد و بعد از آن سردبیری مجله بدیع را به عهده گرفت . وی در سال ۱۳۳۲ عضویت هیئت تحریریه مجله خواندنیها را پذیرفت و در همین هنگام بود که توانست اجازه انتشار « امید ایران » را بدست آورد و از آن بعد تلاش خود را در راه پابرجا گشتن این نشریه بکاربرد و ضمناً وی اولین مبتکر صفحه نایلوئی در ایران می‌باشد که مدت دوماه برایگان صفحات خوانندگان رادیو را منتشر مینمود که بعلت گمرک زیاد ناچاراً از ادامه انتشار « نشریه آوازه خوان ! » چشم پوشید .

وی از ذوق نویسندگی برخوردار بوده و از تالیفات وی دوستی شوم یاسزای بدکاری
منتشره در سال ۱۳۱۷ و عشق و جنایت می باشد از روزی که با سیاست آلودگی یافته قلم
خود را فقط در راه تصویر دردهای مردم بکار انداخته است و مقالات پر شور امید ایران
گواهی بر این مدعی است.

وی جهت بازدید بکشورهای شوروی - آلمان - انگلستان - اسکاندیناوی -
سوئیس - فرانسه - هلند و سایر کشورهای اروپا و در التزام رکاب شاهنشاه بکشورپاکستان
مسافرت کرده است. وی بمناسبت خدماتی که برای مردم نهاوند انجام داده بود بوسیله
کنگره آزاد مردان و آزاد زنان بسمت کاندیدای نمایندگی دوره بیست و یکم قانون
گزاری تعیین گشت که با اکثریت آرا توانست بمجلس راه پیدا کند و در حال حاضر
علاوه بر اداره مجله امید ایران مشغول انجام کارهای موکلین خود می باشد. او تمام
اوقات فراغت خود را صرف رفع مشکلات مردم نهاوند کرده و کوشش مینماید تا
بتواند وظیفه نمایندگی مجلس را بخوبی انجام دهد و بقول خود نزد همشهریان
روسفید باشد.

بد نیست بدانید که وی در اسفند ۱۳۳۲ با خانم بهجت الزمان ازدواج کرده و
سه فرزند بنامهای پروانه - صفی دخت و مهدی دارد و از زندگی خانوادگی خود بسیار
راضی است.

از خصوصیات جالب وی جلب اعتماد مردم و ایجاد وحدت و یگانگی در میان
مردم و سعی و کوشش در انجام وظیفه میباشد و احساس مسئولیت نیز از هدفهای او
بوده و تردیدی نیست که آینده درخشانتری در انتظار این روزنامه نویس برجسته
می باشد.

رجال زیر ذره بین

مهندس تقی سرلك

شهردار تهران



● مردم ضعیف همیشه در باره ضربات
که می‌خورند مبالغه می‌کنند چون این
ضربات را با کوششی که از خودشان ظاهر می‌شود می‌سنجند.

در تهران پر آشوب و پر ماجرا هزارویک مساله سخت و مشکل وجود دارد که حل آن بهمت شهرداری بستگی پیدا میکند. ارزاق گران است، اصناف اجحاف می‌کنند، اسفالت خراب است، وضع رفت و آمد در شهر مناسب نیست و صدها مساله دیگر از این قبیل که از جمله چیزهایی است که شهردار در مقابلش مسئولیت مستقیم دارد. همه خوب و بد حادثه به او ناشی میشود و در سالهای اخیر ما کمتر شهرداری را دیده‌ایم که توانسته باشد رضایت مردم را در مقابل انجام وظیفه خود بدست آورده باشد و وقتی کارنامه شهرداری را در سالهای اخیر بررسی می‌کنیم با این حقیقت بنحو بارزی برخورد می‌کنیم. اما باموشکافی می‌توان ادعان کرد که علت عدم موفقیت شهرداران پیشین بمناسبت عدم آشنائی آنها با وضع شهر بوده و بس! تهران بشهرداری نیازمند است که او را مثل خانه خودش بشناسد، بگوشه و کنارش آشنا باشد و با دردیگانه نباشد. مهندس تقی سرلك که در تهران در سال ۱۲۹۰ خورشیدی متولد شده و با این حساب شهرداری تهران قبائی است که برارنده او ساخته شده چون بالاخره بمعنای واقع تهران شهر خودش است و او که قسمت اعظم تحصیلات خود را در همین

شهر پایان رسانیده با آن بخوبی آشناست و می داند گرفتاریهای مردم چیست و آنان چه توقعاتی از شهر داری دارد .

وی با اینکه از دانشکده حقوق و علوم سیاسی فارغ التحصیل گشته و مریدست که با امور سیاسی آشنائی فراوانی دارد عنوان مهندس مکانیک را از یکی از دانشگاههای معتبر اروپا نیز بدنبال خود می کشد و حقیقتاً بدست آوردن این تیترا مهندسی با سالها زحمت و کوشش حاصل شده تا او موفق گشته است که با عالیترین نمرات و چندین تقدیر نامه گوناگون به چنین موفقیتی دسترسی یابد . او کار دولتی خود را با خدمت در راه آهن آغاز کرد، بر اثر شایستگی و ابراز لیاقت مدارج ترقی را بسرعت طی کرد و طی مدت کوتاهی عضویت هیئت مدیره و پس بمدير کلی راه آهن منصوب گردید که در این پست مصدر خدمات شایان توجهی گردید . وی درست ۵ سال تمام در کابینه های مختلف در مقام معاونت وزارت راه مشغول انجام وظیفه بود و در پایان این مدت بسمت معاونت سازمان بر نامه برگزیده شد . تلاشی که در این راه از خود نشان داد پست وزارت صنایع و معادن را برای او بارمغان آورد و او برای اولین بار بر صندلی وزارت تکیه زده پس از آن تصدی مدیریت عامل سازمان آب و برق آذربایجان بدست وی سپرده شد . آخرین سمت وی پیش از انتصاب بشهرداری تهران استانداری گیلان بود که وی در استان گیلان زحمات فراوانی کشید که هنوز در خاطر مردم این سرزمین هست . مسئولیت هائی را که وی تا کنون بعهده داشته است بیشتر با اطلاعات فنی او متناسب بوده و در حقیقت می توان گفت که او از تجربیات خود همیشه مساعدت گرفته است و در حال حاضر نیز تلاش دارد تا در شهرداری تهران وجودش مثمر ثمر باشد .

از خصوصیات ظاهری اش شیک پوشی و آراستگی توأم با وقار اوست . بمجرد دبر خورد باوی انسان بی اختیار باین همه حسن سلیقه و متانت بادیده تحسین می نگرد . از نظر

رجال زیر ذره بین

اخلاقی هم اودارا سجایای بسیاری است . ادب و متانتش زبانزد خاص و عام بوده و در رفیق بازی و پا کبازی بی همتاست . اودر باره انقلاب تاریخی ششم بهمن می گوید که « خواه و نا خواه سنت های کهنه بایستی شکسته شده و در موارد دیگر اجتماعی نیز باشکست آن مظاهر پوسیده قوانین ، باید سنت های نوینی را جایگزین آن کرد . » و معتقد است که انقلاب ششم بهمن را میتوان از جمله همین سنن جدید و نوین بشمار آورد و سعادت ملت ایران ضامن اجرای این قوانین است .

مهندس سر لك از جمله مردان بسیار خوش برخورد - خلیق و مهربانست و همین رویه در آدمی این توهم را ایجاد مینماید که وی سالهاست با انسان دوست می باشد . او عشق را مایه پیشرفت در هر کار میداند و دارای روح گذشت و بزرگواری خاص خود می باشد . بدوستان و دشمنان هر دو محبت می کند و معتقد است که با محبت می توان انسانها را بوظایف خود آشنا نمود .

حال با این خصوصیات روحی و سجایای اخلاقی می توان قضاوت کرد که آیا « سر لك » می تواند در کار اداره امور شهر موفق شود یا نه ؟

سید محمد علی مرتضوی

نماینده مجلس شورای ملی



دولت‌های بزرگ پیوسته متکی بملت هستند
ملت را دوست دارند ، چشم طمع بمال آنها
ندوخته‌اند و از این‌روی به آراء عمومی ملت و
عقاید جوانان خود پشت می‌دهند نه بزور قدرت وزارت جنگ و پلیس

وی روز بیست و نهم شوال ۱۳۳۷ قمری در خانواده سیداحمد مرتضوی تولد یافته است. پدرش تجارت را پیشه خود ساخته بود و مدت دوازده سال تمام ریاست اطاق بازرگانی شهرستان اهواز را به عهده داشت. او از بنیان گذاران شهر اهواز بود و از خطاطان بسیار ماهر عصر خود بشمار می‌آمد نستعلیق و خط شکسته را بسیار زیبا می‌نوشت و در راه کسب علم و دانش بر طریق معمول زمان خود و برای احراز مقام معلمی کوشش فراوانی داشت و بر همین اساس در فقه، اصول، طب و نجوم ذوقی وافر داشت. سید محمد علی در دامان چنین پدری با عقاید مذهبی پرورش یافت، تحصیلات ابتدائی را در دبستان دانش پهلوی در زادگاهش و دوره اول متوسطه را نیز در دبیرستان شاهپور با تمام رساند، سپس به تهران آمد و از کالج آمریکائی موفق باخذ دیپلم گشت، پس از آن بدلیل علاقه‌ای که به سیاست داشت در دانشکده حقوق ثبت نام نمود و بانمرات عالی باخذ لیسانس نایل گردید. در سال ۱۳۱۹ او اولین فعالیت اجتماعی خود را آغاز کرد و کارمندی وزارت بازرگانی را عهده‌دار شد، پس از آن به ترتیب در مشاغل زیر عهده‌دار خدعت گردید، معاون رئیس دفتر مدیر کل

رجال زیر ذره بین

دارائی میسیون د کتر میلیسپو - مدیر عامل شرکت سهامی رفاه خوزستان - شهردار انتخابی اهواز - وی علاوه بر این مشاغل عضویت نظارت انتخابات مجلسین - شورای فرهنگ شهرستان - انجمن ایالتی و ولایتی - شیر و خورشید سرخ - پیشاهنگی - باشگاه لاینز - اطاق بازرگانی را نیز عهده دار بوده است در زمانی که او عضویت اطاق بازرگانی را بعهدہ داشت طرح تجهیز بندر خره شهر و تمرکز امور صادرات و واردات سال را - ۱۳۲۴ - تنظیم نمود که از خدمات وطن پرستانه وی می باشد. همچنین طرح عمران خوزستان براساس کشاورزی و تقسیم اراضی خالصه از جمله ابتکارات او است. وی بکشورهای عراق - عربستان - سوریه و لبنان مسافرت کرده و بزبان های انگلیسی و عربی تسلط کامل دارد. در اردیبهشت ماه ۱۳۲۹ با خانم طلعت هادی ازدواج نموده و اکنون فرزندان او بنامهای شهرزاد - احمد - شهریار - مجتبی و ابراهیم نامیده میشوند.

بد نیست بدانید که او از ذوق نویسندگی نیز برخوردار بوده و کتاب «یکماه ماموریت تاریخی برای ملی کردن صنعت نفت» از تالیفات برجسته او می باشد. در حال حاضر بمناسبت خدماتی که در شهرستان اهواز انجام داده از طرف اهالی به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گشته و در دوره بیست و یکم قانونگذاری خدمتگزار «شاه و ملت» می باشد. وی از صاحب نظران برجسته سیاسی بوده و در میان دوستان خود محبوبیت فوق العاده ای دارد. جالب است این عقیده را از او بخواهید که در باره یک حکومت بد چنین اظهار نظر میکند «یک حکومت بد همیشه تا آنجا به - ماندن - خود پافشاری میکند که بنظر آید تعویض آن آسانتر از ترمیم آنست» و در لابلای همین جمله کوتاه میتوان شخصیت برجسته نماینده اهواز را در بیست و یکمین دوره قانونگذاری سنجید. او رمز توفیق خود را در عشق بخدمت - انسان -

دوستی انسان ها - روح مثبت - علم دوستی و جستجوی آزادانه حقیقت - اعتقاد به آینده و فعالیت خستگی ناپذیر میداند. او اوقات فراغت خود را بمطالعه و بحث بادوستان سپری میکند و معتقد است انسان هر چه بیشتر بیاموزد باز هم نیاز بآموختن بیشتر دارد و در خاتمه بدن نیست این عقیده او را هم بخوانید که میگوید: « سرزمین ما آینده ای درخشان دارد که بی شبهه بیش از گذشته افتخاراتی در بر خواهد داشت . نسل جوان باید دین خود را بایران از راه پایه گذاری آینده ادا کند، رمز موفقیت در این راه علم و فن از جهتی و تقوی و فضیلت و شور و شوق و ایمان از جهت دیگر است » تا شما چه عقیده داشته باشید ؟

رجال زیر ذره بین

شجاع الدین ملایری

مدیر عامل شرکت واحد اتوبوسرانی



● بی نیازی بسیار و نیروی روانی فراوان می خواهد که کسی از پیروزی يك حقیقت و از پیروزی يك چیز خوب دلشاد شود ، حال آنکه بدانند پیروزی این حقیقت ، روشنائی فردای او را تباه خواهد ساخت و آینده او را یکسره نابود خواهد کرد.

پس از اینکه جنگ دوم جهانی پایان رسید عده ای بر اثر زدوبند، احتکار کردن ارزاق و مایحتاج عمومی بندوبست با مقامات اداری توانستند صاحب جاه ، دستگاه و مقامی شوند. این عده از هر فرصتی برای بدست آوردن منافع بیشتر استفاده مینمودند و با پول باد آورده خود همه کار می کردند ، عیاشی - هرزگی - انحراف و قبایح بیشماری که ارمغان بعد از جنگ وزندگی بی بندبار آنها بود. اولین کسی که قلم خود را در راه شناساندن این چهره های « نو کیسه » بکار انداخت « شجاع الدین ملایری » بود که با فانتزی های شیرین و خواندنی خود در تحت نام مستعار « شما » جنگ با این تازه بدو رون رسیده ها را آغاز کرد و ماسک از چهره های آنان برداشت. سالها در مطبوعات قلم زد و مشتی فراوان خواننده را علاقمند آثار خود ساخت و آنگاه که ریاست هیئت مدیره شرکت واحد اتوبوسرانی را پذیرفت با قلم وداع کرد و چند سالست که علاقمندان نوشته های خود را در حسرت گذارده است. وی در ملایر بسال ۱۳۰۰ در خانواده شیخ الاسلام ملایری تولد یافته است. پدرش که از روحانیون بزرگ عصر خود بوده فرزند را با اصول و معتقدات مذهبی پرورش داد

او در ملایر تحصیلات ابتدائی را پایان رسانید و برای ادامه تحصیلات بتهران آمد و هنگامیکه شانزده بهار را در پشت سر گذارده بود در حین اشتغال بمتحصیل به فعالیت اجتماعی تمایل پیدا کرد و بخدمت در جامعه مطبوعات در آمد و با اینکه بدست آوردن «میدان رشد» در جامعه مطبوعات را خیلی مشکل بود زود توانست نشان دهد که برای خدمت در این جامعه لیاقت کامل دارد و همین تصویر استعداد ذاتی بود که جاده موفقیت را برای او هموار ساخت و طی مدت کوتاهی توانست توجه سردبیران جراید و خوانندگان روزنامه هارا به آثار خود جلب کند، گرایش بکارهای مطبوعاتی او را از ادامه تحصیل باز نداشت و او پس از اخذ دیپلم رهسپار دانشگاه گشت و در دانشکده ادبیات به تحصیل علم و دانش پرداخت، در همان حال که قلم میزد بحفظ حدود و ثغور کشورها پرداخت و با عالترین نمرات موفق باخذ لیسانس شد، پس از آن بخدمت وزارت کشاورزی در آمد و بارتبه ساده اداری فعالیت اجتماعی خود را آغاز کرد. بعد از مدت کوتاهی او بوزارت کشور انتقال یافت و در سال ۱۳۳۰ برای اولین بار برای شرکت در کنفرانس بین المللی ضد فحشا از طرف وزارت کشور رهسپار پاریس شد، هنگام بازگشت از این کنفرانس سفرنامه شیوائی از دیدنیها و شنیدنیهای عروس فرنگستان بخوانندگان مطبوعات تقدیم کرد که انتشار این یادداشت ها هنگام خود با سروصدای زیادی روبرو شد و شرح این خاطرات تا مدتها نقل محافل و مجالس بود،

وی چندبار دیگر برای شرکت در کنفرانسهای مختلف بین المللی بکشورهای خارجی مسافرت کرد و هر بار از این سفرها تجربیات فراوانی بدست آورد. مشاغلی که وی از بدو خدمت تا کنون بدان اشتغال داشته به ترتیب عبارتند از «معاونت دفتر کل وزارت کشاورزی» - بازرس وزارت کشور - معاون اداره دادگاهها و مستشاری وزارت

رجال زیر ذره بین

کشور - رئیس اداره نمایش - رئیس اداره سیاسی - رئیس اداره اطلاعات - سرپرست دفتر کل - رئیس اداره کارگزینی - مدیر کل امور اداری - مدیر کل سیاسی و انتظامی - مشاور و بازرس عالی - قائم مقام وزارت کشور در شهرداری تهران « در زمانیکه وی معاونت وزارت کشور را بعهده داشت با حفظ سمت بمديریت عامل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه برگزیده شد و تاحال در این سمت مشغول فعالیت است، از خصوصیات جالب روحی و اخلاقی شجاع، طنز و زخم زبان نیشدارش رامیتوان ذکر کرد که با این خصیصه او در خیلی از مسائل اجتماعی دقیقتر و هشیارتر از دیگر همکاران خود بشمار میآید و در حقیقت او یک دائرة المعارف کامل از مجموعه حوادث بیست ساله گذشته ایران میباشد. کوچکترین واقعه سیاسی را در خاطر داشته و با تاریخ و علل آن برایتان ذکر میکند و همین صفت بارز است که او را یاری کرد تا در کار اداره امور شرکتی چون واحد اتوبوسرانی موفق باشد. دیگر از خصوصیات جالب وی دوست پرستی بیش از اندازه اش را میتوان ذکر کرد که بقول معروف او در دوستیابی «دیل کارنگی» را هم شکست داده است زیرا کسی نیست که کوچکترین رنجشی از «شجاع» در دل داشته باشد و در راه دوستی اگر از دستش بر آید از بذل جان هم دریغ ندارد. دوستان شجاع متفق القولند که او موجودیست دوست داشتنی و آرزوی احراز مقامات مهم و مناصب بزرگی برایش دارند .

غلامرضا سلحشور

مدیر کل ثبت تهران



● وقتی انسان ببری را بکشد اسمش را ورزش و مردانگی میگذارند و وقتی ببری انسان را درید اسم اینکار را توحش و آدمخواری می نهند، اختلاف جنایت و عدالت هم در قاموس بشر از این بیشتر نیست .

وقتی در خانواده ای کهن و معتقد باصول و مبانی اخلاقی و دین فرزندی بدنیا آید، او نیز از صفات عالی و ملکات فاضله همان خانواده سهمی خواهد برد و اگر این نورسیده در اوایل کودکی بتواند به نزدیکان و اطرافیان ثابت کند که در سطحی بالاتر از دیگران فکر میکند و به چیزهای بزرگتری میاندیشد، آنان باین عقیده ایمان خواهند آورد که او در آینده شخصیتی برجسته خواهد شد و باز اگر این نورسیده دوران تحصیل خود را با بهترین وضع بیایان رساند سبب می شود که همه با دیده احترام باو بگردند و تردیدی نیست این شخص پس از آنکه گام با اجتماع نهاد خود را وقف خدمت به مردم خواهد کرد و در طریقی جز راه سعادت عموم قدم بر نخواهد داشت و مثال زنده ایست در این مورد زندگی غلامرضا سلحشور که در حال حاضر وی در سمت مدیر کلی ثبت تهران خدمتگزاری خلق را بر عهده دارد .

حاصل کند و کما در زندگی وی شرحی است مختصر که در زیر از نظر شما میگذرد و با خواندن آن نظر ما را تصدیق خواهید کرد .

وی پس از اینکه تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را بیایان رسانید رهسپار

رجال زیر ذره بین

دانشگاه تهران شد و در دانشکده حقوق ثبت نام کرد و در سال ۱۳۲۱ در رشته علوم سیاسی و اقتصادی از این دانشکده فارغ التحصیل گردید. آنگاه بخد مت دولت درآمد و در داد گستری بکار پرداخت و اولین سمتی را که بعهده گرفت دادیاری دادرسی شهرستان تربت حیدریه بود. پس از آن بمعاونت دادرسی شهرستان مشهد برگزیده شد. پست بعدی وی ریاست محکمه بخش و شهرستانها اعم از حقوقی و جزائی بود و آنگاه در پست های دادرسی علی البدل، باز پرس و ریاست کل بدایت درمرکز و شهرستانها خدمت نمود و در این مشاغل مصدر خدمات شایان توجهی گردید و در سامان گرفتن عدالت گامهای موثری برداشت و تلاش کرد تا پیوسته جانب «حق» رعایت گردد.

در سال ۱۳۳۰ به تهران منتقل گردید و پست ریاست دادگاه شهرستان بوی سیرده شد. با کمی فعالیت در این سمت مقام قضای دادرسی انتظامی قضات بوی تفویض گردید و بعداً پست ریاست کل دفتر وزارت را اشغال و مشغول انجام وظیفه شد. در این هنگام باتغییراتی که در پست های مختلف وزارت داد گستری داده شد او نیز بسمت دادستان خراسان و ریاست کل تشکیلات داد گستری استان نهم منصوب گردید و در حوزه ماموریتی خود صمیمانه بخد مت پرداخت و کوشید تا در وضع نابسامان عدالتخانه استان نهم تحول و دگرگونی بوجود آورد و در این موقع برای انجام بازدیدی به آمریکا مسافرت نمود و در سال ۱۳۴۰ پس از بازگشت از خارج از کشور بسمت قضای دیوانعالی کشور منصوب گردید و قبل از تصدی مدیر کلی ثبت اسناد تهران این آخرین سمت اداری وی بود.

تغییرات فراوانی که در سازمان ثبت تهران برابر با احتیاجات مردم داده شد، اقدامات مجدانه ای که در جهت رفاه ارباب رجوع برداشته شده و در سیستم اداری با استخدام کارمندان جوان و فعال تحولی بوجود آمده و صدها اقدام موثر دیگر که

به پیروی از نیات عالیّه شاهنشاه انجام شده همه و همه نشانه فعالیت‌های صمیمانه و خدمات صادقانه آقای غلامرضا سلحشور است که وی با درایت و بصیرت ذاتی و خدادادی خود توانسته است با انجام چنین خدمتی نایل گردد.

وی در سال ۱۳۳۹ جهت انجام مطالعاتی در امور قضائی با امریکامسافرت کرده و در ۱۸ ایالت این کشور در کنفرانس‌های مختلف شرکت کرده و با مقامات مختلف قضائی آن کشور از نزدیک آشنائی کامل برقرار ساخت. همچنین بکشورهای مختلف دیگر مانند انگلستان - فرانسه - سویس و ایتالیا نیز سفر کرده و از این سفرها تجربات بیشماری در امور قضائی اندوخته است. او متاهل بوده و دارای چهار فرزند است، از وضع خانواده گی خود رضایت کامل داشته و خوشبختی خود را مدیون خانواده خود میداند.

از عقاید جالب وی بد نیست بدانید که میگوید: «اگر ازدام خودپرستی که مهمترین مانع خوشبختی ما است: رهایی یابیم و برای مساعدت دیگران ازدل و جان بدون دریغ بکوشیم دنیای ما بهشت برین می گردد و اینهمه فلاکت و بدبختی که چون خارهای جانگداز در دل و جان ما میخلد و جسم و روحمان را در عذاب دارد از میان میرود و این بمثابة تفاوت بهشت و جهنم است که در بهشت همه می کوشند تا آنچه دارند بدیگران بدهند ولی در جهنم همه در این اندیشه اند که کلاه دیگران را ربوده و هستی شان را بتاراج ببرند.» از لابلای همین جمله بسیاری از خصیصه های برجسته این قاضی شجاع نمودار میگردد. رویهمرفته اگر صراحت - درستی - وطن پرستی - حسن خلق - مردم داری را با ضافه تجربه و کاردانی بیامیزیم از آن خصوصیات سلحشور بوجود خواهد آمد و تردیدی نیست که آینده بهتر و درخشان تری در انتظار این قاضی شجاع و خدمتگذار خواهد بود.

رجال زیر ذره بین

مهندس غلامحسین همایون

مدیر کل شرکت معاملات خارجی ایران



● پیروزی و موفقیت معمولاً در انتظار کسانی است که با اقدام میپردازند. پیروزی برای کسانی که ترسو و ملاحظه کار هستند در انتظار نمی ماند و باید دانست که همیشه کارهای بزرگ همراه با مخاطرات بزرگ انجام شده است.

قوه و قدرت اقتصاد هر کشوری تابع رقم صادرات و واردات کالاهای آنست و در ایران نیز نیمی از این قوه و قدرت در دست شرکت معاملات خارجی ایران است که این شرکت دولتی، بکار صادرات و واردات نظارت مستقیم دارد و تحولی که در سالهای اخیر در کار آن بوجود آمده مرهون زحمات بی شائبه « مهندس غلامحسین همایون » مدیر عامل آن میباشد که با پیش گرفتن فعالیتی صحیح و اصولی توانسته است خدمتی نمایان توجه بنماید. احتیاجی نیست تا درباره خدمات قابل توجه وی در اینجا مطلبی نوشته شود زیرا از بحث ماجداست اما از آن نظر که او آدم گوشه گیری بوده و با همه فعالیتها کمتر مطلبی از او درجراید نوشته شده است مروری در زندگیش مطالب جالبی را بیان می کند و حیف است که شما سر گذشت او را از زبان خودش نخوانید و ارشته سخن را بدست وی میدهیم تا او زندگیش را برای شما تعریف کند.

من مهندس « غلامحسین همایون » هستم. در سال ۱۲۹۴ شمسی در تهران متولد شده ام. تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در همین شهر به پایان رسانیده و در سال ۱۳۱۰ از دبیرستان علمیه موفق با خد دیپلم شده ام. در دوران تحصیل شاگرد ممتازی

بوده‌ام و این مطلبی است که حتی آنهایی که با من هم‌دوره بوده‌اند آنرا اذعان دارند و تقدیرنامه‌هایی که از دوران تحصیل بیاد دارم شاهد زنده‌ای برای این ادعا می‌باشد پس از اینکه دیپلمه شدم بدلیل علاقه‌ای که بکارهای صنعتی داشتم به هنر سرایعالی رفتم ورشته عالی مهندسی برق و ماشین آلات را انتخاب کردم و یک دوره آموزشی کامل را پشت سر گذاردم و در سال ۱۳۱۹ بود که با اخذ دیپلم مهندسی فسارغ التحصیل شدم . حال وقت آن بود که بکارهای اجتماعی روی بیاورم و اولین کاری را که درپیش گرفتم خدمت در کارخانجات انحصار دخیانیات - سال ۱۳۱۹ - بود . اولین سمت من کارمندی ساده در این اداره بود و پس از آن معاونت شعبات فنی انحصار دخیانیات بمن سپرده شد و با کمی خدمت صادقانه توانستم اعتماد بسیاری را جلب کنم و بهمین دلیل پس از تغییراتی که در کادر وزارت پیشه و هنر داده شد ریاست اداره آموزش این وزارتخانه بمن محول گشت و من نیز کوشیدم تا در این راه هم نشان دهم تا چقدر لیاقت دارم . کمی بعد بوزارت کار انتقال یافتم و سرپرستی اداره آموزش این وزارتخانه بمن سپرده شد و سمت بعدی من ریاست اداره اوزان و مقیاسات دروزارت اقتصاد بود و بعد از آن مدیر کلی این وزارتخانه را احراز نمودم و مدیر کلی وزارت بازرگانی مقام بعدی من بود که باز هم مجدداً مدیر کلی وزارت اقتصاد بمن سپرده شد و در فروردین ماه ۱۳۴۳ بود که بسمت مدیریت کل شرکت معاملات خارجی منصوب گشتم و در حال حاضر در همین سمت فعالیت دارم و می‌گویم تا بتوانم بنحوا حسن انجام وظیفه کنم . در مورد زندگی خانوادگی باید بگویم که در سال ۱۳۳۲ ازدواج کرده‌ام و از وصلت صاحب دو پسر شده‌ام و آنان را فوق العاده دوست می‌دارم . درباره سفرهای خودم بکشورهای خارجی باید بگویم در ماموریت‌های زیر شرکت نموده‌ام : کنقرانس و معاملات خارجی در سال ۱۳۳۷ جهت شرکت در نمایشگاه بین‌المللی در افغانستان - در سال ۱۳۴۰ جهت عقد قرارداد بازرگانی به افغانستان - در سال ۱۳۴۲ برای تنظیم

رجال زیر ذره بین

قرارداد بازرگانی مجدداً به افغانستان - در همان سال برای انعقاد قرارداد بازرگانی به پاکستان و سیلان و در سال ۱۳۴۳ جهت معاملات بازرگانی به ترکیه :

در مورد برنامه آینده ام باید بگویم که هم اکنون مشغول تهیه طرحی هستم که با همکاری وزارت اقتصاد اجرا خواهد شد و بر اساس این طرح جهت بهبود وضع معاملات اقتصادی استاندارد خاصی جهت اجناس تهیه خواهد گشت و در اختیار وزارت خانه ها قرار خواهد گرفت و بر اساس این نرخ ثابت وزارتخانه ها خواهند توانست اجناس مورد نیاز خود را با قیمت ثابتی تهیه نمایند... اما موضوعی که همیشه مرا بخود مشغول داشته استفاده از اوقات زندگی و پیروزی بر مشکلات می باشد که در این مورد مخصوصاً برای جوانها دانستن آن لازمست باید بگویم .

« هیچ موضوعی نباید در مقابل دیدگان انسان، بزرگ و تیره و تار جلوه نماید اگر امروز میتوان خورد باید خورد ، از نور خورشید لذت برد . باخوشی و شادمانی بدوستان خود پیوست ، از همه این کارها نهایت لذت را برد و بدرگاه پروردگار شکر گزار بود . گذشته را با خرسندی ننگریست و زیادهم در کار آینده نبود... »

انسان فقط از امروز خود مطمئن است . پس نباید فریب خورده و ، بفکر گذشته و آینده امروز را اذ دست داد . در مورد خودم آخرین نکته ای را که میتوانم بگویم آنستکه معتقدم دوستی از بالاترین مواهب انسانی است و شخص در مقام محبت میتواند از همه نعمت های الهی بهره مند شود . طی سالهای اخیر با وجود آمدن انقلاب سفید شاه و مردم تغییرات و تحولات و دگرگونیهای زیادی در اجتماع ما بوجود آمده و هر کس باید راهی پیش گیرد که مبین احساساتش نسبت به « شاه ، سازنده ایران نوین » باشد و توضیحی را که در پایان کلام میتوانم بدهم آنستکه من طی سالیان فعالیت خود هیچگونه سابقه و شائبه حزبی نداشته و همیشه کوشیده ام يك فرد خدمتگذار برای کشور و ملت باشم .

مهندس مصباح جالینوس

مدیرکل برق تهران



● از برای پیروزشدن، شعور به تنهایی

قدرتی است عظیم و اطمینان بشایستگی خویش تضمینی است کافی !

از روزیکه «مهندس جالینوس» در بنگاه برق تهران مشغول کار شده است در این سازمان تغییرات بزرگ و اساسی بوجود آمده و تحولات وسیعی در زمینه تهیه برق ارزان بعمل آمده و تردیدی نیست که اینهمه تغییر و تحول نتیجه درایت و کاردانی «جالینوس» میباشد که در رشته کار خود تبحر فوق العاده ای داشته و اتکائی جز به نیروی خود به چیز دیگری ندارد. اصولاً همه کسانی که او را می شناسند باین حقیقت معترف هستند که او مدیری کاردان بوده و شایسته همه گونه تقدیر میباشد. بی شک کوشش «جالینوس» بر این اصل استوار است که باید در بنگاه برق تهران تغییر و تبدیل بعمل آید و دقت گردد تا از هر جهت رضایت مردم جلب شود.

نمی توان انکار کرد که این چنین موفقیتی آسان بدست آمده است و مهندس جالینوس با برخورداری از نعمت تفکر سالم - صحیح و اصولی توانسته است جاده موفقیت را با سر بلندی تمام طی کرده و تردیدی نیست که وی در آینده بموفقیت های بیشتری نایل خواهد آمد.

وی در تهران متولد شده است و تاریخ تولدش را ۱۲۹۸ ذکر می کنند.

رجال زیر ذره بین

تحصیلات ابتدائی را در دبستان زند سپری کرده و تحصیلات متوسطه را در دارالفنون پایان رسانیده است. وی دارای دو دیپلم مهندسی است که اولی مربوط به راه و ساختمان میباشد و دومی درباره برق و مکانیک است که آنها را از دانشگاه های فرانسه و انگلستان با درجه ممتاز اخذ کرده است و همچنین دوره انستیتوی تجارت بین المللی پاریس را هم دیده و در این راه تجارب فراوانی اندوخته است.

وی پس از اینکه تحصیلات خود را پایان رسانید، مدت ۱۶ سال در پاریس اقامت نمود و برای نصب نیروگاه های برق خطوط الکتریکی و کارخانجات صنعتی تلاش فراوانی کرد و در این راه صاحب تجارب زیادی شد و هنگام بازگشت بایران با دانش و معلومات فراوانی مراجعت کرد. وی بدلیل تجربیاتی که در کار برق داشت شغل هایی را بعهده گرفت که متناسب با حرفه اش بود و در سال ۱۳۴۳ ریاست هیئت مدیره و مدیریت عامل شرکت برق منطقه ای تهران بوی سپرده شد و در حال حاضر نیز در همین پست فعالیت دارد. ضمناً او مدت دو سال و نیم در اداره کنسرسیوم شرکت نفت بوده و اکنون عضو هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران میباشد. بدینست بدانید که او در سال ۱۳۳۹ ازدواج کرده و حاصل این پیوند پسری است که « مصباح » همه زندگیش را برای این پسر عزیز کرده میخواهد.

به تمام کشورهای اروپای غربی و آفریقای شمالی مسافرت کرده و در قاره آسیا از دیدار هند و پاکستان بهره مند شده است، نیمی از این سفرها بمناسبت دعوت های رسمی از طرف دول خارجی و نیز بازدید از کارخانجات صنعتی برق بوده است و او با بازدید از کارخانه های جدید کوشیده است کارخانه های مولد آخرین سیستم را بایران وارد کرده بکار انداختن توربین های بزرگ این مشکل مهم عمومی را حل نماید.

او بزبانهای انگلیسی - فرانسه و آلمانی آشنائی و تسلط کامل دارد . وی میگوید شش اصل انقلابی شاه و مردم مسبب بزرگترین انقلابات در اقتصاد کشور خواهد بود و فقط در طول زمانست که نتایج بسیار سودمند آن معلوم خواهد شد، ولی اکنون نمی توان پیش بینی کرد که این نتایج سودمند چیست ولی میتوان ادعا نمود که هر چه باشد يك زند گي بهتر را برای مردم این مرزوبوم در بر دارد.

از خصوصیات جالب وی نکته‌ای را که بیش از همه میتوان به آن توجه کرد اینست که او معتقد است که تنها در لوای خدمت ب مردم میتوان انتظار ترقی داشت ، عیب ما مردم اینست که خود را از زند گي طلبکار میدانیم در حالیکه همه نعمت هائی را که از آن استفاده می کنیم مدیون زند گي بوده و در حقیقت این دین را با اجتماع خود داریم و باید در راه ساختن اجتماع خوب گام برداریم و این میسر نیست مگر به مردم اجتماع خدمت کنیم و در حقیقت اصل تساوی قانون حقوق بشر نیز بر همین محور دور میزند ، دیگر از خصوصیات جالب روحی و اخلاقی وی میتوان اراده محکم و ثبات عقیده اش را ذکر کرد که در این مورد دوست و دشمن به آن ایمان دارند و همین خصیصه ممتاز است که او را در کارش موفق گردانیده و در ردیف بازیگران برجسته سیاسی قرارش داده است .

بسیاری این خصیصه او را بروح سربازی تشبیه می کنند و او بی اعتناء باین مطلب در کار خود جدیت مینماید، وی بسیار سحر خیز بوده و صبح ساعتها پیاده روی میکند و میگوید در تمام ساعات زند گي فقط همین ساعات متعلق بخودم بوده و بقیه آنرا صرف کار و کوشش میکنم. عقیده دارد که بزرگ شدن بازیر انداز پر قوم میسر نخواهد بود و بلکه هر کس زجر بیشتر دید و رنج فراوانتری کشید خواهد توانست بمقام والا تری برسد تا عقیده شما چه باشد ؟

رجال زیر ذره بین

دکتر محمود دادگر

مدیرکل سپاه بهداشت



● از برای شانه‌های آدمی - بهر اندازه که توانا باشد - باری سنگین‌تر از بار مسئولیت نیست ، بهر اندازه که این بار کوچک باشد .

«من آزادیخواهی میباشم که باصل آزادی مومن و معتقد بوده و پیرو سیاست محافظه کارانه هستم ... وقتی هدفی داشته باشم هیچ عاملی نمی تواند مرا از رسیدن بمقصود باز دارد . قبلا خوب فکر میکنم و پس از آنکه جوانب کار را بررسی کردم اقدام بانجام آن کار مینمایم تا بتوانم بااعتماد خاطر شاهد مقصود رادر آغوش کشم.»

آنچه که در بالا خواندید نظریات پزشك لایق و برجسته ایست درباره شخصیت باطنی خودش... در حال حاضر این پزشك مامور سرپرستی سازمان « سپاه بهداشت » است و آنان که ازدور دستی بر آتش دارند میدانند که او چه مسئولیت شاق و سنگینی را بدوش میکشد و تردیدی نیست که موفقیش در کار آرزوی همه میباشد و از این روی ما بی مناسبت ندانستیم که رشته کلام را بدست خودش بسپاریم تا برای شما شرح دهد زندگیش چگونه گذشته و چه خصوصیات شخصی باطنی او را میسازد و اینست حرفهای شنیدنی وی .

« نامم دکتر محمود دادگر است و در سال ۱۲۹۴ در شهر ریزدمتولد شده ام پدرم آقااعلی آگاه دارای تحصیلات قدیمه بود و بشغل تجارت اشتغال داشت . تحصیلات ابتدائی و

متوسطه خود را در زاد گاهم در دبستان تدین و دبیرستان ایران شهر پایان رسانیدم و برای فرا گرفتن دانش بیشتر رهسپار تهران شدم. تحصیلات عالی خود را در دانشکده پزشکی پایان رسانیدم و برای گذراندن «کورد کتری» تکمیلی رشته بهداشت با آمریکا رفتم و مطالعات خود را در رشته چشم پزشکی پایان رسانیدم، در بازگشت به ایران - سال ۱۳۱۹ - بخدمت نظام رفتم و در شهریور ۱۳۲۰ به پاس خدمات انجام شده بدریافت نشان طلای جنگی نایل شدم و سال بعد بخدمت وزارت بهداشتی در آمده و با سمت چشم پزشکی بهداشتی باستان هشتم عزیمت نمودم. پس از مدت کوتاهی ریاست بهداشتی شهرستان کرمان بمن تفویض گردید. سمت بعدی من ریاست بیمارستان کرمان بود و پس از آن اداره بهداشتی این استان بمن سپرده شد. تا سال ۱۳۴۰ در این سمت خدمت نمودم و در این سال با انتقال به تهران مدیر کلی اداره نظارت بر مواد مخدره به عهده ام و اگذار گردید. اولین فعالیتی که در این قسمت انجام دادم افزایش تعداد تختخوابهای بیمارستان معتادین از یکصد عدد به دویست و پنجاه تختخواب بود که بی اندازه مورد توجه قرار گرفت. پس از اینکه فرمان ملوکانه تشکیل سپاه بهداشت از وظایف وزارت بهداشتی قرار گرفت افتخار اداره آن بمن سپرده شد و در حال حاضر در این سمت مشغول فعالیت هستم. من در سال ۱۳۲۳ با بانو فاطمه آگاه ازدواج کرده ام و دارای سه فرزند بنامهای فریده، فرید و فرزاد میباشم. از زندگی خانوادگی خود رضایت کامل را دارم و به سرم عشق می ورزم و نیمی از موفقیت های خود را در زندگی مدیون محبت ها و راهنمایی های او میدانم.

بزبانهای فرانسه و انگلیسی آشنائی داشته و در ساله نوشته ام که منتشر شده است نام آنها عبارتند از: ۱ - رساله دکتری در پزشکی ۲ - رساله تخصصی چشم پزشکی - تاکنون بکشور امریکا جهت مطالعه در امور بهداشتی - سویس

رجال زیر ذره بین

بسمت نماینده ایران در کنفرانس مواد مخدره - کشور ترکیه بسمت رئیس هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس مواد مخدره و کشورهای پاکستان - آلمان - انگلستان - عراق جهت بازدید مسافرت کرده‌ام . هم چنین موفق باخذ نشانهای زیر شده‌ام . ۱ - نشان درجه دوم علمی بعثت احراز رتبه اول در امتحانات نهائی متوسطه ۲ - نشان طلای جنگی بمناسبت ابراز فداکاری در حوادث شهریور ماه ۱۳۲۰ - ۳ - نشان درجه پنجم تاج ۴ - نشان درجه چهارم همایون . اگر در باره موفقیت‌هایم پرسید می‌گویم شغلی را که در جوانی برگزیدم بآن علاقمند بودم . از طوفانهای زندگی نهراسیدم - چه هر قدر طوفان سهمگین باشد دوام نخواهد داشت - پشتکار و حوصله زیاد در کار داشتم و اگر بهمانعی میرسیدم صبر میکردم تا آن مانع برطرف گردد . هر چند پول نهایت آمال افراد انسانی است و برای ادامه حیات لازمست ولی همواره منافع مادی خود را فدای مطالعات و رسیدن بمقصود کردم و معتقدم سرنوشت انسان بدست خود انسان نوشته میشود . وضع امروز مانع از عمل دیروز ما است و نکته مسلم و بدیهی و غیر قابل تردید اینست که پیشرفت و موفق شدن مربوط بعمل ، پشتکار ، استقامت و ثبات قدم است .

تا شما چه عقیده‌ای داشته باشید ؟

دکتر جلال بدخشان

مدیر عامل بنگاه کل داروئی ایران



● دموکراسی معنی اش این نیست که

(باصطلاح) « من با تو مساویم » بلکه یعنی « تو با من مساوی هستی ! »

اگر بخواهیم ساده و روان، خلاصه و مجمل در یک جمله کامل و کوتاه تعریفی از شخصیت بارز و برجسته « دکتر جلال بدخشان » - که ما با چهره او امروز در قامت مدیریت عامل بنگاه کل داروئی ایران آشنائی می یابیم - بکنیم باید بگوئیم که او انسانی شریف بمعنی وسیع کلمه میباشد. این مطلبی است که نه تنها ما، بلکه کلیه آنانیکه با وی همکاری میکنند و یا با او از نزدیک آشنائی دارند و درزندگیشان دانش و بینش او عصای راهشان میباشد، آن را با صراحت تمام بیان میکنند. وی از افراد خود ساخته کشور ما است و میدانیم که خود ساختگی کار آسانی نیست بلکه مستلزم گذراندن مشکلات عدیده ای است که درزندگی درسر راه آدمی وجود دارد و اگر کسی نتواند با این مشکلات مبارزه کند و آنها را ازپیش پای خود بردارد نخواهد توانست بآمال و آرزوهای خود برسد، هر چه ما وارد قشرهای گوناگون اجتماع شویم. با افرادی که در طبقات مختلف، تلاش دارند که بزندگی بهتر برسند برخورد خواهیم کرد که چاره ای نداریم جز اینکه چنین جد و جهد آنها را بستائیم و تردیدی نیست که با این عوامل کوشش « دکتر جلال بدخشان » را نیز باید ستود.

رجال زیر ذره بین

خاندان بدخشان از اصیل ترین خانواده های ایرانی میباشد که در اصالت و نجابت و پرهیزکاری اشتهار داشته و فرزندی که در آغوش این خانواده پرورش یافته اند همه بایک هدف بزرگ شده اند و آن همانا خدمت بکشور و مردم اجتماع خود بوده است وزندگی دکتر حلال بدخشان که مختصری از آن در زیر ذکر میگردد نمونه ایست زنده در این مورد...

وی در سال ۱۲۹۵ در تهران تولد یافت. پدرش «مصطفی خان» از مشروطه خواهان بود و در این مورد تلاشهای فراوانی کرده بود و باروح آزادیخواهی که داشت به تربیت فرزندان خود توجه وافری نشان میداد و از این روی جلال در جوار محبت ها و الطاف پدر پرورش یافت و همانگونه که راه رفتن، خندیدن، صحبت کردن و گریه کردن را میآموخت با مسائل مختلف زندگی آشنائی می یافت و از علم و دانش بهره میگرفت. وی تحصیلات ابتدائی خود را در دبستان هدایت پایان رسانید و از دبیرستان شرف فارغ التحصیل گردید. آنگاه برای فرا گرفتن دانش و بینش بیشتر بدانشگاه تهران رفت و همزمان با آغاز جنگ دوم جهانی - ۱۳۲۰ - ازدانشکده داروسازی فارغ التحصیل شد. در همان سال در بهداری شهرداری تهران استخدام گردید و امور داروئی و دارو خانه های شهر تهران و همچنین اداره داروئی بهداری شهرداری بعهده وی سپرده شد. او کوشید تا با نشان دادن خدمت صادقانه و وظیفه خود را نسبت بوطن و مردم کشورش انجام دهد و از همین روی فعالیتها و تلاشهایش مورد توجه مسئولین امر قرار گرفت و دروازه های ترقی را بروی او گشود و او بسرعت از نردبان ترقی شروع ببالارفتن کرد.

در سال ۱۳۳۰ برای مطالعه در امر شیمی هیدرولیک از طرف وزارت کشور به انگلستان اعزام گردید و او از این سفر با تجربیات فراوان بکشور بازگشت و

باردیگر فعالیت های خود را آغاز نمود. تا اینکه در سال ۱۳۳۹ بعنوان معاون بنگاه داروئی ایران بکار پرداخت و دو سال بعد برای مطالعه و بازدید کارخانجات اروپائی به کشور های غرب مسافرت نمود و در بازگشت بسال ۱۳۴۲ بمدیریت عامل این بنگاه برگزیده شد. در حال حاضر نظارت بر امر داروی کشور بعهده وی سپرده گشته و چشم امید بسیاری از مردم بسویش دوخته شده و انتظار دارند که او با همه مشکلاتی که در کار خود دارد بتواند در اینراه موفقیت شایان توجهی بدست آورد. بدنیت بدانید وی متاهل بوده و هم اکنون صاحب يك دختر و پسر و چشم مشکمی میباشد و بزندگی خانوادگی خود نیز صمیمانه عشق میورزد.

دکتر بدخشان عقیده راسخ دارد که در کشور ما همگان باید از نعمت بهداشت و پزشک و داروی رایگان بهره مند شوند و امیدوار است که تشکیل سپاه بهداشت و تاسیس مراکز بهداشتی و روستاها که بنوبه خود در بالا بردن سطح بهداشت عمومی فوق العاده موثر است مقدمه ای برای اجرای تعمیم بهداشت رایگان در سراسر کشور باشد و در این باره او میگوید انگلستان کشوریست که میتواند الگوی بسیار خوبی برای اجرای برنامه بهداشت رایگان در کشور ما باشد. بدنیت بدانید: شطرنج از بازیها و سرگرمیهای مورد علاقه اش و میگوید من اغلب از این بازی درس زندگی فر گرفته ام و معتقدم که این بازی میتواند کمک بسیار خوبی برای تجربه آموختن باشد.

دوستانش معتقدند که دکتر بدخشان جوانیست که هرگز پیر نمیشود و این بدلیل آنستکه او بسیار بذله گو، خوش مشرب و شوخ طبع میباشد و میگوید لذت زندگی در دوست داشتن و عشق ورزیدن است و نعمت این لذت بی همتا از آن کسانی است که همواره برای تسکین آلام بشری در تکاپو هستند. وی از سیاست محافظه

رجال زیر ذره بین

کارانه پیروی کرده و با این حال از شهامت فوق العاده نیز برخوردار میباشد. زود تصمیم میگیرد و زود عمل میکند. ایمان دارد که هر کس هر تصمیمی گرفت میتواند آنرا انجام دهد اگر واقعاً بخواهد، عاشق کار بوده و در این مورد هیچ عاملی نمی تواند او را از انجام کارهایش باز دارد.

دکتر بدخشان صاحب اندیشه ای بارز و روشنی است و از مطالعات فراوانی برخوردار بود و اطلاعات عمیق اجتماعی دارد. از عقاید جالبش آنستکه میگوید «هر شکست مقدمه یک پیروزی است» و در این مورد اضافه میکند. «وقتی برای اولین بار در زندگی شکست خوردم احساس کردم برای مبارزه با مشکلات آمادگی بیشتری دارم و بخلاف دیگران که هنگام شکست زانوی غم در بغل میگیرند نشستم و فکر کردم تا ببینیم راه رسیدن به موفقیت چیست؟ وقتی کاملاً جوانب این راه را سنجیدم آنگاه با دقت و افری مبارزه نوین خود را آغاز نمودم. اینبار دیگر مطمئن بودم که پیروزی از آن من است و حتی يك لحظه هم این اندیشه در من وجود نداشت که ممکن است شکستی نصیبم شود. آنقدر جدوجهد کردم تا بحصول نتیجه رسیدم و از آن بعد این شعار را سرلوحه زندگی خود قرار دادم که هر شکست مقدمه یک پیروزی است.» دیگر از خصوصیات وی بدنیت بدانید که او خود را وقف خدمت بمردم کرده و در مورد انجام وظیفه اش میگوید: «من روزی خود را خوشبخت خواهم دید که مردم بکار من ایمان داشته و در راهی که دارم مرا تأیید کننده برای وی که از رجال برجسته صحنه پزشکی کشور ما میباشد آینده درخشانی پیش بینی میشود و تردیدی نیست که او خواهد توانست با انجام خدمات بیشتری نائل شود و ما نیز آرزویی جز این نداریم.

